

اقتصاد ژئوپلیتیک نفوذ چین در ایران

امپراتوری سرمایه

و

توسعه ناموزون

حامد سعیدی

ترجمه‌ی م. شکبیا





Universiteit
Leiden
The Netherlands

اقتصاد ژئوپلیتیکی نفوذ چین در ایران

امیداتوری سدمايه و توسعه‌ی ناموزون

کارشناسی ارشد روابط بین‌المللی
گرایش: نظم جهانی در چشم‌انداز تاریخی
دانشگاه لییدن: دانشکده‌ی علوم انسانی
هلند | ژوئیه‌ی ۲۰۲۱

نویسنده: حامد سعیدی
استاد راهنما: دکتر روخیر کریم‌رس
استاد مشاور: دکتر آلپ پین



اقتصاد ژئوپلیتیکی نفوذ چین در ایران

امیداتوری سرمایه
و
توسعه‌ی ناموزون

حامد سعیدی

ترجمه‌ی م. شکیبا

شناسه‌ی کتاب

عنوان فارسی:	اقتصاد ژئوپلیتیکی نفوذ چین در ایران: امپراتوری سرمایه و توسعه‌ی ناموزون
عنوان انگلیسی:	The Geopolitical Economy of Chinese Influence in Iran: Empire of Capital and Uneven Development
نویسنده:	حامد سعیدی
مترجم:	م. شکبیا
موضوع:	پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد
رشته‌ی تحصیلی:	کارشناسی ارشد روابط بین‌المللی
گرایش:	نظم جهانی در چشم‌انداز تاریخی
دانشگاه:	دانشگاه لیدن (دانشکده‌ی علوم انسانی)
تاریخ انتشار:	متن فارسی (آذر ۱۴۰۰)
طراح جلد:	یوسف علی‌پور
تعداد صفحات:	۱۶۰
ای‌میل نویسنده:	saidi.hamed@hotmail.com

فهرست

۸	چکیده
۹	یادداشت مترجم
۱۲	فصل یکم: طرح پژوهش
۱۲	مقدمه
۱۵	۱. مسئله
۱۹	۲. هدف پژوهش
۲۰	۳. اهمیت و مدافعه
۲۳	۴. تعریف مفاهیم
۲۶	۵. پرسش‌های پژوهش
۲۶	۶. بررسی ادبیات
۳۱	۷. روش پژوهش: تحلیل دیالکتیکی
۳۶	۸. طرح کلی فصل‌ها
۳۷	فصل دوم: مبانی نظری و تشریح مفاهیم
۳۷	مقدمه
۳۸	۱. منطق اقتصاد ژئوپلیتیکی
۴۱	۲. منطق امپراتوری سرمایه
۴۴	۳. منطق فضایی و سرزمینی سرمایه و دولت - ملت
۴۷	۴. فرضیه‌ها
۴۷	۵. عملیاتی‌سازی فرضیه‌ها
۵۱	۶. استدلال‌های انضمامی
۵۸	فصل سوم: ظهور چین و سیر توسعه‌ی روابط اقتصادی چین و ایران
۵۸	مقدمه
۵۹	۱. زمینه‌ها و پی‌آمدهای ظهور چین
۶۷	۲. سیر تاریخی روابط اقتصادی چین و ایران
۷۱	۳. ترکیب و ماهیت تجارت چین و ایران
۷۳	۴. صادرات نفت خام ایران به چین
۷۷	جمع‌بندی

فصل چهارم: سیر تاریخی صدور سرمایه‌ی چین به ایران ۷۹

- مقدمه ----- ۷۹
۱. ترسیم و پیاده‌سازی راهبرد رفتن به جهان ----- ۸۰
۲. گسیل سرمایه‌ی چین به ایران ----- ۸۴
- ۲.۱. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران ----- ۸۴
- ۲.۲. سرمایه‌گذاری خارجی چین در ایران ----- ۸۷
- ۲.۳. سرمایه‌گذاری چین در طرح و پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی ----- ۹۲
- ۲.۴. انرژی خورشیدی ----- ۱۰۶
- ۲.۵. خط اعتباری مالی ----- ۱۰۶
- ۲.۶. صنعت معدن ----- ۱۰۷
- جمع‌بندی ----- ۱۰۸

فصل پنجم: سرمایه‌گذاری چین در گسترش شبکه‌های زیرساختی ایران ۱۱۰

- مقدمه ----- ۱۱۰
۱. اهداف ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی «ابتکار کمربند و جاده» ----- ۱۱۱
۲. سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورهای ممتد با ابتکار کمربند و جاده ----- ۱۱۴
۳. نقش چین در گسترش پروژه‌های حمل‌ونقل ایران ----- ۱۱۵
- ۳.۱. جایگاه ایران در کریدورهای اقتصادی چین ----- ۱۱۷
- ۳.۲. سرمایه‌گذاری چین در پروژه‌های حمل‌ونقل ایران ----- ۱۲۱
- جمع‌بندی ----- ۱۳۷

نتیجه‌گیری پایانی ۱۳۹

- کتاب‌شناسی ----- ۱۴۷
- پیوست‌ها ----- ۱۵۶
- دیگر آثار نویسنده ----- ۱۵۸

چکیده

گسترش حوزه‌ی نفوذ چین در ایران قطعه‌ی کوچکی از یک تصویر بزرگ‌تر در مقیاس جهانی را بازتاب می‌دهد؛ فرآیندی که طی آن چین با سرعت بی‌سابقه‌ای منابع طبیعی جهان را برای تغذیه‌ی رشد فزاینده‌ی اقتصادی‌اش می‌بلعد و پایه‌پای آماسیدن روزافزون، متقابلاً حجم عظیمی از کالا و سرمایه را به اقتصاد جهانی پمپاژ می‌کند. بر متن این تغییر و تطور شگرف، این رساله با تمرکز بر سیر تاریخی سرمایه‌گذاری‌های چین در بسیاری از پروژه‌های اقتصادی از جمله در حوزه‌ی نفت و گاز و پتروشیمی، و منافع آن در گسترش شبکه‌های زیرساختی حمل‌ونقل ایران، به بررسی پی‌آمدهای اقتصادی و سیاسی این فرایند در سپهر روابط قدرت میان دو کشور می‌پردازد. این پژوهش در مواجهه‌ی نقادانه با رویکرد دولت‌محوری جریان اصلی، مبانی نظری و تحلیلی نوینی را بنیان می‌نهد و با تطبیق «روش تحلیل دیالکتیکی»، نقاب از چهره‌ی ساخت قدرتی بر می‌دارد که برهم‌کنش‌ها و تعاملات در سطح روابط بین‌المللی را قوام بخشیده‌اند، بازتولید می‌کنند و آن را استحکام و استمرار می‌بخشند؛ به‌تبع آن از لایه‌های سطحی به ژرفای جامعه رخنه می‌کند و با مفصل‌بندی عوامل و نیروهای درگیر در مقیاس و سطوح مختلف، روابط چین و ایران را در پیوند با سازوکارها، تضادهای درونی و قوانین اقتصاد سرمایه‌داری، گرایش خودگستری و انباشت‌محور سرمایه به‌مثابه‌ی درونی‌ترین نیروی محرکه‌ی سرمایه‌داری، واکاوی و تحلیل می‌کند. تحقیق در خصوص واردشدن و نفوذ فزاینده‌ی این قدرت نوپدید در ایران را نه صرفاً در سطح و مقیاس روابط بینادولتی و تجاری در کل، که با برنشاندن آن بر بستر تاریخی و زمینه‌ی فراگیرتر دگردیسی‌های ژرف سرمایه‌داری در چین، هم‌پیوستگی فزاینده‌ی اقتصاد ملی آن در اقتصاد جهانی و ضرورت‌های توسعه‌ی اقتصادی داخلی‌اش، ردیابی و بررسی می‌کنیم. بنابراین این پژوهش بنا دارد به تبیین و تحلیل این مسئله بپردازد که چگونه این فرایند به‌طور هم‌زمان با دو پی‌آمد دیالکتیکی ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی، دو فرایند اقتصادی و سیاسی متمایز ولی درهم‌تنیده، همراه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: چین، ایران، راه ابریشم نوین، اقتصاد ژئوپلیتیکی، امپراتوری سرمایه و توسعه‌ی ناموزون.

یادداشت مترجم

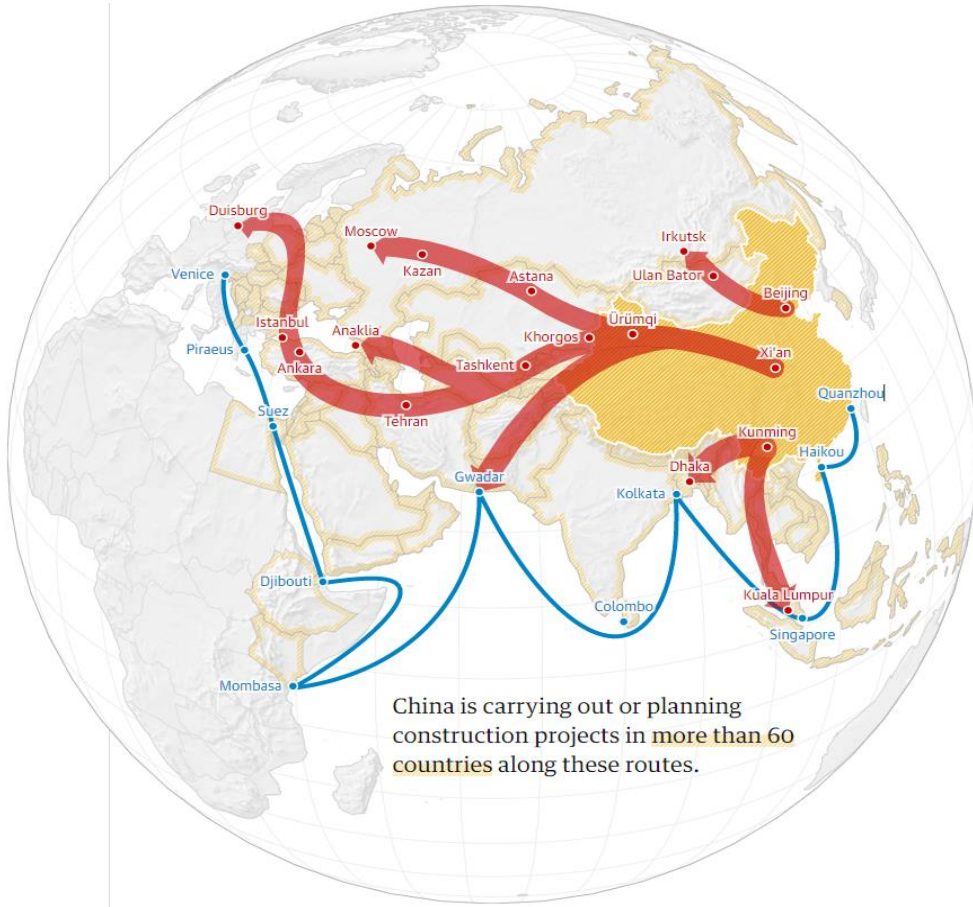
نظم مستقر سرمایه‌داری جهانی در گذر زمان دست‌خوش تحولات ژرف و عظیمی شده است. قرن بیستم با افول تدریجی هژمونی بریتانیا آغازیدن گرفت و نیمه‌ی دوم آن از یک‌سو با هژمونی چالش‌ناپذیر اقتصادی ایالات متحده‌ی آمریکا بر بخش اعظم جهان و از دیگر سو با جهان پرتنش دوقطبی بلوک شرق و غرب (به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا) همراه بود. اما سرانجام با ابرقدرتی آمریکا و جهان تک‌قطبی پایان گرفت. در عوض، قرن بیست‌ویکم با زوال هژمونی و قدرقدرتی آمریکا پا به حیات گذاشت و در امتداد این تحولات، نظم جهانی با ظهور و قدکشیدن آهسته ولی پرتوان چین درحال دگرگون‌شدن است. چین اکنون قدم در مسیر بازآرایی و بازساختاربندی نظم بین‌المللی به‌سوی جهان «چندقطبی» گذاشته است. دریافتن این موج برهه‌ای و تاریخی برخاستن و افول قدرت‌های مسلط جهانی مستلزم رصدکردن و ریشه‌یابی دگردیسی‌های بنیادین در ساختار اقتصادی در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی است.

این نوشتار نظری - پژوهشی می‌کوشد با این بینش و از دل این تحولات، برآمدن قدرت نوپدیدار چین را از خلال تغییر و تحولات ریشه‌ای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توضیح دهد تا به‌فراخور این دوران چندوچون و سیر تاریخی روابط آن با ایران را تبیین و تحلیل کند. به‌راستی کمتر کتاب و نوشتارهای آکادمیک و علمی، دست‌کم در ایران، با این نگرش و متدولوژی به سراغ مسائل مهم جهانی و منطقه‌ای می‌روند. چه خوب که نسلی نوینی از جوانان پرشور و پرکار با رویکردی انتقادی و ژرف‌بینانه پا به عرصه‌ی تحقیق و تفسیر مسائل مبرم و پیچیده‌ی جهان کنونی گذاشته‌اند. بسیار خوش‌وقتیم که با ترجمه‌ی این رساله‌ی ارزنده و آموزنده در شناساندن این مبحث به مخاطبان فارسی‌زبان ادای سهمی کرده‌ام. در ضمن لازم می‌دانم این نکته را ذکر کنم که پس از این‌که [متن اصلی](#) این رساله را ترجمه کردم، نویسنده برخی نکات جزئی را تغییر و مورد بازبینی قرار دادند. این تغییرات شامل نگارش دقیق و واضح‌تر برخی فرازها و مفاهیم و نیز افزودن پاره‌ای نکات ضروری به متن و بعضاً حذف نکات نالازم، می‌شود تا ابهامات احتمالی را رفع نماید و متن با بیانی شیوا و گویا فرموله شود. نیز نگارنده‌ی گرانقدر شخصاً زحمت تهیه و ترجمه‌ی نمودارها و جداول را برعهده گرفتند. باری، امیدوارم از مطالعه‌ی این نوشتار لذت ببرید و به غنای دانش و بینش نقادانه‌اتان بیفزاید.

م. شکبیا

آبان ۱۴۰۰

نقشه‌ی راه ابریشم نوین چین: «ابتکار کمربند و جاده»



منبع: گاردین

فصل یکم

طرح پژوهش

«بزرگ‌ترین توده‌ی جمعیت جهان در اقیانوسیه هستند. اگر قرار بود چین و هند به کشورهای مدرن با حجم عظیمی از تولیدات صنعتی تبدیل شوند، برآیند جداشدن‌شان از وابستگی به اروپا در حقیقت تعادل فعلی را بر هم می‌زند: دگرگونی قاره‌ی آمریکا، تغییر در محور [روش] زندگی آمریکایی از اقیانوس اطلس به سواحل اقیانوس آرام و غیره.»

گرامشی، ۱۹۹۵، ص. ۱۹۶، Q5§8

مقدمه

ظهور چین در قرن بیست و یکم، در معنایی استعاری، همانند یک اژدهای غول‌پیکر می‌ماند که به تدریج ولی پرتوان دامنه‌ی حوزه‌ی نفوذ خود را در بسیاری از نقاط جهان می‌گستراند؛ فرایندی که طی آن این اژدها در ابعاد بی‌سابقه‌ای در حال بلعیدن منابع طبیعی جهان است تا اقتصاد داخلی روبه‌رشد خود را تغذیه کند و هم‌پای آماسیدن روزافزون، متقابلاً مقادیر فراوانی از سرمایه و کالاهای ارزان را به اقتصاد جهانی پمپاژ می‌کند. آنچه هم‌اکنون میان چین و ایران در جریان است انعکاس این استحاله‌ی معین جهانی است که در واقع قسمت کوچکی از یک تصویر بزرگ‌تر را به نمایش می‌گذارد. فاش شدن

سندی درخصوص «توافقنامه‌ی راهبردی ۲۵ ساله»^۱ بین پکن و تهران در مردادماه ۹۹ نشان می‌داد که این دو کشور درحال ورود به یک پیمان همکاری در حوزه‌های تجاری، سیاسی، امنیتی و فرهنگی هستند. این نیز موجبات فضای جنجالی در سیاست داخلی و خارجی را به همراه داشت. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا این سطح از همکاری، تکیه‌گاهی استراتژیک برای نفوذ منطقه‌ای چین ایجاد می‌کند؟ نگرانی و مناقشات پیرامون نفوذ چین در ایران زمانی اوج گرفت که «پترولیوم اکونومیست» گزارش کرد که طبق این پیمان راهبردی، چین از مزایای هنگفتی به‌رمنده خواهد شد. به‌طور مشخص محور اصلی توافق این بوده که چین قرار است در مجموع ۲۸۰ میلیارد دلار برای توسعه‌ی بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران و نیز ۱۲۰ میلیارد دلار دیگر در توسعه‌ی زیرساخت‌های ترابری و صنعتی سرمایه‌گذاری می‌کند. در عوض، شرکت‌های چینی از انحصارات و امتیازات ویژه‌ای در مناقصه‌ها همچون «امتیاز پذیرش یا ردّ هرگونه توسعه‌ی نفتی و گازی جدید، موردهای متوقف‌شده و یا ناتمام برخوردارند.» و نیز شرکت‌های چینی از این امتیاز تمتع می‌برند تا از مشارکت در همه‌ی پروژه‌های پتروشیمی ایران، از جمله ارائه‌ی فناوری، سامانه‌ها، اجزای فرایند و پرسنل مورد نیاز برای تکمیل چنین پروژه‌هایی امتناع کنند و یا آن‌ها را بپذیرند. افزون بر این، «چین قادر است محصولات نفت، گاز و پتروشیمی ایران را با حداقل تخفیف تضمینی ۱۲ درصد نسبت به میانگین قیمت شش‌ماهه‌ی آن محصولات، به‌اضافه‌ی ۶ تا ۸ درصد تخفیف بیش‌تر به منظور جبران ریسک خریداری کند.»^۲ اگرچه این گزارش‌ها و اطلاعات هنوز از سوی مقامات جمهوری اسلامی ایران رسماً تأیید نشده‌اند، اما تنش‌ها و منازعه‌ی سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی همواره در جریان است و آستانه‌ی آن گسترش یافته است.^۳

^۱ Alam Saleh, Zakiyeh Yazdanshenas, "Iran's Pact with China Is Bad News for the West," Foreign Policy.

^۲ Simon Watkins, "China and Iran flesh out strategic partnership." The Petroleum Economist.

^۳ «سند راهبردی ۲۵ ساله ایران - چین | چه چیزهایی درباره این سند می‌دانیم؟» خبرگزاری تسنیم.

تاریخچه‌ی توافق‌نامه‌ی ۲۵ ساله‌ی چین و ایران به سفر شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، به تهران در بهمن ۱۳۹۴ برمی‌گردد. هنگامی این دو کشور بیانیه‌ی «مشارکت جامع راهبردی» را امضا کردند که در یکی از بندهای آن از اراده‌ی راسخ طرفین برای توسعه‌ی ۲۵ ساله‌ی مشارکت جامع راهبردی «در عرصه‌های انرژی، زیرساختی، صنعتی، فناوری و سایر زمینه‌های مشترک» صحبت کرده‌اند.^۴ پس از مدت‌ها جنجال سیاسی و امتناع مقامات ایران از اعلام محتوای چنین پیمانی، سرانجام در ۷ فروردین ۱۴۰۰، وزیران خارجه‌ی دو کشور «برنامه‌ی همکاری جامع فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین» را در تهران تنفیذ کردند. آن‌ها در این بیانیه اعلام کردند که یکی از مهم‌ترین ابعاد این سند، بعد اقتصادی آن و گسترش روابط دو کشور در حوزه‌های مختلف تجاری، اقتصادی، بازرگانی (به‌طور مشخص در حوزه‌های نفت، صنعت و معدن و حوزه‌های مرتبط با انرژی) است.^۵ با توجه به این‌که ابعاد و جزئیات کامل سند توافق هنوز بروز بیرونی پیدا نکرده، تبیین و تحلیل سیاسی و نیز حدس و گمان‌ها در افکار عمومی و رسانه‌ها به حدی رسیده که مسئله‌ی «رانت انحصاری امپریالیستی»^۶ و «استعمار هوشمند چین»^۷ به‌میان کشیده شده است. با این حال، این پیمان راهبردی بیانگر گسترش حوزه‌ی نفوذ چین در ایران، عمدتاً از طریق میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران و گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل است. حال پرسش این است که از چه منظر و چگونه گستره و ژرفای این تحول بارز اقتصادی-سیاسی را رصد و تحلیل کنیم. این پرسمان لازم است هم در سطح نظرورزی و هم در سطح پژوهش تجربی ابعاد سیاسی و اقتصادی آن واکاوی و بازنمایی شود.

^۴ «متن کامل بیانیه مشارکت جامع راهبردی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین»، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری ایران.

^۵ «سند جامع همکاری های ۲۵ ساله ایران و چین امضا شد»، تابناک.

^۶ «این سو ویرانی، آن سو تاراج»، نقد اقتصاد سیاسی.

^۷ نفیسی، رسول. استعمار هوشمند چین. بی‌بی‌سی فارسی

۱. مسئله

بر بستر تخصصات و رقابت‌های پی‌درپی میان قدرت‌ها و بلوک‌های بزرگ سرمایه‌داری، در حالی که قدرت‌های غربی هم‌چنان بر سلطه و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در منطقه‌ی خاورمیانه می‌افزایند، چین به‌سان یک قدرت نوظهور، اگرچه خود جزو کشورهای پیرامونی و از «جنوب جهانی» بوده است، اما با به‌موازات ورود به هزاره‌ی سوم فضای سیاسی و موازنه‌ی قدرت در نظم جهانی را متحول ساخته است. در ارتباط با سیر تحولات در خاورمیانه، چین وارد معادلات کلان منطقه شده و با به‌چالش کشیدن قدرت‌های غربی، به‌تدریج توازن قوا را برهم زده و در حال برساختن روابط قدرت تازه‌تری است. پی‌رو طراحی و گشایش جاده‌ی ابریشم نوین تحت عنوان «یک کمربند - یک جاده»^۸ در سال ۲۰۱۳ علاقه‌ی عمده‌ی چین به حضور در ایران با سرمایه‌گذاری در بخش انرژی و راه‌سازی فزونی یافته است.^۹ بر متن این تحولات، تنها چند مطالعه و پژوهش ناچیز و پراکنده پیرامون جریان صدور سرمایه‌ی چین به ایران انجام گرفته که صرفاً به موارد محدودی در بخش انرژی و ساخت خطوط راه‌آهن می‌پردازد.^{۱۰} در حقیقت، جنبه‌ی پروبلماتیک به‌تنهایی به یک شکاف در تحقیق تجربی نظام‌مند محدود نمی‌شود. مسئله اما اتخاذ رهیافت تحلیلی و نظری نیز است، مبنی بر این که چگونه می‌توان پدیدارشدن قدرتمند چین و گسترش نفوذ آن در ایران را کندوکاو و تبیین کرد و نیز پی‌آمدهای بالفعل و بالقوه‌ی اقتصادی و سیاسی این تحول را دست‌نشان ساخت.

⁸ The One Belt, One Road (OBOR).

⁹ Maha S. Kamel, "China's Belt and Road Initiative: Implications for the Middle East." *Cambridge review of international affairs* 31, no. 1 (2018): 76-95.

¹⁰ Garver, John W. *China and Iran Ancient Partners in a Post-Imperial World* (Seattle: University of Washington Press, 2006); Maloney, Suzanne. *Iran's Political Economy since the Revolution* New York, NY: Cambridge University Press, 2015), 406-411; Zahid Khan and Changang GUO. "China's Energy Driven Initiatives with Iran: Implications for the United States." *Asian journal of Middle Eastern and Islamic studies* 11, no. 4 (2017): 15-31; Mohsen Shariatinia and Hamidreza Azizi. "Iran-China Cooperation in the Silk Road Economic Belt: From Strategic Understanding to Operational Understanding." *China & world economy* 25, no. 5 (2017): 46-61.

محققان جریان اصلی روابط پکن و تهران را از منظر نظریه‌های متعارف روابط بین‌المللی بررسی‌دهاند و عمدتاً بر روابط بینادولتی تمرکز دارند. آنها دولت و سیاست‌های خارجی آن را به‌عنوان اصلی‌ترین واحد تحلیلی جهت توضیح نقش روابط سیاسی در سازماندهی همکاری‌های اقتصادی میان کشورها^{۱۱} و نیز تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ و متحدان منطقه‌ای‌شان بر مناسبات این دو کشور برگزیده‌اند.^{۱۲} سواى این‌ها، تحلیل مسئله‌دار دیگر این است که در بستر تاریخی درازمدت مداخلات نظامی امپریالیسم غرب در خاورمیانه، برخی از نویسندگان رویکرد چین نسبت به این منطقه و به‌ویژه روابط چین و ایران را روابطی «صلح‌آمیز»، «غیرامپریالیستی»، «دوستانه»، و «همکاری برد - برد» توصیف می‌کنند.^{۱۳} به بیانی دیگر این خوانش‌ها مناسبات بینادولتی در سطح جهانی را از بستر تاریخی و زمینه‌ی فراگیر قوانین حاکم بر نظام سرمایه‌داری برمی‌کنند - به این معنا که برهم‌کنش‌های فی‌مابین ساختار روابط بین‌المللی و پوییش درونی اقتصاد سرمایه‌داری در ارتباط با نیروهای محرکه‌ی اصلی ظهور چین و پسامدهای آن بر ایران را قلم می‌گیرند.

معضل اساساً این است که برای پی‌بردن به پی‌آمدها و تعاملات سیاسی و اقتصادی این دو کشور، نمی‌توان آن را از شالوده‌ها و سازوکارهایی که نظم جهانی سرمایه‌داری بر آن استوار است جدا کرد. سواى اهمیت مکان‌مندی و زمان‌مندی آن، این مسئله را در درجه‌ی اول باید **زمینه‌مند** کرد تا به دریافت بهتری از آن‌چه بر متن آن به منصفی ظهور می‌رسد، دست یافت. از لحاظ هستی‌شناسی،

^{۱۱} آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام. نقش ژئواکونومی انرژی در پیوند ایران و چین. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی. شماره ۱۴ (بهار ۱۳۹۲)، صص. ۷۵-۱۰۴؛ صادقی، سید شمس‌الدین. امنیت انرژی چین و ژئواکونومیک انرژی ایران. فصل‌نامه‌ی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. دوره ۷، شماره ۲۲ - شماره پیاپی ۲۲ (بهار ۱۳۹۴)، صص. ۸۵-۱۲۳؛ پیرسلامی، فریبرز. چین و ایران؛ راهبردهای سیاست خارجی و چالش همکاری‌های فراگیر. روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۴)، صص. ۹۲-۶۳.

^{۱۲} Khan & Changgang, "China's,"; Anoushiravan Ehteshami, Niv Horesh, and Ruike Xu, "Chinese-Iranian Mutual Strategic Perceptions." *The China Journal (Canberra, A.C.T.)* 79, no. 1 (2018): 1-20; Mohammadreza hafeznia, Manouchehr Motaqi, Khosrow Bolhasani, Reza Roshani. "Common geopolitical concerns and relationships Islamic Republic of Iran and China." *Strategic Management Studies of National Defence Studies* 9, no. 34 (2019): 116-91.

^{۱۳} Scott Harold, Alireza Nader. "China and Iran Economic, Political, and Military Relations (Santa Monica: RAND Corporation, 2012); Shariatinia and Azizi. "Iran,".

رویکردهای لیبرالی و دست‌راستی عناصر سازنده‌ی ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه را عامل‌های گسسته، مستقل‌ازهم و ایستا می‌پندارند. و نیز نه به روابط درونی و متقابل میان واحدهای تحلیل در سطوح مختلف علاقه‌مندند و نه آن را با تمامیت نظام سرمایه‌داری به‌سان یک صورت‌بندی اقتصادی-اجتماعی معین تاریخی پیوند می‌دهند. بنابراین برخلاف چنین روایت‌های تنگ‌نظرانه و ایستا، پی‌بردن به این نکته بسیار مهم است که قواعد کلان روابط بین‌المللی نمی‌تواند مجزا از پویاها و منطق‌های گرایش‌مند درونی شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری عمل کند. چنان‌که آنتونیو گرامشی یادآور شده، روابط بین‌المللی «(به‌طور منطقی) تابع روابط اجتماعی بنیادین است. هرگونه نوآوری ارگانیک در ساختار اجتماعی، از طریق بیان فنی-نظامی‌اش، روابط مطلق و نسبی را به لحاظ ارگانیک در عرصه‌ی بین‌المللی نیز تعدیل می‌کند. حتی موقعیت جغرافیایی یک دولت ملی مقدم بر تغییرات ساختاری نیست بلکه (به لحاظ منطقی) تابع تغییرات ساختاری است، هرچندکه تا حدود معینی متقابلاً بر آن‌ها اثرگذار است.»^{۱۴} برخلاف درک متداول از چپستی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جامعه و پدیده‌ها، که مبنای موضوع کاوش خود را این قرار می‌دهد که «اجزای سازنده‌ی گسسته که می‌توان آن را مقایسه‌پذیر کرد و یا در تضاد با هم قرار داد»،^{۱۵} روابط اقتصادی بین دولت‌های سرمایه‌داری به یک رابطه‌ی تجاری به‌طور عام، مبادله‌ی کالا و خدمات و یا صرفاً به روابط بینادولتی «بازی مجموع-صفر» یا «همکاری برد-برد» قابل فروکاستن نیست. در عوض، این مسئله را باید به الزامات اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری و تبعات‌شان گره بزنیم؛ گرایش‌های قانون‌مندی که هر اقتصاد ملی را به‌سوی گسترش در سطح جهانی سوق می‌دهد؛ امری که در حوزه‌ی رقابتی متقابل میان شرکت‌ها و دولت‌های سرمایه‌داری در جریان است و در تحلیل نهایی در «تکوین روابط و قدرت‌های طبقاتی به لحاظ

¹⁴ Antonio Gramsci, *Selections from the prison notebooks of Antonio Gramsci*, trans. Quintin Hoare and Geoffrey Nowell-Smith (London: Lawrence and Wishart, 1999), 395.

¹⁵ Mark Ruper, "Marxism", in *International Relations Theories: Discipline and Diversity*, fourth ed. edited by Dunne, Timothy, Milja Kurki, and Steve Smith, (Oxford: Oxford University Press, 2013), 151.

تاریخی مشخص» بازتاب پیدا می‌کند.^{۱۶} نظر به این که اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری جهانی بافتاری منفصل و ثابت ندارد بسا که دربرگیرنده‌ی رشته‌ای ناهم‌سان و ناهمگون از روابط بغرنج و تضادمند میان عناصر متمایز اما دینامیک و هم‌پیوند است، در وهله‌ی نخست هم‌پای تلاشیدن بنیان‌های نظری و منطق تحلیلی جریان اصلی، پژوهیدن این مسئله لازمه‌ی اتخاذ **روش‌شناسی انتقادی و تفکر دیالکتیکی** است، که «روشی است برای مطالعه‌ی جهانی متشکل از فرایندهای به‌هم‌وابسته و درحال تکامل مداوم.»^{۱۷}

اگر به انگلستان به‌سان یک نمونه‌ی تاریخی ویژه بنگریم، گسترش جهانی اقتصاد ملی آن اساساً ناشی از «نقش آن در گسترش برون‌رونده‌ی^{۱۸} نظام تجاری نبود بلکه برعکس، توسعه‌ی **درون‌رونده‌اش**»^{۱۹} [یعنی] رشد یک اقتصاد **داخلی** منحصر به فرد» بود.^{۲۰} از این رو «ضروری است این واقعیت را مدنظر قرار دهیم که روابط بین‌المللی با مناسبات داخلی دولت‌ملت‌ها درهم‌تنیده می‌شوند و ترکیب‌های نوین، یگانه و از لحاظ تاریخی مشخصی را پدید می‌آورند.»^{۲۱} بدین‌سان برآمدن چین و بسط دامنه‌ی حوزه‌ی قدرت و نفوذش در ایران را باید بر زمینه‌ی گسترده‌تر و عینی‌تر دگرگونی‌های درونی سرمایه‌داری در درون قلمرو ارضی آن برنشانیم تا به‌طور انضمامی‌تر به فهم کارکردی روابط قدرت در سپهرهای اقتصادی و سیاسی میان دو کشور پی ببریم.

^{۱۶} همان.

^{۱۷} Bertell Ollman, "Why Dialectics? Why Now?" *Science & society (New York. 1936)* 62, no. 3 (1998), 342.

^{۱۸} *Outwardly expanding*

^{۱۹} *Inward development*

^{۲۰} Ellen Meiksins Wood. *The Origin of Capitalism: A Longer View*. Rev. and expanded ed (London [etc: Verso, 2002), 174.

^{۲۱} Antonio Gramsci, *Selections from Prison Notebooks*, ed. and trans. Q. Hoare & G. Nowell-Smith (London: Lawrence and Wishart, 1971), 182.

۲. هدف پژوهش

این پژوهش بنا دارد نقاب از چهره‌ی سازوکارها و ساخت قدرتی بردارد که ضوابط حاکم بر روابط بین‌المللی، به طور مشخص روابط قدرت میان چین و ایران بر آن استوار است - ساختاری که برهم‌کنش‌ها و تعاملات بینادولتی را قوام بخشیده‌اند، بازتولید می‌کنند و آن را استحکام و استمرار می‌بخشند. در سطح معین‌تری اینجا روند فزاینده‌ی حضور و دخالت چین در اقتصاد ایران در دو دهه‌ی اول قرن بیست‌ویکم و نیز پی‌آمدهای اقتصادی و سیاسی مرتبط با آن بر روابط قدرت میان دو کشور را واکاوی و تحلیل می‌کنیم. این رساله با تمرکز بر منافع و سیر تاریخی سرمایه‌گذاری چین در پروژه‌های متعدد اقتصادی و احداث و گسترش زیرساخت‌های حمل‌ونقل ایران، می‌کوشد تا مؤلفه‌ها و محرک‌های دخیل در سازوکارهای نفوذ برجسته‌ی چین در ایران را بازبایی و ارائه کند. برای بررسی این مطلب، در درجه‌ی اول روی زمینه‌های اقتصادی و سیاسی که بسترساز این سطح از روابط هستند تأملی موشکافانه خواهیم کرد. بر این اساس به توضیح این مسئله می‌پردازیم که چگونه ساخت روابط قدرت میان دو کشور، لزوماً و به حکم شرایط تاریخی و پیش‌نهاده‌های تاریخاً قوام‌یافته، به مقتضیات رشد و توسعه‌ی سرمایه‌داری در کشورهای «مرکز» - در این مورد مشخص در چین - و سازوکارها و روابط قدرت در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی گره خورده است.

به بیانی دقیق‌تر، نخستین هدف این رساله این است که مداخله و نفوذ روزافزون پکن در تهران را با دگردیسی‌های بنیادین سرمایه‌داری در چین گره بزند؛ دگرش‌هایی که از دوران سیاست گشایش در سال ۱۹۷۸ و محرک‌های اقتصادی در پس سوگیری جهانی چین، به‌ویژه در نسبت با «راهبرد رفتن به جهان»^{۲۲} در سال ۲۰۰۰ و سپس عملیاتی‌سازی ابرپروژه‌ی فرامنطقه‌ای و فراقاره‌ای «راه ابریشم نوین» در سال ۲۰۱۳، قوام گرفتند. دوم، ضروری‌ست این مسئله را در نگر آوریم که گرایش

²² 'Going Global Strategy'

پیوسته‌ی خودگستری و سوگیری جهانی سرمایه‌داری برخاسته از الزامات گسترش تولید سرمایه‌داری برای تولید ارزش اضافی و انباشت بی‌پایان سرمایه است.^{۳۳} این گرایش هم‌زمان روابطی سلسله‌مراتبی، ناهم‌همسان و منازعه‌آمیز، و نیز سلطه‌جویانه و وابسته‌سازی در زمان و مکان را میان دولت‌های سرمایه‌داری ایجاد و بازتولید می‌کند. با حرکت از این نظرگاه، سوگیری نظری و تحلیلی خود را بر روی پی‌آمدهای اقتصادی و سیاسی سرمایه‌گذاری چین در ایران بر موازنه‌ی قدرت‌شان در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی معطوف می‌سازیم.

برای دستیابی به این اهداف، نه تنها روند تاریخی عمق و دامنه‌ی نفوذ این قدرت نوین در اقتصاد ایران را واکاوی و بر برخی لحظه‌های مهم تاریخی درنگ می‌کنیم، که این روند را هم‌هنگام با برنشاندن آن بر بستر فراگیر و دیالکتیکی راهبرد ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی چین در قبال ایران کالبدشکافی می‌کنیم.

۳. اهمیت و مدافعه

برخلاف رویکرد و آموزه‌های لیبرالی و (نو)واقع‌گرایی که دولت را شاکله‌ی اصلی تجزیه‌وتحلیل خود در سپهر روابط بین‌المللی در نظر می‌گیرند، این پژوهش قصد دارد شالوده‌های نظری و تحلیلی نوینی را بنیان نهد که بر اساس آن مؤلفه‌ها و سازوکارهای دخیل در مسئله‌ی مذکور را موشکافی کند. دست‌کم برپایه‌ی دانسته‌های کنونی‌ام، این اولین پژوهش جامع و نظام‌مندی است که از منظر مارکسی **نقد اقتصاد سیاسی**، در این پرسمان غور کرده و یافته‌های آن را به نگارش در آورده است. این رساله یک رهیافت نظری انتقادی برای توضیح و درک ظهور چین در عصر جهانی‌شدن سرمایه و

^{۳۳} مارکس، کارل. (۱۳۹۵). سرمایه: نقد اقتصاد سیاسی (مجلد سوم)، ترجمه حسن مرتضوی. تهران: نشر لاهیتا؛ لنین. ولادیمیر ایلیچ. (۱۹۱۷). *امپریالیسم به‌مثابه‌ی بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری*. ترجمه‌ی محمد پورهمزگان؛ میک‌سینزوود، ان. (۱۳۸۸). *امپراتوری سرمایه*. ترجمه‌ی حسن مرتضوی. تهران: نشر نیکا؛ István Mészáros *Beyond Capital: Towards a Theory of Transition* (London: The Merlin Press, 1995);

راهبرد اقتصاد ژئوپلیتیکی آن ارائه می‌کند، به‌گونه‌ای که بر روندهای کلان و تناقضات درون‌ماندگار شیوهی تولید سرمایه‌داری به‌ویژه پویایی و نیروهای پس‌پشت تناقضات نمودیافته و/یا مستور جهانی‌شدن سرمایه به‌سان متأخرترین دوران نظام سرمایه‌داری، تکیه دارد. چنان‌که مارکس می‌گوید: «در سرمایه‌داری همه چیز متناقض به نظر می‌رسد و درحقیقت چنین [هم] هست» و این «ویژگی‌های متضاد به لحاظ اجتماعی تعیین‌شده‌ی عناصر آن است» که «مشخصه‌ی غالب شیوهی تولید سرمایه‌داری» است.^{۲۴} هنگامی که از **تضاد و تناقض** صحبت می‌کنیم، مرادمان «تکامل ناسازگار عناصر مختلف در یک رابطه‌ی یکسان است، یعنی [تضاد] میان عناصری که به یکدیگر نیز وابسته‌اند.»^{۲۵} در خصوص گرایش‌های متناقض جهانی‌شدن، ما با **هم‌زمانی** دو روند تضادمند و هم‌پیوند روبه‌رو هستیم؛ گرایش‌های دیالکتیکی و ارگانیک که در آن واحد در یک رابطه‌ی معین، هم در تضاد و تناقض با هم قرار دارند و هم لازمه‌ی استمرار حیات یکدیگرند و به تبع آن یکدیگر را بازتولید و حفظ می‌کنند. نظر به این‌که گرایش درونی تولید سرمایه‌داری شرایطی را می‌آفریند که در آن اقتصاد سرمایه‌داری جهانی بیش از پیش هم‌پیوسته و درهم‌فشرده شده است، این امر با تخصصی‌شدن اقتصاد جهانی در قالب اقتصادهای ملی متنوع و متمایز (که با منطق مزیت نسبی شناخته و توجیه می‌شود)، و هم‌هنگام با چندپارگی سرزمینی فضا و حاکمیت سیاسی دولت‌های ملی نیز هم‌پا بوده است.^{۲۶}

از آنجا که از حیث تاریخی صدور سرمایه از اقتصادهای پیشرفته و صنعتی تأثیرات مهمی بر رشد و توسعه‌ی سرمایه‌داری در کشورهای کمتر رشدیافته و درحال‌رشد که سرمایه به آنها صادر

^{۲۴} مارکس، کارل (۱۳۷۷ [1857]). *گروندریسه: مبانی نقد اقتصاد سیاسی*. ترجمه‌ی باقر پرهام و احمد تدین. تهران: نشر آگاه.

^{۲۵} Bertell Ollman. *Dance of the Dialectic: Steps in Marx's Method* (Urbana and Chicago: University of Illinois Press, 2003).

^{۲۶} Ellen Meiksins Wood. "Global capital, national state", in *Historical Materialism and Globalization*, edited by Rupert, Mark., and Hazel Smith (Abingdon, Oxon: Routledge, 2016), 31.

می‌شود، داشته است،^{۲۷} لازم است به کنکاش در این موضوع بپردازیم که چگونه و به میانجی چه عامل و سازوکارهایی صدور سرمایه‌ی چین به ایران بر موقعیت این دو کشور در تقسیم کار بین‌المللی اثرگذار است؛ سازوکارهایی که به گفته‌ی استفان مزاروش «تابع قانون مطلق توسعه‌ی ناموزون است.»^{۲۸} بر این اساس پایه‌پای تشدید ادغام اقتصاد جهانی، اقتصادهای ملی به‌طور نامتوازن توسعه می‌یابند. نکته‌ی فراخور تأمل و اندیشه‌ورزی این است که باید هم‌زمانی و هم‌نشینی فرایندی را دریابیم که رشدیافتگی تاریخی در یک قطب (مرکز/شمال جهانی) مصادف است با رشدنیافتگی و یا رشد آهسته‌تر و ناهم‌سنگ در قطب مقابل (پیرامون/جنوب جهانی). این ناموزونی در یک فرایند هم‌زمانی و هم‌راستا هستی می‌پذیرند و فرگشت می‌یابند. آن‌طور که میک‌سینزوود می‌گوید: «بدون لحاظ‌کردن توسعه‌ی ناموزون و رقابت میان اقتصادهای ملی و بدون اذعان به تنش دائمی ... بین همکاری‌های بین‌المللی و پیکار برای کسب سلطه میان سرمایه‌داری‌های ملی»،^{۲۹} پی‌بردن به منافع سیاسی و اقتصادی کشور صادرکننده‌ی سرمایه ناممکن است. درست اینجاست که ما باید، در هم‌سویی با لی و دیگران، این مطلب را نیز به‌خوبی دریابیم که «امروزه در همه‌جا ممارست‌های قلمرومندسازی با پروژه‌ی تولید و بازتولید مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری (یعنی [روابط] طبقاتی)، از جمله ساخت سرمایه‌داری دولت به‌عنوان یک رابطه‌ی اجتماعی، گره خورده است.»^{۳۰} پیوند دوسویه میان سپهر اقتصادی و سیاسی از تعامل دیالکتیکی و پویایی روابط میان عناصر سازنده‌ی آن نشأت می‌گیرد که به‌موجب آن دگرسانی در سپهر تولید تأثیرات ژرفی بر ساخت دولت و پوییش نظم جهانی می‌گذارد. این بینش ضرورت‌رانه‌ی انتقادی و پویا «ابزارهایی را فراهم می‌سازد که به مدد آن‌ها به‌واسطه‌ی ابعاد

^{۲۷} لنین. ولادیمیر ایلیچ. (۱۹۱۷). *امپریالیسم به‌مثابه‌ی بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری*. ترجمه‌ی محمد پورهرمزگان.

^{۲۸} Mészáros, *Beyond Capital*, 933.

^{۲۹} Wood, "Global capital," 26.

^{۳۰} Seung-Ook Lee, Joel Wainwright, and Jim Glassman, "Geopolitical Economy and the Production of Territory: The Case of US-China Geopolitical-economic Competition in Asia." *Environment and Planning. A* 50, no. 2 (2018): 416.

فضایی تکامل سرمایه‌داری به گونه‌ای کار کنیم که به فراسوی صرف ارتباط جغرافیایی با ابعاد بین‌المللی اقتصاد سیاسی گام نهد، در حالی که هم‌هنگام فضایی را برای این تصور که دولت‌ها در توسعه‌ی سرمایه‌داری از جمله از طریق ژئوپلیتیک نقش حیاتی دارند، حفظ می‌کند.^{۳۱} رابطه‌ی دیالکتیکی و درهم‌بافته میان ابعاد و سازوکارهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منافع و اهداف چین در ایران، مفهوم محوری این تأویل و تحلیل این خواهد بود که من آن را «**منطق اقتصاد ژئوپلیتیکی امپراتوری سرمایه**» می‌نامم. در وهله‌ی نخست اهمّ مفاهیم محوری را در زیر تعریف و صورت‌بندی می‌کنیم تا در ادامه به شرح و بسط زوایای آن بپردازیم.

۴. تعریف مفاهیم

شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری ارجاعی است به ساخت اجتماعی و فنی تولید نیازهای حیات انسان که شامل نیروهای مولد (نیروی کار، ابزار تولید، مواد اولیه و فناوری) و روابط تولید (سازماندهی کار و روابط طبقاتی) است. این‌ها ساختارهای اجتماعی‌ای هستند که تنظیم‌کننده‌ی مناسبات بین انسان‌ها در فرایند تولید است. به‌اختصار، شیوه‌ی تولید به این معناست که انسان‌ها در یک جامعه‌ی مشخص و در یک مقطع تاریخی معین **چه چیزی** تولید می‌کنند و **چگونه** تولید می‌کنند. در نظام سرمایه‌داری، «تولید ارزش اضافی» [و] تبدیل دوباره‌ی بخشی از آن به سرمایه یا همان انباشت سرمایه ... هدف بی‌واسطه و محرک تعیین‌کننده‌ی تولید سرمایه‌داری است.^{۳۲}

جهانی‌شدن به سرشت‌نشان‌ها و خصیصه‌های اصلی نظام سرمایه‌داری در دوران کنونی

اشاره دارد که در آن اقتصادهای ملی به‌نحو بی‌سابقه‌ای در قالب جهانی‌شدن تولید، جهانی‌شدن

³¹ Jim Glassman, "Geopolitical Economies of Development and Democratization in East Asia: Themes, Concepts, and Geographies." *Environment and Planning. A* 50, no. 2 (2018): 410.

³² مارکس، کارل. (۱۳۹۵) سرمایه: نقد اقتصاد سیاسی (مجلد سوم)، ترجمه‌ی حسن مرتضوی. تهران: نشر لاهیتا، ص. ۲۹۳.

سرمایه، حرکت‌های آزاد و سریع سرمایه و غارت‌گرانه‌ترین سوداگری مالی در سراسر جهان درهم ادغام شده‌اند.^{۳۳} یعنی اقتصاد جهانی بیش‌ازپیش در هم‌تنیدگی و هم‌پیوستگی به‌سر می‌برد.

توسعه‌ی ناموزون در عصر جهانی‌شدن به هم‌زمانی دو گرایش تضادمند و هم‌پیوند اشاره

دارد. به این معنا که تضادهای درون‌مانی گرایش به جهان‌گستری سرمایه‌داری هم وابستگی متقابل اقتصاد جهانی را تشدید و تقویت می‌کند و هم‌زمان، ساخت دولت‌ملت‌ها را با تخصصی‌سازی و تمایز اقتصادهای ملی حفظ و تکثیر می‌کند. برآیند این تحول این است که کشورهای پیرامونی (کم‌تر رشدیافته و یا در حال رشد) به تولیدکنندگان و صادرکنندگان مواد اولیه به کشورهای مرکز (پیشرفته و صنعتی) تبدیل می‌شوند و در مقابل، کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری به منبع تولید کالاهای تولیدی و سرمایه‌ای به‌مراتب با ارزش بالاتر و نیز صادرکنندگان پر قدرت سرمایه تبدیل می‌شوند. این پیکره‌بندی به مدد سازوکارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی همواره حفظ و تحکیم می‌شود. از این‌رو، گرایش به تمرکز و انباشت قدرت، سرمایه و ثروت در یک قطب (مرکز) به‌طور هم‌زمان ملزومات و سازوکارهای عقب‌ماندگی، ناتوان‌سازی و تابع‌بودن قطب مقابل (پیرامون) را فراهم و بازتولید می‌کند.

منطق اقتصاد ژئوپلیتیکی امپراتوری سرمایه مشتمل بر روابط دیالکتیکی و درهم‌تنیده

بین منطق ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی قدرت است. بدین معنا که نیروی محرکه‌ی روابط بین‌المللی بر بستر فراگیر جهانی‌شدن از پویایی و تضادهای ذاتی منطق سرمایه - الزامات پیشینه‌سازی سود و انباشت سرمایه و گرایش بی‌وقفه‌ی سرمایه به خودگستری و سوگیری جهانی - نشأت می‌گیرد. این الزامات تنش و تعارضی دیالکتیکی را در بر می‌گیرند؛ هم وابستگی متقابل و هم‌پیوستگی اقتصاد

^{۳۳} میک سینزود، امپراتوری سرمایه، ص. ۱۳۳.

جهانی را تشدید و تقویت می‌کند و هم‌پای آن قلمرومندسازی سیاسی ساخت دولت‌ملت‌ها تحت هدایت دولت سرمایه، هم‌راستا با منازعه بر سر هژمونی و سلطه بر یکدیگر را تکثیر و بازتولید می‌کند.

منطق ژئواکونومیک قدرت دربرگیرنده‌ی بُعد فضایی تکوین سرمایه‌داری جهانی است.

بدین معنا که نیروی پویای خودگستری سرمایه تمامی کرانه‌های جغرافیایی مرزهای ملی را در می‌نوردد و در جستجوی دستیابی به افزایش سود (با استخراج ارزش اضافی از نیروی کار) در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی وسعت می‌یابد، که این نیز به‌طور فزاینده‌ای به پیوستگی و وابستگی متقابل اقتصاد جهانی منتج می‌شود.

منطق ژئوپلیتیک قدرت ارجاعی است به شرایطی که تقسیم سرزمینی اقتصاد سرمایه‌داری

جهانی همواره «میل به چندپارگی فضا و حاکمیت سیاسی»^{۳۴} در مقیاس‌های مختلف و پیوستار دارد. بر این اساس، نظم جهانی معاصر توسط «دولت‌های ملی که سیاست‌هایی را برای ارتقای رقابت بین‌المللی اقتصادهای ملی‌شان جهت حفظ یا بازگرداندن سودآوری به سرمایه‌ی داخلی و ارتقای تحرک آزاد سرمایه، اتخاذ و عملیاتی می‌کنند.»^{۳۵}

³⁴ Wood, "Global," 32.

³⁵ همان، ص. ۲۶

۵. پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش بدین شرح است که: پی‌آمدهای اقتصادی و سیاسی سرمایه‌گذاری

چین در ایران کدام‌ها هستند؟

برای پاسخ به پرسش اصلی چند سؤال فرعی را صورت‌بندی کرده‌ایم تا گام‌به‌گام و به‌طور انضمامی این پژوهش را به سرانجام برسانیم.

۱. سیر توسعه‌ی روابط تجاری چین و ایران در قرن بیست‌ویکم چگونه بوده است؟

۲. سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین در ایران چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

۳. نقش چین در گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل ایران چه بوده است و چه منافعی در آن‌ها دارد؟

۶. بررسی ادبیات

ادبیات مربوط به پی‌آمدهای نفوذ چین در اقتصاد ایران در دو دهه‌ی اخیر عمدتاً آن را با مسئله‌ی امنیت انرژی چین در منطقه پیوند می‌زند؛ امری که باعث تعمیق روابط اقتصادی میان دو کشور شده است.^{۳۶} در همین چارچوب تحلیلی، خان و گوئو استدلال می‌کنند که با توجه به این که ایران ششمین تأمین‌کننده‌ی نفت جهان است، چین سرمایه‌گذاری عظیمی را روانه‌ی پروژه‌های بالادستی نفت ایران برای تأمین واردات نفت خود کرده است.^{۳۷} منتها آنها، با گره‌زدن این نکته به رویکرد ژئوپلیتیکی چین،

^{۳۶} آدمی و کشاورز مقدم، نقش ژئواکونومی انرژی؛ افشین متقی، بازشناسی ابعاد روی آوری چین به خلیج فارس و سناریوهای امنیتی فراروی ایران، فصلنامه‌ی *آفاق امنیت*، دوره ۶، شماره ۲۱ (پاییز ۱۳۹۲)، ص. ۱۵۱-۱۲۹؛ وجیهه سادات پورنجفی و شهروز شریعتی، ظرفیت استراتژیک ایران در دکترین خیزش صلح آمیز چین، ژئوپلیتیک سال یازدهم شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۴)، صص. ۱۶۹-۱۳۹.

^{۳۷} Khan, Zahid & Changgang GUO. "China's Energy Driven Initiatives with Iran: Implications for the United States, *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* 11, no. 4 (2017): 15-31.

استدلال می‌کنند که «سیاست گشایش چین با روابط ناسیاسی (non-politicized) تکمیل می‌شود، که باعث شده پکن و کشورهای خاورمیانه میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری کنند.»^{۳۸} نکته‌ی تأمل‌برانگیز این است که آنها روابط دو کشور را ناسیاسی شده قلمداد می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که اتحاد آنها بیشتر بر یک مشارکت اقتصادی و تجاری تکیه دارد تا یک ائتلاف سیاسی.^{۳۹}

برخلاف این رویکرد، هرگونه رابطه‌ی اقتصادی بین دولت‌های ملی ناگزیر دارای اهداف و منافع سیاسی خاصی خواهد بود. من‌باب مثال، برخی دیگر از پژوهش‌گران تبعات سیاسی و اقتصادی موج سرمایه‌گذاری چین در ایران را در ساحت تنش‌های ژئوپلیتیکی میان ایالات متحده‌ی آمریکا و ایران بررسی می‌کنند. با لحاظ کردن رقابت بین قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری، مالونی معتقد است که برای چین، تحریم‌های طولانی‌مدت آمریکا و به‌تبع آن خروج شرکت‌های بزرگ نفتی غربی از ایران، فرصت اقتصادی و سیاسی مناسبی برای تقویت روابط خود با ایران از طریق سرمایه‌گذاری گسترده در صنعت نفت ایجاد کرده است.^{۴۰} به همین سیاق، اختیاری‌امیری و صالحی‌خار دامنه‌دارشدن بی‌سابقه‌ی روابط تهران و پکن را نیاز و سازوکاری برای غلبه بر انزوا و تنگناهای متعدد بین‌المللی تهران برمی‌شمارند. آنها نتیجه می‌گیرند که «نگاه چین به ایجاد مناسبات و یا حتی ائتلاف با ایران، صرفاً نگاهی ماتریالیستی و منفعت‌محور بود و سطح همکاری‌های این کشور با ایران تا آنجا تداوم می‌یابد که منافع این کشور در مناسبات با قدرت‌های بزرگ دچار تعارض جدی نگردد.»^{۴۱} اگرچه آنها به یک نکته‌ی حساس اشاره دارند، اما منطق تحلیلی آنها در چارچوب «قواعد بازی» روابط

^{۳۸} همان، ص. ۱۹.

^{۳۹} همان، ص. ۳۰.

^{۴۰} Maloney, *Iran's Political*, 409.

^{۴۱} اختیاری‌امیری، رضا و صالحی‌خار، محبوبه. پیامدهای سیاسی - اقتصادی توسعه روابط ایران و چین در چارچوب سیاست نگاه به شرق (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴). *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دهم، شماره ۴۰ (تابستان ۱۳۹۷). ص. ۹۴.

بین‌المللی متعارف باقی می‌ماند. به این معنا که عوامل اساسی مربوط به منطق و سازوکارهای نظام سرمایه‌داری جهانی را از نظر دور نگاه می‌دارند و آن‌را از زمینه‌ی فراگیر تولید سرمایه‌داری منتزع می‌کنند. برقرار ساختن چنین پیوندی جهت دریافت و شناخت رقابت میان شرکت‌ها و دولت‌ها برای دسترسی به منابع طبیعی و انحصار آن که برای فرایند تولید و انباشت سرمایه درون هر اقتصاد ملی معین حیاتی است، از اهمیت بالایی برخوردار است.

از منظر کم‌وبیش متفاوتی، گارور این مسئله را تا سطح بالاتر بر می‌کشد و معتقد است که تقویت سازوکارهای بازار اقتصاد چین در دهه‌ی ۱۹۹۰ و گسترش روابط دوجانبه میان شرکت‌های چینی و ایرانی با افزایش همکاری‌های اقتصادی پکن-تهران (منجمله اعطای وام به ایران و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران) همراه بود. استدلال وی این است که مقصود چین از این راهبرد، «تأمین سرمایه‌گذاری ایران در ساخت پالایشگاه‌هایی با قابلیت غلظت گوگرد بالای نفت ایران» بوده است. نویسنده با بازنمایی افزایش روابط تجاری دوجانبه، نشان می‌دهد که این تغییر منجر به «صادرات مقادیر زیادی کالاهای سرمایه‌ای چین به ایران در ازای نفت خام، مواد معدنی و فلزات اساسی ایران» شد.^{۴۲} به بیانی روشن‌تر ایران به یک بازار مهم برای صدور سرمایه و کالاهای تولیدی چین و درعین حال به‌عنوان یک منبع مهم تأمین‌کننده‌ی مواد خام برای اقتصاد نوظهور چین تبدیل شده است. درخصوص تأثیر روابط تجاری بر موقعیت آن‌ها در موازنه‌ی قدرت اقتصادی و سیاسی، برداشت گارور این است که این مبادلات تجاری «برای هر دو طرف بسیار سودمند است.»^{۴۳} این استنباط ریشه در رویکرد عامیانه‌ی جریان اصلی دارد، زیرا روابط اقتصادی بین کشورها به‌مثابه‌ی روابط بازرگانی عمومی و به‌تبع آن «همکاری برد - برد» استنباط و قلمداد می‌شود. بدون ملحوظ قراردادن پی‌آمدهای

⁴² Garver, *China and Iran*, 245.

⁴³ همان، ص. ۲۴۶.

این مناسبات اقتصادی بر حفظ و تحکیم روند توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری در اقتصاد جهانی، نمی‌توان سازوکارهایی را شناسایی و تحلیل کرد که ناهم‌ارزی و نامتوازی در این روابط را ایجاد و تحکیم می‌کنند.

برخی از محققان با تمرکز بر موقعیت ژئواستراتژیک ایران به‌عنوان قطب اصلی ترانزیتی و تجاری برای استراتژی کلان منطقه‌ای و جهانی چین، علاقه‌ی چین به سرمایه‌گذاری در شبکه‌ی راه‌سازی ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها بر آن‌اند که بازتاب واقعی و احتمالی این است که ایران با برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیکی، به حلقه‌ی واسط میان مناطق نفت‌خیز خلیج فارس و آسیای مرکزی درآمده است. چین موقعیت ایران را به مرکز ثقل ژئوپلیتیک تأمین انرژی خود در منطقه مبدل کرده است.^{۴۴} همچنین این موقعیت ایران (از «جاده‌ی ابریشم باستانی» تا «جاده‌ی ابریشم انرژی» نوین)، از حیث انتقال انرژی چین بین اروپا، آسیای مرکزی، خاورمیانه و چین، به یک فاکتور کلیدی برای چین تبدیل شده است.^{۴۵}

با وجود این‌که این پژوهش‌گران موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی ایران برای چین را دست‌نشان می‌سازند، این پرسش همچنان بی‌پاسخ می‌ماند که چگونه چین از رهگذر سرمایه‌گذاری‌های عظیم در توسعه‌ی زیرساخت‌ها در ایران، اقتصاد ایران را در اقتصاد نوظهورش ادغام می‌کند. پیرامون این پرسمان، کامل «ابتکار کمربند و جاده» را جاه‌طلبی ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی چین در خاورمیانه، از جمله ایران، ارزیابی می‌کند که در چارچوب آن «پکن مداخلات

^{۴۴} فلاحی، احسان و امید، علی. تحلیل مقایسه‌ای ژئوپلیتیک انرژی چین در آسیای مرکزی و خلیج فارس با نگاهی به جایگاه ایران. فصل‌نامه مطالعات اقتصادی انرژی، سال پانزدهم، شماره ۶۱ (تابستان ۱۳۹۸)، صص. ۶۶-۲۹.

^{۴۵} آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام. نقش ژئواکونومی انرژی در پیوند ایران و چین. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی. شماره ۱۴ (بهار ۱۳۹۲)، صص. ۷۵-۱۰۴؛ سازمند، بهاره و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. ایران، چین و چالش‌های فراروی همکاری‌های فراگیر. فصلنامه‌ی سیاست، دوره‌ی ۴۳، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۲)، صص. ۸۳-۱۰۴؛ Mackenzie, Peter. *A Closer Look at China-Iran Relations*. Roundtable Report. Revision 1, 2010.

خود را [در منطقه] افزایش می‌دهد تا بر چالش‌های داخلی خود غلبه کند و نیز نظم مستقر جهانی را برای تضمین استمرار صعود و عروج خود بازتعریف و بازآرایی کند.^{۴۶} نویسنده استدلال می‌کند که برای دستیابی به این هدف، ایران می‌تواند نقش مهمی در ابتکار کمربند و جاده ایفا کند. به همین دلیل است که چین «تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌منطقه‌ای میان ایران و برخی از کشورهای همسایه را مهمیز می‌زند».^{۴۷}

بر خلاف این قرائت‌ها، آمینه و گوانگ با کاربست دو مفهوم مورد استفاده‌ی هاروی، «منطق سرزمینی قدرت» (ژئوپلیتیک) و «منطق سرمایه‌داری قدرت» (ژئواکونومی)، چشم‌انداز راه‌گشتری برای بررسی و درک این پدیده‌اند. آنها گسیل سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین در کشورهای غنی از ذخایر نفت و گاز را در ارتباط با گذار داخلی آن به یک جامعه‌ی شهرنشینی - صنعتی‌شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، امری که مستلزم افزایش امنیت تأمین انرژی این کشور است. این دیدگاه بر آن است که سرمایه‌گذاری‌های چین ناشی از «گرایش سرمایه به توسعه‌ی جغرافیایی است که به موجب آن سرمایه‌ی داخلی باید از طریق درنوردیدن مرزها در جستجوی دسترسی به بازارها و منابع باشد».^{۴۸} با آن که این بینش ما را تا حدود زیادی به یک روش نظری و تحلیلی فراخور نزدیک می‌کند، اما از توضیح و تبیین تأثیرات سیاسی و اقتصادی این روند عاجز است. راهبرد کلان جهانی و منطقه‌ای چین نه صرفاً به روابط بازرگانی و تجاری به معنای عام قابل فروکاستن است، و نه محدود به یک پروژه‌ی ژئواکونومیک تسهیل تحرک بین‌المللی سرمایه، کالاها، منابع اولیه از طریق ساختن زیرساخت‌های فرمانطقه‌ای تحت مفهوم «ترندهای فضایی» (spatial fix)^{۴۹} است تا از این رهگذر

⁴⁶ Kamel, Maha S. "China's Belt and Road Initiative: Implications for the Middle East." *Cambridge Review of International Affairs* 31, no. 1 (2018): 76-95.

^{۴۷} همان، صص. ۹۱-۹۰.

⁴⁸ Amineh, Mehdi.P, and Yang Guang. "China's Geopolitical Economy of Energy Security: A Theoretical and Conceptual Exploration." *African and Asian Studies* 17, no. 1-2 (2018): 9-39.

^{۴۹} هاروی، دیوید (۱۳۹۷). *امپریالیسم جدید*، ترجمه‌ی حسین رحمتی، انتشارات اختران، تهران.

اضافه‌انباشت بیش‌ازحد را مهار کند. چنان‌که لی و همکاران به‌درستی متذکر شده‌اند، «پژوهیدن چگونگی تأثیر جریان‌های سرمایه، کالاها، نیروی کار و منابع بر مناسبات طبقاتی و سیاست هژمون در [درون ساخت اقتصادی و سیاسی] چین و دیگر کشورهای مربوطه بسیار پراهمیت است.»^{۵۰} از این‌رو، برای پاسخ به پرسش این رساله، روش دیالکتیکی و رهیافت مارکسی را برای ارائه‌ی مبانی تحلیلی و نظری درخور و همه‌سویه‌تر به کار می‌بندیم تا به درک بهتر از فرایندها، سازوکارها و روابط پکن و تهران برسیم.

۷. روش پژوهش: تحلیل دیالکتیکی

برای دوری‌گزینی از برداشت و روش ایستای جریان اصلی که در آن «چیزها» و «روابط» متمایز از یکدیگر تلقی می‌شوند، روش دیالکتیکی را به کار می‌بندیم.^{۵۱} با الهام از مارکس، آن‌طور که اولمان تعریف می‌کند، روش دیالکتیکی «تفکر ما در مورد واقعیت را با جایگزینی مفهوم عقل سلیم "چیز" (به‌عنوان چیزی که دارای تاریخی است و پیوندهای خارجی با چیزهای دیگر دارد) با مفاهیم "فرایند" (که حاوی تاریخچه و آینده‌ی احتمالی‌اش است) و "رابطه" (که به‌عنوان بخشی از آن‌چه پیوندهای آن با سایر روابط را شکل می‌دهد را شامل می‌شود) بازساختار بندی می‌کند.»^{۵۲}

نظر به این‌که اغلب رابطه‌ها و فرایندهای درونی در دنیای واقعی نامشهودند و کاوش و سنجش‌پذیری عناصر خاصی از تمامیت پدیده‌ها امکان‌پذیر نیست، معرفت‌شناسی دیالکتیکی با کاربست **فرایند انتزاع** به حل این مشکل برمی‌آید. این «روشی است تک‌گزینی، یا تمرکز کردن بر،

⁵⁰ Seung-Ook Lee, Joel Wainwright, and Jim Glassman. "Geopolitical Economy and the Production of Territory: The Case of US–China Geopolitical-Economic Competition in Asia." *Environment and Planning A* 50, no. 2 (2018): 416–436.

⁵¹ Bertell Ollman, "The Eight Steps in Marx's Dialectical Method", in *The Oxford Handbook of Karl Marx* eds., Matt Vidal, Tony Smith, Tomás Rotta, and Paul Prew (Oxford: Oxford University Press, 2019), 98.

⁵² Ollman, *Dance of*, 3.

و ایجاد مرزی موقت پیرامون بخش(هایی) از فرایندها و رابطه‌ها که در کانون توجه [پژوهش] قرار گرفته است.^{۵۳} این روش به ما امکان می‌دهد تا «ویژگی‌های یک شیء را که تابه‌حال قابل مشاهده نبوده‌اند در معرض دید [و سنجش] قرار دهیم.»^{۵۴} کارمایه‌ی این انتزاع‌ها تفکیک (موقت) متغیرها و روابط دوسویه‌ی آن‌ها جهت بررسی و سنجش‌پذیری تجربی است. برای این منظور از این انتزاع سه‌گانه استفاده می‌کنیم: (الف) انتزاع سطح تعمیم، (ب) انتزاع امتداد و (پ) انتزاع مزیت زاویه‌دید.

یکم، یکی از مهم‌ترین فرایندهای انتزاع که مارکس آن را به‌کار بسته، **انتزاع سطح تعمیم** است. این روش انتزاع این مجال را به ما می‌دهد تا آنچه را که مختص هر دوره‌ی تاریخی و سطح کلیت است، تشخیص دهیم زیرا هر دوره و هر سطح معین، «قانون حرکت خود را دارد».^{۵۵} همان‌گونه که در **شکل ۱-۱** نشان داده‌ایم، پژوهیدن اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری از عینک انتزاع سطح تعمیم، در سه سطح بازاریابی و دسته‌بندی شده‌اند؛ از سطح نسبتاً بالای تجریدی به سطح نسبتاً مشخص‌تری از واقعیات اجتماعی، و یا به بیانی روشن‌تر، از بالاترین سطح انتزاع تا پایین‌ترین سطح انضمام آرایش یافته‌اند: شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری (سطح سوم)، متأخرترین دوران سرمایه‌داری (سطح دوم)، و افراد، نهادها، دولت‌ها و رویدادهای خاص (سطح اول). لازم به ذکر است که هر کدام از این سطوح، انتزاع امتداد و انتزاع مزیت زاویه‌دید خود را دارند.

دوم، **انتزاع امتداد** بیانگر این است که «چقدر فضا و چه مدت زمان در یک بازه‌ی زمانی در برخورد با فرایندها و روابط مرتبط با هر مسئله‌ی معین، در مرکز توجه قرار می‌گیرد.»^{۵۶} **انتزاع مزیت زاویه‌دید** «چشم‌اندازی را می‌آفریند که هر آنچه را که در آن می‌افتد به رنگی در می‌آورد،

⁵³ Ollman, "The Eight," 3.

⁵⁴ Paul Paolucci, *Marx's Scientific Dialectics a Methodological Treatise for a New Century* (Leiden: Brill, 2007), 127.

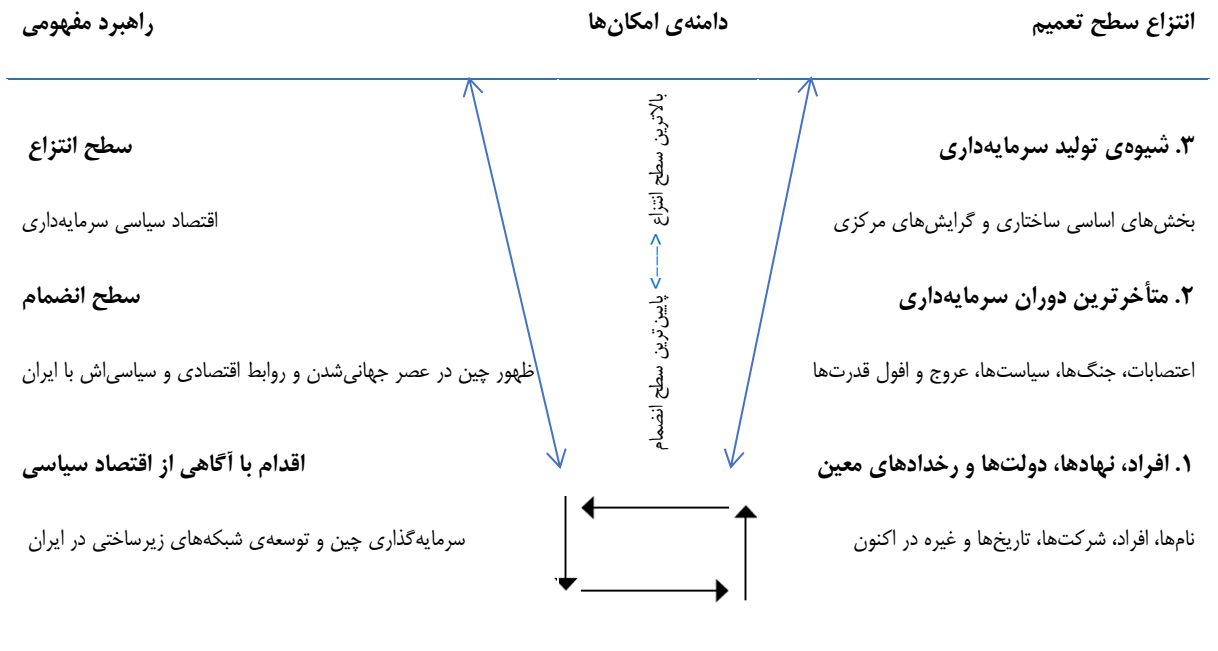
⁵⁵ Ollman, "The Eight," 3.

⁵⁶ همان

نظم، سلسله‌مراتب و اولویت‌ها را برقرار می‌کند، ارزش‌ها، معانی و درجات رابطه‌ها را توزیع می‌کند و یک انسجام متمایز میان بخش‌ها را حمایت می‌کند.^{۵۷} به مدد این روش انتزاع کردن - تغییر تحلیل از یک رابطه به رابطه‌ای دیگر - قادر خواهیم بود پیوند دوسویه‌ای را میان عناصر و تمامیت برقرار سازیم. و نیز به ما اجازه می‌دهد تلفیقی از متغیرهای علت - معلولی را با روابط چندگانه لحاظ کنیم. بنابراین، این متغیرها را در چارچوب «تحلیل ساختاری» قرار می‌دهیم. با تطبیق این روش، متغیرها براساس عملیاتی‌سازی فرضیه‌ها صورت‌بندی می‌شوند (بنگرید به *الگوی تجربی از انتزاع مزیت زاویه‌دیدِ تحلیل ساختاری در شکل ۱-۲*). در این چارچوب تحلیلی، «متغیرها ایزوله می‌شوند و کنش آن‌ها بر یکدیگر از طریق شبیه‌سازی الگوی آزمایشی بررسی می‌شود [و] خوشه‌های متغیرها به‌عنوان الگوهای توضیحی عمل می‌کنند، و همین‌که داده‌ها جمع‌آوری شدند و مزیت زاویه‌دید تغییر کرد، [متغیرها نیز] به‌طور مداوم اصلاح می‌شوند.»^{۵۸} این روش را در ادامه و گام‌به‌گام به‌کار می‌بندیم.

⁵⁷ Ollman, *Dance of*, 100.

⁵⁸ Paolucci, *Marx's Scientific*, 127.



انتزاع امتداد	<ul style="list-style-type: none"> • پیش‌شرط‌های تاریخی ظهور چین: از ۱۹۷۸ به‌این‌سو • بررسی پیش‌شرط‌های تاریخی و مؤلفه‌های روابط ایران و چین: از ۲۰۰۰ به‌این‌سو
انتزاع مرتبط ز اوبه‌دید	<p>الف. سطح روابط تجاری چین و ایران؛</p> <p>ب. جریان سرمایه‌گذاری چین در ایران و توزیع آن بر اساس بخش‌های اقتصادی؛</p> <p>پ. سرمایه‌گذاری چین در گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل و منافع مرتبط با آن.</p> <p>۱. سیر تکوین روابط تجاری چین و ایران در قرن بیست و یکم چگونه بوده است؟</p> <p>۲. سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین در ایران چه اهدافی را دنبال می‌کند؟</p> <p>۳. نقش چین در گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل ایران چه بوده است و چه منافعی در آن‌ها دارد؟</p>

شکل ۱-۱. الگوی دیالکتیکی انتزاع و تحلیل ساختاری

منبع: بخش «انتزاع سطح تعمیم» در این الگو مشتق شده و اصلاح شده از نسخه‌ی شکل ۱-۴ در کتاب «دیالکتیک علمی مارکس» اثر پاول پائولوچی است.^{۵۹}

⁵⁹ Paolucci, Paul. *Marx's Scientific Dialectics a Methodological Treatise for a New Century* Leiden, The Netherlands: Brill, 2007, p.117

گردآوری داده‌ها

برای پاسخ به پرسش پژوهش، شواهد متعددی برای رونمایی پی‌آمدهای سیاسی و اقتصادی جریان سرمایه‌گذاری چین در ایران جمع‌آوری شده است. بنابراین، از طیف گسترده‌ای از منابع دست‌اول و (به میزان کمتری) دست‌دوم استفاده کرده‌ایم. برای منابع دست‌اول، از منابع داده‌های طبقه‌بندی شده، اعم از بولتن آماری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (منتشر شده توسط وزارت بازرگانی چین)،^{۶۰} ردیابی سرمایه‌گذاری جهانی چین (توسط مؤسسه‌ی کارفرمایی آمریکا)،^{۶۱} مجموعه داده‌های کنفرانس تجارت و توسعه‌ی سازمان ملل متحد،^{۶۲} بانک مرکزی ایران،^{۶۳} صندوق بین‌المللی پول،^{۶۴} رصدخانه‌ی پیچیدگی‌های اقتصادی،^{۶۵} پایگاه داده‌های تجارت بین‌المللی سازمان ملل متحد،^{۶۶} و مجموعه داده‌های بانک جهانی بهره‌می‌گیریم.^{۶۷} علاوه بر این، منابع اختصاصی در مورد سرمایه‌گذاری چین در پروژه‌های ایران را از طیف گسترده‌ای از مطبوعات رسمی فارسی‌زبان و (تا حدی) انگلیسی‌زبان، هم‌چون روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های ایرانی و جهانی گرفته‌ایم. از آنجاکه هیچ‌گونه اطلاعات و داده‌های طبقه‌بندی‌شده و جمع‌آوری‌شده‌ای در مورد ارزش و تعداد پروژه‌هایی که چین در آنها سرمایه‌گذاری کرده است وجود ندارد، من از چند منبع دست‌دوم محدود به انگلیسی و فارسی استفاده کرده‌ام.

⁶⁰ [Statistical Bulletin of China's Outward Foreign Direct Investment \(Ministry of Commerce\). Statistics & Yearbooks.](#) Purple Culture,

⁶¹ <https://www.aei.org/china-global-investment-tracker/>

⁶² <https://unctadstat.unctad.org/wds/ReportFolders/reportFolders.aspx>

⁶³ <https://tsd.cbi.ir/DisplayEn/Content.aspx>

⁶⁴ <https://data.imf.org/regular.aspx?key=61013712>

⁶⁵ <https://oec.world/en/profile/country/irn/>

⁶⁶ <https://comtrade.un.org/data/>

⁶⁷ <https://data.worldbank.org/indicator/bx.klt.dinv.cd.wd?locations=ir>

۸. طرح کلی فصل‌ها

پس از این فصل (طرح پژوهش)، این رساله چهار فصل دیگر را در بر می‌گیرد. فصل دوم به تدوین مبانی نظری و توضیح جوانب مفاهیم اصلی پژوهش اختصاص یافته است. متعاقباً، فصل سوم اولین پرسش فرعی را کاوش می‌کند که بر سیر توسعه‌ی تاریخی روابط تجاری چین و ایران در قرن بیست‌ویکم متمرکز است و این روند را از خلال بسترهای ظهور چین به‌عنوان یک قدرت اقتصادی تجزیه و تحلیل می‌کند. این فصل مشخصاً پیش‌نهاده‌های کلیدی برآمدن چین و طرح کلی دگرگونی تاریخی حضورش در ایران، تجارت دوجانبه و ترکیب‌بندی آن و نیز جایگاه نفت خام ایران در تأمین امنیت انرژی چین را در بر می‌گیرد. سپس فصل چهارم به پرسش فرعی دوم که به اهداف سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین در ایران می‌پردازد، پاسخ خواهد داد. این فصل ابتدا عوامل اصلی در پس‌ضرورت طرح و عملیاتی‌سازی راهبرد رفتن به جهان و نیز تحولاتی را که صدور سرمایه‌ی چین به صنایع مختلف ایران در دو دهه‌ی اول قرن معاصر از سر گذرانده است، واکاوی می‌کند. در ارتباط با طرح و پیاده‌سازی ابرپروژه‌ی «ابتکار کمربند و جاده»، فصل پنجم به پژوهیدن منافع و نقش‌آفرینی چین در گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل ایران می‌پردازد. در این چارچوب، اهداف ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی ابتکار کمربند و جاده و پیوند آن با نیازهای داخلی اقتصادی و سیاسی چین بررسی می‌شوند. همچنین اهمیت ایران برای این ابرپروژه‌ی و حجم سرمایه‌گذاری‌های چین در پروژه‌های مختلف حمل‌ونقل ایران واری و ارائه خواهد شد. سرانجام این رساله را با یک نتیجه‌گیری جامع و مفصل به پایان می‌رسانیم. هدف از آن جمع‌بندی یافته‌های پژوهش، ارزیابی فرضیه‌های صورت‌بندی‌شده و به‌تبع آن پالایش دیدگاه نظری و تحلیلی است که در این پژوهش به‌کار بسته شده است.

فصل دوم

مبانی نظری و تشریح مفاهیم

مقدمه

با آغازیدن از روش تحلیل دیالکتیکی و به واسطه‌ی بیختن از الگِ انتزاع سطح تعمیم (در سطح سوم)، در بالاترین سطح انتزاع، سرمایه‌داری باید در هیأت یک کلیت، یعنی هم‌پیوندی و پیوستاری عناصر درونی در یک تمامیت درهم‌رفته و ارگانیک، که در آن پویایی و منطق شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری ستون فقرات آن را پیکره‌بندی می‌کند، تجزیه و تحلیل شود. همان‌سان که کارل مارکس تصریح کرده است: «کلیت این مناسبات تولیدی ساختار اقتصادی جامعه را پی‌ریزی می‌کند، شالوده‌های راستین که روی آن، روبنای حقوقی و سیاسی بر می‌خیزد و هم‌خوان با آن اشکال مشخصی از آگاهی اجتماعی نیز پدید می‌آیند.»^{۶۸} این البته بدین معنا نیست که رابطه‌ی بین شالوده‌ها و روساخت سیاسی و حقوقی یک‌سویه‌اند. یا به بیانی دقیق‌تر گویا مؤلفه‌ی دوم به‌طور کامل و منفعلانه توسط اولی تعیین می‌شود و مناسبات اجتماعی و تولیدی سرمایه‌داری به‌مثابه‌ی یک کل به ویژگی‌های طبیعی تعامل عناصر منفک فروکاست‌پذیر باشند. در عوض، رابطه‌ی دیالکتیکی و دوسویه میان عامل‌های سازنده، سرمایه‌داری را به‌مثابه‌ی یک تمامیت ارگانیک صورت می‌بخشد و آن را تقویت و تحکیم می‌کند. در

⁶⁸ Marx, Karl. *A Contribution to the Critique of Political Economy*. Progress Publishers, Moscow, 1977, with some notes by R. Rojas (1859).

انتزاعی‌ترین و بنیادی‌ترین سطح تحلیل، روابط دیالکتیکی بین آن اجزای درهم‌تنیده و متمایز تابع و متأثر از منطق سرمایه است.

بنابراین برای این که نیروهای دخیل و سازوکارهای محرک ظهور چین و مداخله‌ی فزاینده‌ی آن در اقتصاد ایران و البته پی‌آمدهای بالفعل و بالقوه‌ی روابط قدرت میان دو کشور را بهتر دریابیم و تبیین کنیم، در ادامه شالوده‌ها و جوانب مفهوم «منطق اقتصاد ژئوپلیتیکی امپراتوری سرمایه» را گام به گام پیکره‌بندی خواهیم کرد. این مفهوم محوری را به سه زیرمفهوم کران‌مند و مشخص‌تر تجزیه می‌کنیم تا ابعاد و ژرفای ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی سرمایه‌داری را ریشه‌یابی و شناسایی کنیم که عبارتند از: (الف) منطق اقتصاد ژئوپلیتیکی، (ب) منطق امپراتوری سرمایه و (پ) منطق فضایی و سرزمینی سرمایه و دولت - ملت.

۱. منطق اقتصاد ژئوپلیتیکی

اصطلاح اقتصاد ژئوپلیتیکی بیانی اختصاری از مفهوم **اقتصاد سیاسی جغرافیایی** است که توجه را به ابعاد فضایی اقتصاد سیاسی معطوف می‌سازد.^{۶۹} اهمیت طرح این مسئله ناظر بر درک جوانب **جغرافیایی و فضایی** انکشاف و تکوین تاریخی سرمایه‌داری است. دسای از «ژئو» (Geo) برای جلب‌توجه دیدگاه‌ها در مقیاس جهانی به منظور تحلیل اقتصاد سیاسی جهانی توسعه‌ی سرمایه‌داری استفاده می‌کند؛ سازوکار و نظامی جهانی که در آن دولت نقش کلیدی در مدیریت مالی جهانی ایفا می‌کند.^{۷۰} به‌طور کلی، رویکرد انتقادی جنبه‌ی جغرافیایی را با مقولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومی گره می‌زند.^{۷۱} من‌باب نمونه، اسپارک ژئواکونومی را در پس‌زمینه‌ی فراگیرتری از «بازساختاربنده‌ی

⁶⁹ Deborah Cowen, and Stuart Elden, "Geo-political economy: An open access virtual theme issue," Society & Space, 2013.

⁷⁰ Radhika Desai, *Geopolitical Economy: After US Hegemony, Globalization and Empire* (Routledge: Pluto Press, 2014).

⁷¹ Deborah Cowen, and Neil Smith, "After Geopolitics from the Geopolitical Social to Geoeconomics." *Antipode* 41, no. 1 (2009): 22-48.; Sparke, M. (1998). Matthew Sparke, "From

ژئوپلیتیکی بر متن وابستگی متقابل اقتصادی» قرار می‌دهد،^{۷۲} امری که تأثیر ژرفی بر سیاست قلمرومندی دولت - ملت دارد. هم‌زمان بر قلمروزدایی و بازقلمرومندیسازی فضای اقتصادی جهانی نیز تأثیر می‌گذارد. تیلور با الهام از نظریه‌ی سیستم جهانی امانوئل والرشتاین، نگرش دولت‌محور را به نقد می‌کشد و در مقابل، مسئله را به این صورت طرح می‌کند که رویکرد ماتریالیستی نسبت به اقتصاد سیاسی جهانی با «واقعیت»، «مقیاس جهانی» و «نیروی محرکه‌ی بنیادین سرمایه‌داری» هم‌سان است.^{۷۳} برهانش این است که این چارچوب نظروزرانه «ما را از [نهاد] دولت به‌مثابه‌ی آغازگاه [فرایند تحلیل و تبیین] دور می‌سازد و به سمت پویایی بنیادین اقتصاد سیاسی انباشت سرمایه هدایت می‌کند.»^{۷۴} جیووانی آریگی در امتداد همین نظرگاه، بر مفهوم «منطق سرمایه‌داری قدرت» پرتو می‌افکند تا توسعه‌ی اقتصاد جهانی را از حیث «تضاد بین انباشت "بی‌پایان" سرمایه و سازماندهی نسبتاً پایدار فضای سیاسی واکاوی کند.»^{۷۵} از نظر آریگی، **منطق سرزمینی قدرت** حاوی تعقیب توسعه‌ی سرزمینی به‌عنوان هدفی در خود، و **منطق سرمایه‌داری قدرت** دربرگیرنده‌ی فرماندهی اقتصادی بر منابع کم‌یاب و تصاحب سرزمینی به‌مثابه‌ی هدفی برای انباشت سرمایه است. او بر آن است که این ناسازه به طور پیوسته از طریق یک قدرت هژمون جهانی رفع می‌شود.^{۷۶} دیوید هاروی نیز نگرش و برداشتی هم‌سان دارد و استدلال می‌کند که منظورش از منطق سرزمینی «آن دسته از

Geopolitics to Geoeconomics: Transnational State Effects in the Borderlands." *Geopolitics* 3, no. 2 (1998): 62-98; Matthew Sparke, "Geopolitical Fears, Geoeconomic Hopes, and the Responsibilities of Geography." *Annals of the Association of American Geographers* 97, no. 2 (2007): 338-49; John Agnew, Stuart Corbridge, "The new geopolitics: The dynamics of geopolitical disorder," in *A World in Crisis?: Geographical Perspectives*, second edition, eds. R. J. Johnston and P. J. Taylor (Oxford: Blackwell, 1989), 266-288; Jamey Essex, *Development, Security, and Aid: Geopolitics and Geoeconomics at the U. S. Agency for International Development* (Athens: University of Georgia Press, 2013).

⁷² Sparke, "From geopolitics," 66.

⁷³ Peter Taylor J. "A Materialist Framework for Political Geography." *Transactions - Institute of British Geographers* (1965) 7, no. 1 (1982): 26.

⁷⁴ همان، ص. ۲۰.

⁷⁵ Giovanni Arrighi, *The Long Twentieth Century Money, Power, and the Origins of Our times*. New Updated Ed.]. ed. (London: Verso, 2010), 33.

⁷⁶ همان.

راهبردهای سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی است که دستگاه دولتی در راستای منافع خود به کار می‌گیرد.» و نیز منطق سرمایه‌داری قدرت «می‌کوشد راهی بیابد تا قدرت پولی از آن طریق در تلاش برای دستیابی به انباشت بی‌پایان در سرتاسر فضا، با به‌کارگیری فضا و در فراسوی مرزها به جریان در آید.»^{۷۷} هاروی معتقد است که با این‌که رابطه‌ی بین منطق‌های قدرت متمایز و هم‌زمان به‌شدت درهم تنیده‌اند، اما کمابیش مسئله‌دار، متفاوت و اغلب در تضادند. او مدعی است که «هر [قدرت] هژمون، برای حفظ موقعیت خود در خصوص انباشت بی‌پایان سرمایه، باید بی‌وقفه در پی گسترش، بسط و تشدید قدرت خود باشد.»^{۷۸} با این حال هنوز واضح و قابل فهم نیست که چه تمایزات و تضادهایی از درونی روابط دوسویه میان این منطق‌ها سر بر می‌آورند که هاروی آن را این چنین صورت‌بندی می‌کند، به طوری که دریافت این هم‌پیوندی دیالکتیکی و تناقضات را در ابهام باقی می‌گذارد.

بر این اساس، جسوپ این بینش را هم‌چون یک تقابل کاذب «بین دولت به‌مثابه‌ی "مخزن قدرت" که منحصراً درون مرزهای سرزمینی معین و اقتصاد به‌عنوان یک سازوکار مبادله‌ی بدون مرز و بدون لنگرانداختن سرزمینی مهم» عمل می‌کند، ارزیابی می‌کند و به نقد می‌کشد.^{۷۹} اینجا فرض بر این است که پویا و محرک‌های اصلی تحرک بی‌وقفه‌ی سرمایه در سرتاسر جهان دست‌یابی به ارزش اضافی و بیشینه‌سازی انباشت سرمایه است. البته نباید چنین استنباط کرد که این منطق‌های قدرت هیچ تبار سرزمینی و «ملی» ندارند، یا به‌عبارتی ناسرزمینی (nonterritorial) هستند. در مقابل، به‌رغم ژرفایش روند جهانی‌شدن، «سرمایه‌ی جهانی نه توسط یک دولت جهانی، که توسط یک نظام جهانی متشکل از چندین دولت دارای قلمرو ارضی خدمت‌گذاری می‌شود.»^{۸۰} هم‌هنگام، استدلال

^{۷۷} هاروی، دیوید. معمای سرمایه و بحران‌های سرمایه‌داری. ترجمه‌ی مجید امینی. تهران: نشر کلاغ. صص. ۳۱۱-۳۱۲.

^{۷۸} David Harvey, *The New Imperialism* (Oxford & New York: Oxford University Press, 2003), 30-33.

^{۷۹} Bob Jessop, *State Power* (Cambridge and Malden MA: Polity Press, 2008), 189

^{۸۰} Ellen Meiksins Wood, "Logics of Power: A Conversation with David Harvey." *Historical materialism: research in critical Marxist theory* 14, no. 4 (2006): 12.

بنیادی‌تر این است که «منطق‌های سرزمینی، چه ثابت و چه سیالیت قلمرویی، محصول فرایندهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی هستند که از مبارزات اجتماعی طبقاتی محور نشأت می‌گیرد.»^{۸۱} بدین ترتیب این استنباط، ما را به تعریف دو بعد دیگر از تحلیل نظری مان می‌رساند: (الف) منطق امپراتوری سرمایه و (ب) منطق فضایی و سرزمینی سرمایه و دولت - ملت.

۲. منطق امپراتوری سرمایه

از منظر مارکسی، به میانجی عینک سومین سطح از انتزاع سطوح تعمیم، گرایش پویا و ذاتی خودگستری سرمایه، از تمامی کرانه‌های جغرافیایی مرزهای ملی سرریز می‌کند و خود را در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی می‌گستراند. به سان عزیمت‌گاهی برای این فرایند، رانش سرمایه به گسترش نامحدود از دورنمای جهانی برای «بسط و تشدید سازمان تولید سرمایه‌داری و گسترش عظیم قدرت‌های مولد اجتماعی» ناشی می‌شود.^{۸۲} این میل و آهنگ خودگسترش در بطن انگیزه و هدف بی‌واسطه‌ی تولید سرمایه‌داری نهفته است که عبارت است از (باز)تولید ارزش اضافی و بیشینه‌سازی انباشت سرمایه. آبشخور این گرایش و رانش، نیروهای الزام‌آور، پویا، تناقضات درونی و ضرورت‌های شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری هستند که جملگی، سرمایه را برای استخراج ارزش اضافی از نیروی کار و تصاحب آن، تسخیر بازار جهانی و بازتولید مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری، به فراسوی مرزهای ملی به حرکت در می‌آورد. چنان که مارکس در مجلد سوم **سرمایه** ترسیم می‌کند:

در حقیقت، «قدرت مصرف [اکثریت گسترده‌ی جامعه] با رانش انباشت یعنی رانش به سوی گسترش سرمایه و تولید ارزش اضافی در مقیاسی بزرگ‌تر، محدود می‌شود... این قانون حاکم بر تولید سرمایه‌داری است که از دگرگونی مداوم در خود روش‌های تولید، ارزش‌کاهی سرمایه‌ی موجود که همواره ملازم با این دگرگونی‌هاست، مبارزه‌ی رقابت عمومی و نیاز به بهبود تولید و گسترش مقیاس آن، صرفاً هم‌چون وسیله‌ای

⁸¹ Lee, Wainwright, and Glassman. "Geopolitical," 421.

⁸² Rupert, "Marxism," 160.

برای خویشتن‌پایی، و ترس از افلاس ناشی می‌شود. بنابراین، بازار باید پیوسته گسترش یابد، در نتیجه، روابط و شرایط حاکم بر آن بیش‌ازپیش، شکل قانون طبیعی مستقل از تولیدکنندگان را به خود می‌گیرد و هرچه بیش‌تر مهارناپذیر می‌شود. تضاد درونی با گسترش قلمرو بیرونی تولید راه‌حلی می‌جوید.^{۸۳}

همان‌گونه که استیوان مزاروش در **فراسوی سرمایه** تصریح می‌کند، درونی‌ترین نیروی محرکه‌ی نظام سرمایه‌داری گرایش **گسترش‌محور و انباشت‌محور** است.^{۸۴} از حیث هستی‌شناختی، این امر ناشی از این واقعیت است که سرمایه یک نهاد صرفاً مادی نیست بلکه در تحلیل نهایی یک شیوه‌ی مناسبات اجتماعی مهارناپذیر است. تضاد و تناقضات ساختاری نظام سرمایه‌داری - که عمدتاً در تضاد تولید و کنترل آن، تضاد تولید و مصرف، و تضاد تولید و گردش نمود پیدا می‌کند - مستلزم خودساختی (self-constitution) به‌مثابه‌ی یک نظام جهانی است.^{۸۵} تضادهای ساختاری سرمایه در سطح ملی باید به جاهای دیگر [و به فراسوی مرزهای ملی] نقل مکان کند تا بر نقایص و تضادهای ژرف ساختاری غلبه کند. معنای این فراز این است که سرمایه باید قادر باشد «نیاز به گردش به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی جهانی را خارج از ساختارهای ازهم‌گسیخته‌ی درونی نظام سرمایه، یا به‌عبارت دیگر، دست‌یابی به نوعی وحدت بین **تولید و گردش**، پدید آورد.»^{۸۶}

روندها و سیر تحول تاریخی **صدور سرمایه** نتیجه‌ی بلاواسطه‌ی این گرایش درون‌مان تولید سرمایه‌داری است. علاوه بر خصلت‌ویژه‌ها و گرایش‌های یادشده، وقتی حجم عظیمی از سرمایه در یک کشور سرمایه‌داری به نسبت بالایی متراکم می‌شود، بیانگر این است که این کشور در مقایسه با کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارای موقعیت انحصاری است. در چنین شرایطی صدور سرمایه به یک

^{۸۳} مارکس، کارل. سرمایه: نقد اقتصاد سیاسی (مجلد سوم)، ترجمه حسن مرتضوی (تهران: نشر لاهیتا، ۱۳۹۵)، ص. ۲۹۴.

^{۸۴} Mészáros, *Beyond*, 44.

^{۸۵} همان

^{۸۶} همان، ص. ۴۸.

ضرورت الزام‌آور تبدیل می‌شود. چنان‌که لنین در *امپریالیسم به‌مثابه‌ی بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری* تشریح کرده، «آن‌چه ضرورت صدور سرمایه را به‌وجود می‌آورد این است که سرمایه‌داری در محدودی از کشورها "بیش از حد نضج گرفته" و عرصه‌ی به‌کار انداختن سرمایه‌ی "سودآور" ... تنگ شده است»^{۸۷} و این نیاز را در بازارهای جهانی جستجو می‌کند. این امر تأثیر چشم‌گیری در تکامل سرمایه‌داری در کشورهایی که صدور سرمایه به آنها صورت می‌گیرد می‌گذارد و بسیار بر سرعت این تکامل می‌افزاید. این نیز «موجبات بسط دامنه‌ی تکامل روزافزون سرمایه‌داری را در تمام جهان فراهم ساخته و بر عمق این تکامل می‌افزاید»^{۸۸} قدرتی که این سرمایه‌ی مالی به کشورهای پیشرفته می‌دهد شرایطی را آفریند که تحت آن «کشورهای صادرکننده‌ی سرمایه، جهان را، به معنای مجازی کلمه، بین خود تقسیم کردند، ولی سرمایه‌ی مالی به معنای **حقیقی** کلمه جهان را تقسیم نموده است»^{۸۹}

در دومین سطح از انتزاع سطوح تعمیم، که به متأخرترین دوران سرمایه‌داری اشاره دارد، این رانش و گرایش ذاتی سرمایه هم‌پیوندی و وابستگی متقابل اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را تسریع بخشیده است. دگرشی که فرایند **جهانی‌شدن** نام گرفته است، هم‌زاد است با ادغام و گشودن اقتصادهای تابع و آسیب‌پذیر در مقابل ضرورت‌های اقتصادی امپراتوری سرمایه. اما نکته این است که نباید جهانی‌شدن را با تجارت آزاد و روابط تجاری دوجانبه هم‌ارز و هم‌سان دانست. در عوض، «جهانی‌شدن همانا کنترل دقیق شرایط تجاری به نفع اقتصاد امپراتوری است»^{۹۰} سلطه‌ی یک کشور صادرکننده‌ی سرمایه اهرم قدرت مالی خود را به‌کار می‌گیرد تا کشور تابع و تحت‌سلطه را از طریق

^{۸۷} لنین، ولادیمیر. *امپریالیسم به‌مثابه‌ی بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری*. ترجمه‌ی محمد پورهرمزبان، ص. ۷۲.

^{۸۸} همان، ص. ۷۵.

^{۸۹} همان، ص. ۷۷.

^{۹۰} میک‌سینزوود، ال. (۱۳۸۸). *امپراتوری سرمایه*. ترجمه‌ی حسن مرتضوی. تهران: نشر نیکا، ص. ۱۷۷.

بازتولید و تحکیم سازوکارهای رقابت و توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری، وادار به‌پذیرش هژمونی و منافع سرمایه‌ی داخلی خود کند. در این فرایند، دولت ابتکار عمل را برای تسهیل و تضمین تحرک آزادانه‌ی سرمایه‌ی داخلی خود در سراسر جهان در جهت دستیابی به سود و تأمین نیازمندی‌های توسعه‌ی سرمایه‌داری ملی خود به عهده می‌گیرد.

۳. منطق فضایی و سرزمینی سرمایه و دولت - ملت

همان‌گونه که بالاتر ذکر شد، جهانی‌شدن سرمایه به‌سان پدیده‌ای عالم‌گیر به این معنا نیست که سرمایه ناسرزمینی است یا دولت‌های دارای قلمرو ارضی و سیاسی و ابعاد جغرافیایی جهانی‌شدن ناپدید شده‌اند و یا غیرضروری به نظر می‌رسند. در عوض، توضیح روابط بین منطق اقتصاد ژئوپلیتیکی قدرت و جلوه‌ی فضایی آن مستلزم تصویری جغرافیایی (مکانی - فضایی) است. اگر بینش گرامسکی به‌عنوان یک نظریه‌پرداز فضایی را به‌کار ببندیم، می‌توانیم چنین صورت‌بندی کنیم که بیان فضایی توسعه‌ی سرمایه‌داری و «قلمرو [ملی] متأثر از طبقه و مبارزات طبقاتی شکل می‌گیرد، که [این نیز] در فرایندهای دیالکتیکی هم‌پیوند ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی نمود پیدا می‌کند.»^{۹۱} لذا، این جا با برشمردن دو بعد فضایی سرمایه‌داری جهانی (فضا و مقیاس) به توضیح این مسئله بر می‌آییم.

در گام اول، یک بعد تحلیلی از **فضا** (۱) تقسیم کار بین‌المللی میان مقیاس‌های پیوستار و سلسله‌مراتبی اقتصادی هم‌چون محلی، ملی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی، (۲) «قلمرومندسازی قدرت سیاسی و اقتصادی، فرایندهای تشکیل دولت و دیالکتیک تأثیرات داخلی و خارجی بر حیات سیاسی»؛ و نیز (۳) «تصورات فضایی و مقیاسی مختلف و بازنمایی‌های متفاوت از فضا» است.^{۹۲} در گام دوم،

^{۹۱} همان، ص. ۴۲۶.

^{۹۲} Bob Jessop, "Gramsci as a Spatial Theorist." *Critical Review of International Social and Political Philosophy* 8, no. 4 (2005): 424-425.

مقیاس محصول پیکار برای کسب قدرت و کنترل در ارتباط با مقیاس سلسله‌مراتبی آن، از جمله قدرت اقتصادی و سیاسی و تجلی سرزمینی آن‌ها است. آنچه در تحلیل مقیاس حائز اهمیت است، درهم‌تنیدگی و هم‌پیوندی نسبی هژمونی و سلطه بر مقیاس‌های گوناگون قدرت اقتصادی و سیاسی در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است،^{۹۳} که در هیئت توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری بروز و ظهور پیدا می‌کند. تسلط بر مقیاس، «قدرتی است که سازمان‌ها را در مقیاس‌های فضایی مشخص قادر می‌سازد [قدرت خود را] بر سازمان‌های دیگر، در مقیاس‌های برتر یا پست‌تر، اعمال کنند.»^{۹۴}

گرایش دائمی چندپارگی سرزمینی فضا ناشی از تضاد دیالکتیکی و درون‌مانی میان منطق ذاتی خودگستری پیوسته‌ی سرمایه از یک‌سو، و پیوند دوسویه‌ی جهانی‌شدن سرمایه در سطح بین‌المللی با تجزیه‌یافتگی تاریخی دولت‌مملتها، از دیگر سو است. این فرایندها به‌عنوان وحدت اضداد در یک کلیت پیچیده‌ی اجتماعی پدیدار می‌شوند و نیز به‌رغم تناقضات ساختاری‌شان، متضمن یکدیگرند و دائماً یکدیگر را بازتولید می‌کنند. در این خصوص، این تناقضات به این صورت تبلور می‌یابند: هم‌پای تسریع درهم‌فشرده‌ی و هم‌پیوستگی اقتصاد جهانی، «اقتصادهای ملی، دولت‌های ملی، سرمایه‌های ملی محور، و حتی فراملیتی‌های ملی محور» نیز تشدید و بازتولید می‌شوند.^{۹۵}

نکته‌ی انکارناپذیر این است که مدیریت و ساماندهی سرمایه‌داری جهانی توسط انبوهی از دولت‌مملتها دارای قلمرو سیاسی عملیاتی می‌شود. چنان‌که مزاروش تصریح می‌کند، دولت سرمایه‌داری مدرن به‌مثابه‌ی یک الزام مهم برای مهارناپذیری و تناقضات ساختاری سرمایه، هم‌چون **ساختار فرماندهی سیاسی کلیت سرمایه** عمل می‌کند زیرا نقش دولت برای عمل‌کرد نظام

^{۹۳} همان، ص. ۴۲۶.

^{۹۴} Chris Collinge, "Self-Organisation of Society by Scale: A Spatial Reworking of Regulation Theory." *Environment and Planning, D, Society & Space* 17, no. 5 (1999): 568

^{۹۵} Wood, "Global," 18

سرمایه‌داری، هم در سطح خرد و ملی و هم در سطح کلان و جهانی، اهمیت حیاتی دارد.^{۹۶} تشکیل دولت مدرن هم برای تأمین و هم برای حفظ دائمی دستاوردهای مولد نظام سرمایه‌داری یک ضرورت مطلق است. بر این اساس، «دولتِ نظام سرمایه باید با تمام ابزارهایی که در اختیار دارد از منافع انحصاری سرمایه‌ی ملی خود - در صورت نیاز از طریق تحمیل "دیپلماسی ناو توپدار" (gunboat diplomacy) - در مقابل تمامی کشورهای رقیبِ درگیر در رقابت [جهانی] برای بازارهای مورد نیاز گسترش سرمایه و انباشت، دفاع کند.»^{۹۷}

به بیانی روشن‌تر، حتی اگر تحرکات سریع سرمایه در ورای مرزهای ملی خالق شرایطی هستند که در آن همه‌ی بازارهای ملی پیوسته و بیش‌ازپیش در هم ادغام می‌شوند، اما در آن واحد، جهانی‌شدن با پاره‌پاره‌شدن اقتصاد درهم‌تنیده‌ی جهانی در اقتصادهای متمایز و نامتوازن ملی و منقطه‌ای توأم بوده است. در حقیقت، «این گرایش با توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری تقویت می‌شود، که دولت‌ملت را با متمایز کردن اقتصادهای ملی حفظ و تکثیر کرده است، یک اثر تضادمند که به‌طور پایا با الزامات رقابت جهانی تشدید می‌شود - الزاماتی که با جهانی‌شدن کاهش نمی‌یابد، بلکه شدت می‌گیرد.»^{۹۸}

بر پایه‌ی رهیافت‌های نظری که تاکنون شالوده‌سازی کرده‌ایم، اکنون دو فرضیه‌ی محوری را صورت‌بندی می‌کنیم.

^{۹۶} Mészáros, *Beyond*, 51.

^{۹۷} همان، صص. ۵۵-۵۶.

^{۹۸} Wood, "Logics of," 29.

۴. فرضیه‌ها

تز اول - اصلی‌ترین پی‌آمدهای اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های چین و ساخت شبکه‌های زیرساختی حمل‌ونقل در ایران عبارتند از (۱) تشدید روند ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد چین به میانجی پروژه‌های فرامنطقه‌ای و فراقاره‌ای آن در راستای (۲) تأمین اساسی‌ترین ملزومات توسعه اقتصادی چین و در تحلیل نهایی (۳) تقویت و تحکیم فرایند انباشت سرمایه در داخل چین.

تز دوم - اساسی‌ترین پی‌آمدهای سیاسی این فرایند عبارتند از (۱) حفظ و استمرار پیکره‌بندی توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری ایران (۲) به واسطه‌ی حفظ و تبدیل کردن آن به یک اقتصاد تابع در راستای برآوردن متقاضیات رشد و توسعه‌ی اقتصادی در چین. متعاقباً، جملگی این تحولات (۳) تقویت و تثبیت هژمونی، توان‌مندسازی موازنه‌ی قدرت به نفع چین و تفوق برتری‌اش بر ایران را در پی خواهد داشت.

۵. عملیاتی‌سازی فرضیه‌ها

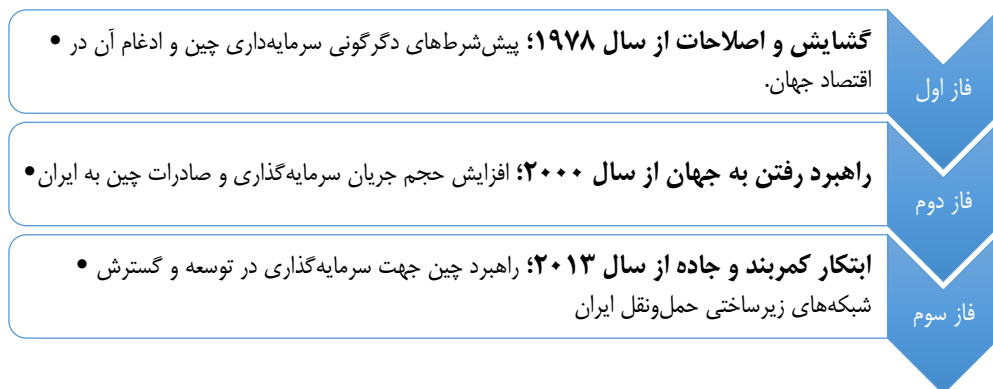
عملیاتی‌سازی فرضیه‌ها از روش تحلیل دیالکتیکی پیروی می‌کند. همان‌گونه که در شکل ۱-۲ مشاهده می‌کنید، در این بخش به میانجی و با تطبیق الگوی تجربی از تحلیل ساختاری دیالکتیکی، تبیین و تحلیل خود را از مفاهیم نظری و انتزاعی به مدد متغیرهای انضمامی و سنجش‌پذیر ارائه و صورت‌بندی می‌کنیم و آن را به محک آزمایش تجربی می‌گذاریم. بر این اساس در سطح **انتزاع مزیت زاویه‌دید**، از منظر مفهوم منطق اقتصاد ژئوپلیتیکی و منطق امپراتوری سرمایه، روند پیوستگی و وابستگی (نسبتاً یک‌جانبه‌ی) اقتصاد ایران به اقتصاد چین بدین ترتیب منتزع می‌شوند و (فرضیه‌ی اول) با این شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود: (الف) سطح روابط تجاری چین و ایران، (ب) گسیل جریان سرمایه‌گذاری چین به ایران و (پ) میزان سرمایه‌گذاری چین در گسترش شبکه‌های

زیرساختی حمل‌ونقل ایران. این‌جا و به‌طور موقت، این شاخص‌ها متغیرهای **علی** هستند که **پسامد** آن ادغام و درهم‌تنیدگی اقتصاد ایران در اقتصاد چین است. با گسستن موقت پیوندهای متقابل و دیالکتیکی میان متغیرها در این مرحله، می‌توانیم به‌طور دقیق‌تری اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته را بررسی و پیمایش کنیم. سرانجام، پس از این‌که این شاخص‌ها از مرحله‌ی پیمایش گذشتند، نتایج آن‌ها را تحلیل و در گام نهایی، همه‌ی نتایج را مجدداً به‌هم پیوند داده و در سطح کلان‌تری تبیین می‌کنیم. هدف نهایی این تحلیل گره‌زدن نتایج با فرضیه‌های فوق‌الذکر است.

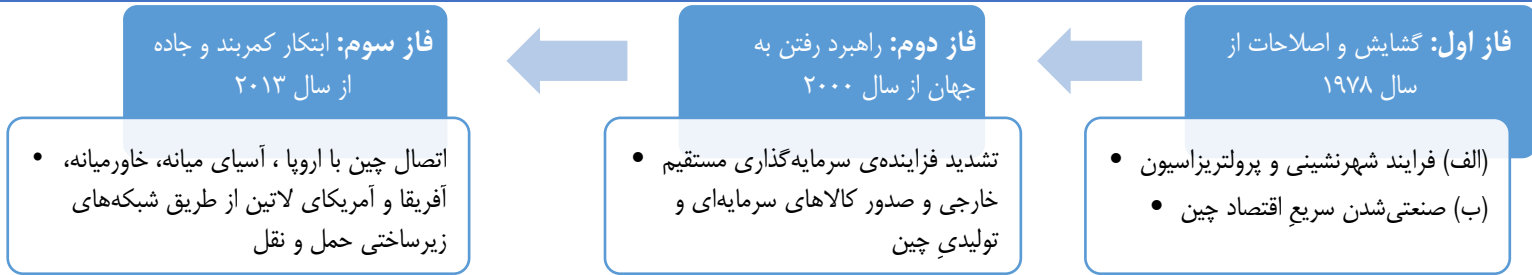
به‌علاوه، تغییرات کمی این متغیرها از خود بر جای می‌گذارند امری خنثی نیستند بسا که پی‌آمدهای کیفی و ژرف اقتصادی و سیاسی بر روابط قدرت میان چین و ایران را در پی خواهد داشت. از این‌رو، در سطح انتزاع مزیت زاویه‌دید، از منظر مفهوم اقتصاد ژئوپلیتیکی و منطق فضایی و سرزمینی سرمایه و دولت‌ملت، هم‌زاد روند درهم آمیختگی و به‌هم‌وابستگی، ملزومات حفظ و استمرار توسعه‌ی ناموزون اقتصادهای ملی را نیز پدید می‌آورد؛ به این معنا که پی‌آمد بالفعل و بالقوه‌ی این فرایند این است که ایران به تولیدکننده و صادرکننده‌ی مواد اولیه جهت تأمین مقتضیات رشد و توسعه‌ی اقتصادی چین مبدل می‌شود. در مقابل، چین به صادرکننده‌ی سرمایه و محصولات تولیدی با ارزش بالا به ایران تبدیل خواهد شد. بنابراین، شاخص‌های سنجش تَر دوم عبارتند از (الف) ترکیب‌بندی و سرشت تجارت چین با ایران (از لحاظ ماهیت مبادله‌ی دوجانبه)، و (ب) میزان و مقصد سرمایه‌گذاری چین در ایران بر اساس صنعت و بخش.

پژوهیدن این فرضیه‌ها (و شاخص‌های مرتبط با آن) مستلزم به‌کارگیری **انتزاع امتداد** با شناسایی و تمرکز بر یک بازه‌ی زمانی معین است. در وهله‌ی نخست، برای درک ظهور چین به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی، لازم است به روند و شرایط تاریخی تحول اقتصادی چین نگاهی بیفکنیم. تبدیل‌شدن چین به چنین قدرتی لازمه‌ی پیش شرط‌هایی است که در یک فرایند و شرایط

تاریخی (هم در سطح داخلی و هم در سطح جهانی) نضج گرفته باشند. اگر اینجا به تعریفی موجز اکتفا کنیم، «پیش‌شرط‌ها آن چیزهایی هستند که رخ داده‌اند و بدین‌سان [پدیدآمدن] چیزهای دیگر را ممکن ساخته‌اند.»^{۹۹} این فرایندِ زمانی و فضایی - یعنی انتزاع امتداد - در ارتباط با فرایند مذکور به سه مرحله‌ی تاریخی تقسیم‌بندی می‌شود.



⁹⁹ Paolucci, *Marx's Scientific*, 116.



شاخص‌ها

<p>الف. سطح روابط تجاری چین و ایران؛</p> <p>ب. گسیل جریان سرمایه‌گذاری چین به ایران؛</p> <p>پ. میزان سرمایه‌گذاری چین در گسترش شبکه‌های زیرساختی حمل‌ونقل ایران.</p>	<p>و در تحلیل نهایی (۳) تقویت و تحکیم فرایند انباشت سرمایه در داخل چین است.</p>	<p>تز اول: (۱) تشدید روند ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد چین به میانجی پروژه‌های فرامنطقه‌ای و فراقاره‌ای‌اش در راستای (۲) تأمین اساسی‌ترین ملزومات توسعه‌ی اقتصادی چین <<</p>
<p>الف. ترکیب‌بندی و سرشت تجارت چین با ایران (از لحاظ ماهیت مبادله‌ی دوجانبه)</p> <p>ب. میزان و مقصد سرمایه‌گذاری چین در ایران بر اساس صنعت و بخش اقتصادی.</p>	<p>جملگی این تحولات (۳) تقویت و تثبیت هژمونی، توان‌مندسازی موازنه‌ی قدرت به نفع چین و تفوق برتری‌اش بر ایران را در پی خواهد داشت.</p>	<p>تز دوم: (۱) حفظ و استمرار پیکره‌بندی توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری ایران (۲) به واسطه‌ی حفظ و تبدیل کردن آن به یک اقتصاد تابع در راستای برآوردن مقتضیات رشد و توسعه‌ی اقتصادی در چین <<</p>

شکل ۱-۲. الگوی تجربی از تحلیل ساختاری دیالکتیکی

۶. استدلال‌های انضمامی

بر اساس مبانی نظری و روش تحلیلی ترسیم‌شده در فرازهای بالا، در این بخش رئوس کلی استدلال‌های انضمامی را ارائه و صورت‌بندی خواهیم کرد تا نشان دهیم که چگونه ظهور چین به‌عنوان یک قدرت برتر سرمایه‌داری و تعقیب منافع اقتصادی و سیاسی‌اش در اقتصاد ایران ملازم است با ملزومات طرح و راه‌اندازی «راهبرد رفتن به جهان» و «ابتکار کمر بند و جاده».

استدلال‌های محوری پیرامون فرایند تطور تاریخی روابط تجاری این دو کشور بر دگرذیسی‌های اساسی اقتصاد چین در اواخر قرن بیستم متکی است. همان‌طور که لی تجزیه و تحلیل کرده است، از زمان اجرای سیاست‌های گشایش در سال ۱۹۷۸، اولین مرحله‌ی توسعه‌ی سرمایه‌داری چین با دو تغییر ژرف همراه بوده است: (الف) فرایند شهرنشینی و پرولتری‌زاسیون ساخت اجتماعی و (ب) صنعتی‌سازی پرشتاب اقتصاد چین. هر دوی این دگرذیسی‌ها سازوکارهای سرمایه‌داری و مناسبات اجتماعی سرمایه‌دارانه میان کار و سرمایه را استحکام بخشیده‌اند.^{۱۰۰} راهبرد نوین چین در حوزه‌ی آزادسازی اقتصادی، گسترش تجارت خارجی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اجرای سازوکارهای بازار آزاد، پیوسته ادغام و پیوستگی اقتصاد این کشور در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را شدت بخشیده و بسترهای مساعد برای رشد فزاینده‌ی اقتصاد چین فراهم آورده است. بر متن این تحولات، از اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰، به واسطه‌ی شدت و وحدت فرایند صنعتی‌سازی، اقتصاد چین به «کارگاه» اصلی تولیدات صادراتی جهان تبدیل شده است.^{۱۰۱} این تحول مبرم و ژرف هم‌هنگام امنیت بیشتر در تأمین انرژی و بازارهای جدید برای کالاهای تولیدی را می‌طلبید.

¹⁰⁰ Minqi Li, *The rise of China and the triumph of neoliberalism* (Sidmouth: Pluto Press, 2008), 69.

^{۱۰۱} همان، ص. ۷۵.

آن‌طور که اسمیت نیز خاطرنشان می‌سازد، سرعت‌بخشیدن به تجارت خارجی یکی از ویژگی‌های مهم جهانی‌شدن است، اما «تجارت خارجی ضرورتاً میل به تخصصی‌سازی در اقتصادهای ملی دارد.»^{۱۰۲} علاوه بر این، لِسِنِیخ استدلال می‌کند که تخصصی‌سازی و تجزیه‌ی اقتصادهای ملی باعث می‌شود تفاوت‌های کیفی بین اقتصادهای رشدیافته (مرکز) و کمتر رشدیافته/درحال‌رشد (پیرامونی) پدید آیند و به‌تبع آن نامتقارنی ساختاری و روابط قدرتِ ناهم‌سان را به نفع کشورهای مرکز تثبیت و استمرار می‌بخشد. کشورهای پیرامونی به‌صادرکننده‌ی مواد خام و کشورهای پیشرفته به‌صادرکننده‌ی سرمایه و کالاهای تولیدی تبدیل می‌شوند. برآیند این فعل‌وانفعالات، تثبیت گرایش قانون‌مندی است که مراتب عالی‌تر ارزش‌آفرینی در کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری همواره پابرجا می‌ماند.^{۱۰۳} این روند به‌وضوح در روابط اقتصادی ایران و چین در پایان قرن بیستم نیز تجربه شده است. در اواخر دهه‌ی ۲۰۰۰ روابط چین و ایران به مرحله‌ای رسید که در آن چین به بزرگ‌ترین شریک تجاری و بزرگ‌ترین واردکننده‌ی نفت ایران تبدیل شد.^{۱۰۴} سمت‌گیری سرمایه‌دارانه‌ی توسعه‌ی اقتصادی چین نه تنها درهم‌تنیدگی اقتصاد ملی این کشور در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را شدت بخشید، بلکه هم‌زمان یک راهبرد جهانی و منطقه‌ای را برای تأمین مایحتاج انرژی و انتقال مازاد سرمایه و محصولات صنعتی‌اش به مناطق جغرافیایی بالقوه‌ی جدید، همانند کشورهای خاورمیانه، تعقیب می‌کند.^{۱۰۵}

¹⁰² Smith, "Towards," 179-198.

¹⁰³ Stephan Lessenich, *Neben uns die Sintflut* (München: Die Externalisierungsgesellschaft und ihr Preis, 2016).

¹⁰⁴ Aizhu, "Despite Delays,".

¹⁰⁵ Zhang Mei, "The Present and the Future of China's Production-Capacity Cooperation with Foreign Countries China Institute of International Studies," China Institute of International Studies, August 19, 2016.

راهبرد رفتن به جهان

سیر تحول و دگرذیسی اقتصادی در چین شکل‌گیری مقادیر فراوانی از انباشت سرمایه را در پی داشت و نیز مجموعه‌ای از شرکت‌های چندملیتی (عمدتاً تحت کنترل دولت) بر متن این شرایط تأسیس شدند؛ دگرگونی‌ای که اصلی‌ترین نیروی محرک و شرایط مساعد برای ارائه و اجراسازی راهبرد رفتن به جهان در سال ۲۰۰۰ شد.^{۱۰۶} به عبارت دیگر، رشد فزاینده‌ی اقتصاد و گسترش سازوکارهای سرمایه‌داری، سرمایه‌ی چین را به سمت **رفتن به جهان** (Going Global) سوق داد. این راهبرد اقتصاد چین را به مرحله‌ای پیشرفته‌تر از صادرات صرف کالا متحول ساخت و به تبع آن به یکی از صادرکنندگان اصلی سرمایه به جای‌جای جهان تبدیل کرد. این استراتژی با هدف جهانی‌سازی بنگاه‌های تجاری، تولیدی و مالی چینی و نقش‌آفرینی بیشتر در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، گسترش تجارت خارجی، تقویت بنیه‌ی مالی و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و نیز پیوند ژرف‌تر با اقتصاد جهانی و کشورهای درحال توسعه در دستورکار دولت چین قرار گرفت.

افزون بر این، راهبرد رفتن به جهان صرفاً صحبت انتزاعی یا رؤیاهای امیدوارکننده نبود. در عوض این مقتضیات الزام‌آور سوداندوزی و انباشت سرمایه به‌سان فشار جدی بر شرکت‌های چینی و بورژوازی چین بودند که همه‌ی آن‌ها را وادار به اتخاذ این راهبرد کلان کرد. مقصود نهایی این راهبرد گسترش ساختار سرمایه‌داری چین بود به‌طوری که همچون «صحه‌گذاشتن بر مراتب عالی‌تری از بسط و گسترش شرکت‌های چینی در خارج از کشور» عمل کند.^{۱۰۷} از این‌رو اکثر پروژه‌های مساعدتی

¹⁰⁶ Zhaoxi Li, "China's Go Global Policy." in *Chinese Multinationals*, Larcon, Jean-Paul (Hackensack, NJ: World Scientific, 2009), 32.

¹⁰⁷ Jonathan Holslag, "China's New Mercantilism in Central Africa." *African and Asian Studies* 5, no. 2 (2006): 142; Friedrich Wu, and Koh De Wei, "From Financial Assets to Financial Statecraft: The Case of China and Emerging Economies of Africa and Latin America." *The Journal of Contemporary China* 23, no. 89 (2014): 781-803.

و مشارکتی دوجانبه در پیوندی بلاواسطه با شرکت‌های دولتی چین و راهبرد رفتن به جهان قرار دارند.^{۱۰۸}

در نتیجه، طبقه‌ی حاکم چین و نسل نوین شرکت‌های چندملیتی ضرورت جهانی‌سازی فعالیت‌های‌شان، تسهیل و تسریع ترتیبات عملی برای این فرایند، تقویت موقعیت خود در رقابت‌های بین‌المللی و دستیابی به سودهای کلان‌تر را به‌خوبی دریافته‌اند. سوای این مؤلفه‌ها، جاثوشی سه هدف اصلی راهبرد شرکت‌های چندملیتی چین برای رفتن به جهان را این‌چنین بر می‌شمارد: (الف) تأمین منابع طبیعی (از جمله انرژی و مواد اولیه)، (ب) مشارکت در تعدیل اقتصادی چین (نقش دولت در تشویق سرمایه‌گذاری در خارج از کشور به تقویت و رشد شرکت، سودآوری، انباشت سرمایه و تسریع نوآوری‌های فناورانه کمک می‌کند)، و (پ) بهبود قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی شرکت‌های چینی (یعنی مزیت چین در تولید، آزادسازی روزافزون بازار چین، و بهره‌مندی از وفور نیروی کار ارزان چین، همه‌باهم به شرکت‌های فراملیتی چینی فرصت و امکان رفتن به جهان و مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های خارجی را می‌دهد).^{۱۰۹}

در نتیجه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین از اواسط دهه‌ی اول قرن بیست‌ویکم به‌طور چشمگیری افزایش یافت، به‌طوری که «چین به خط مقدم سرمایه‌گذاران بزرگ جهانی پا گذاشت و خود را از یک صادرکننده‌ی عمده‌ی کالا به یک صادرکننده‌ی اصلی سرمایه متحول ساخت.»^{۱۱۰} جریان سرمایه‌گذاری خارجی از مرکز به پیرامون (یا از شمال جهانی به جنوب جهانی)، هم‌زمان، هم توسعه‌ی ناموزون را حفظ و تقویت می‌کند و هم وابستگی کشورهای فقیر به قدرت‌های اقتصادی پیشرفته را. نظربه‌این‌که رقابتی مداوم میان قدرت‌های سرمایه‌داری بر سر کنترل بر منابع طبیعی در

¹⁰⁸ David I. Steinberg, and Hongwei Fan, *Modern China-Myanmar Relations* (NIAS Monographs. Copenhagen: NIAS Press, 2012).

¹⁰⁹ Li. "China's," 31.

¹¹⁰ Paul Nash, "China's "Going Out" Strategy", *Diplomatic Courier*.

جریان است، یکی از اهداف اصلی سرمایه‌گذاری خارجی در اعطای وام از سوی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری به کشورهای غنی از منابع طبیعی، تأمین و اطمینان از استخراج و بهره‌برداری نامحدود از این منابع برای تحقق توسعه‌ی اقتصادی داخلی‌شان است. تجربه‌ی تاریخی دال بر این واقعیت است که با رشد چشم‌گیر اقتصاد چین، صادرات سرمایه نیز به سرعت افزایش یافته و عمدتاً به سمت بخش انرژی و مواد اولیه، به‌ویژه به کشورهای دارای ذخایر انرژی فسیلی در مناطق خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین، گرویده است.^{۱۱۱}

ابتکار کمربند و جاده

مضاف بر آنچه فوقاً بررسی شد، روند فزاینده‌ی ادغام اقتصاد ایران در اقتصادی نوپدید و قدرتمند چین در ارتباط با ابتکار کمربند و جاده مورد کاوش و تحلیل قرار می‌گیرد. این ابرپروژه که ایده‌ی آن در سال ۲۰۱۳ از سوی رئیس‌جمهوری چین مطرح شد، بنا دارد چین را با آسیای مرکزی، خاورمیانه، اروپا، آفریقا و آمریکای لاتین متصل کند تا جهان را بیش‌ازپیش به میانجی گسترش سرمایه‌گذاری و بسط و تعمیق ارتباطات و تجارت در مقیاس جهانی در هم آمیزد.^{۱۱۲} محرک‌های اقتصادی طرح و اجرای این پروژه اساساً برآمده از تحولات درونی اقتصاد چین هستند، از جمله کُنشدن رشد اقتصادی چین و به تبع آن کاهش نرخ سود. با ترویج و شکوفاکردن این پروژه‌ی عظیم، چین بنا دارد به هدف چندگانه خود در خاورمیانه، و از جمله ایران جامه‌ی عمل بپوشاند: «تأمین امنیت انرژی، اتصال حمل‌ونقل، بازتعریف زنجیره‌های تأمین جهانی، تعمیق روابط تجاری و سرمایه‌گذاری با کشورهای خاورمیانه و ترویج استفاده از RMB توسط بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان».^{۱۱۳}

^{۱۱۱} همان.

^{۱۱۲} "Promote Friendship Between Our People and Work Together to Build a Bright Future," Embassy of the People's Republic of China in the Kingdom of Belgium.

^{۱۱۳} Kamel, "China's," 78.

علاوه بر این، یو این پروژه را نسخه‌ی «ارتقا یافته»ی راهبرد رفتن به جهان برای افزایش «سرمایه‌گذاری در خارج، ایجاد زیرساخت» و تشدید انحصارات و تمرکز قدرت از طریق «اجرای ادغام و تملک» که عمدتاً توسط شرکت‌های دولتی چین انجام می‌گیرد، بر می‌شمارد.^{۱۱۴} و همچنین، لی بر این باور است که ابتکار کمربند و جاده «جزء ذاتی از گسترش مداوم نظام جهانی سرمایه‌داری است که محرک آن انباشت بی‌پایان سرمایه است».^{۱۱۵} این امر ناگزیر موازنه‌ی قدرت در نظم جهانی را به نفع چین تغییر می‌دهد. گلاسمن سرمایه‌گذاری چین در خارج را شیوه‌ای «چین‌محور» می‌بیند که بازتاب‌دهنده‌ی اهداف سیاست ملی آن و نیز برای ترویج و تسهیل فعالیت شرکت‌های ملی خود در خارج از کشور است تا در سرانجام منافع ملی خود و مقتضیات فرایند انباشت داخلی را تحقق بخشد.^{۱۱۶}

در همین راستا، لی و دیگران استدلال می‌کنند که ابتکار کمربند و جاده صرفاً به قدرت سیاسی پکن تقلیل‌پذیر نیست، بلکه «یک پروژه‌ی توسعه‌ی طبقه‌محور، بینامقیاسی [یا پروژه‌ای برای درهم‌تنیدن و به هم متصل کردن اقتصادهای مختلف در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی] و فراقاره‌ای برای همراه‌ساختن نخبگان مرکزی و محلی چین، سرمایه‌داران، روشنفکران و طبقات حاکم در سایر کشورهای واقع‌شده در مسیر یک کمربند - یک جاده است».^{۱۱۷} فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای ممتد با این ابتکار، از جمله صادرات سرمایه، کالا، نیروی کار و منابع طبیعی، هم بر مناسبات طبقاتی و سیاست هژمونیک در داخل چین و هم میان چین و کشورهای مشارکت‌کننده در این پروژه اثرگذار است. دوم، این پروژه تأثیر مهمی بر تجلی سرزمینی دینامیسم قدرت هژمونیک

¹¹⁴ Yu Jie, "One Belt One Road: A Reality Check," Medium.

¹¹⁵ Xing Li, "Understanding the Multiple Facets of China's "One Belt One Road" Initiative," in *Mapping China's 'One Belt One Road' initiative*, ed. Xing Li (London: Palgrave Macmillan, 2019), 11.

¹¹⁶ Jim Glassman, *Bounding the Mekong: The Asian Development Bank, China, and Thailand* (Honolulu: University of Hawai'i Press, 2010), 133.

¹¹⁷ Lee, Wainwright, and Glassman, "Geopolitical," 427-428.

چین دارد که در پیوند با روابط قدرت میان چین و کشورهای مربوطه قرار دارد که این نیز می‌تواند از پروژه‌ی ملی‌گرایی چین حمایت کنند.^{۱۱۸}

سرانجام، این پروژه به روند توسعه‌ی ناموزون در کشورهای مرکز و پیرامونی کمک می‌کند. من‌باب نمونه، یکی از مهم‌ترین مقاصد صدور سرمایه از اولی به دومی، توسعه‌ی زیرساخت‌های حمل‌ونقل کشورهای هم‌جوار برای ترویج و اطمینان از بهره‌برداری بی‌مانع از منابع طبیعی و تسهیل جریان صادرات محصولات تولیدی آنها است. علاوه بر آن، در ازای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای مرکز، اکثر کشورهای پیرامونی به صادرات مواد اولیه و درآمدهای حاصل از آن برای سیاست‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های محلی خود وابسته‌اند.^{۱۱۹}

^{۱۱۸} همان

^{۱۱۹} Lessenich, *Neben*.

فصل سوم

ظهور چین و سیر توسعه‌ی روابط اقتصادی چین و ایران

مقدمه

این فصل بنا دارد پایه‌ای‌ترین پیش‌زمینه‌های تاریخی و عوامل دخیل در ظهور چین، و طرح کلی از دگرش تاریخی حضور چین در ایران را بررسی و بازنمایی کند. اهمیت این جنبه از مبحث کلی ما این است که تغییر و تحول چشم‌گیر در روابط اقتصادی پکن و تهران و روند فزاینده‌ی سرمایه‌گذاری خارجی چین در ایران عمدتاً ناشی از دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در چین از دهه‌ی ۱۹۸۰ تاکنون بوده است. آنچه از اهمیت والایی برخوردار است، موشکافی و بازنمایی شرایط تاریخی‌ای است که ضرورت و زمینه‌ی عینی برآمدن چین و به تبع آن فرایند نفوذ فزاینده‌ی چین در ایران را پدید آورده است. بنابراین، بایسته است که این فرایند بر بستر دیالکتیک تاریخی و زمینه‌های فراگیر و ژرفای دگرگونی و تطور سرمایه‌داری در چین (در ارتباط با ساختار نهادی نولیبرالی اقتصاد سرمایه‌داری جهانی از دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به این سو) و پدیدارشدن آن هم‌چون یک قدرت اقتصادی جهانی در قرن بیست و یکم مورد کنکاش قرار گیرد. بدین ترتیب، ابتدا عوامل اجتماعی - اقتصادی به‌عنوان اصلی‌ترین نیروهای محرکه‌ی افزایش تدریجی و پر جلوه‌ی روابط اقتصادی چین و ایران را

می‌کاویم. سپس سیر توسعه‌ی تاریخی روابط اقتصادی دوجانبه‌ی آن‌ها در دو دهه‌ی گذشته بررسی شده می‌شود. لذا پرسش ما در این فصل برای پژوهیدن این پرسمان بدیق قرار است: سیر توسعه‌ی روابط تجاری چین و ایران در قرن بیست‌ویکم چگونه بوده است؟

کاوش این مؤلفه‌ها دو هدف مشخص را پی می‌گیرند: (الف) دریافتن زمینه‌های عینی و مادی افزایش نفوذ چین در ایران از طریق تشدید ادغام و وابستگی اقتصادی ایران در اقتصاد چین و (ب) بازنمایی لایه‌هایی از سازوکارها و فرایندهای تقویت و حفظ توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری ایران. این فصل به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود که هر بخش به موضوعی خاص اختصاص یافته است. بخش نخست، مهم‌ترین تحولات داخلی و جهانی که چین را به یک اقتصاد قدرت‌مند تبدیل کرده است (از جمله رشد اقتصادی و صنعتی‌شدن، شهرنشینی و پرولتریزاسیون، ورود سرمایه‌ی خارجی به چین، و فرایند انباشت سرمایه) را مورد بحث قرار می‌دهد. بخش دوم با تمرکز بر روابط تجاری، ترکیب و سرشت تجارت دوجانبه و جایگاه نفت خام ایران در تأمین امنیت انرژی چین، به سیر تکوین تاریخی روابط اقتصادی چین و ایران در قرن حاضر می‌پردازد. سرانجام، این فصل را با یک جمع‌بندی مختصر به پایان می‌بریم.

۱. زمینه‌ها و پی‌آمدهای ظهور چین

ظهور چین ماحصل درهم‌تنیدگی چندین تحول داخلی و جهانی بود. درخصوص تحولات داخلی، اصلاحات اقتصادی - اجتماعی چین و سیاست گشایش و آزادسازی اقتصادی (تقویت سازوکارهای بازار آزاد) در دهه‌ی ۱۹۸۰ و استمرار و تقویت آن به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، موجبات رشد فزاینده‌ی اقتصاد چین را فراهم آورد. این دگرش‌ها توأمان بود با (الف) روند شهرنشینی و پرولتریزاسیون و نیز (ب) فرایند پرشتاب صنعتی‌شدن و انباشت سرمایه. در سطح جهانی، استحاله‌های شتابنده‌ی اجتماعی و اقتصادی‌ای بر متن جهانی‌شدن اقتصاد جهانی و استیلای نولیبرالیسم به‌سان

سیاست غالب سرمایه‌داری در ربع آخر قرن بیستم، چین را با تحولات ژرفی مواجه ساخت. به‌طور مشخص بحران‌های اقتصادی در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ در اقتصادهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری، به‌خصوص امریکا و اروپای غربی، باعث شد سرمایه‌ی جهانی به کشورهای نقل مکان کند که نیروی کار ارزان فراوانی در آن موجود بودند.^{۱۲۰} به این ترتیب چین به مرکز اصلی این چرخش تاریخی تبدیل شد. این تغییر و تطورها، روی هم‌رفته سازوکارهای سرمایه‌داری (توآمان با سازوکارهای اصلی بازار)، مناسبات بین کار و سرمایه و ادغام و به هم‌بستگی اقتصاد چین در اقتصاد جهانی را تقویت و استوارتر کرد. رئوس اصلی این تحولات را در ادامه به‌طور مختصر ارائه می‌کنیم.

رشد اقتصادی: در نتیجه‌ی جهش پرشتاب صنعتی‌شدن، نه تنها چین به دومین اقتصاد

بزرگ جهان برکشیده شد، بلکه پیش‌بینی می‌شود که چین طی دو دهه‌ی آینده از ایالات متحده‌ی آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان از لحاظ حجم تولید ناخالص داخلی (GDP) پیشی خواهد گرفت.^{۱۲۱} با این حال، از لحاظ شاخص **برابری قدرت خرید** (Purchasing Power Parity)، چین در حال حاضر بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است. از این حیث، اقتصاد چین هم‌اکنون از آمریکا پیشی گرفته است.^{۱۲۲} بر پایه‌ی گزارش صندوق بین‌المللی پول، از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۰، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی چین به‌طور متوسط ۹.۷ درصد بوده است، در حالی که این میزان در سال ۲۰۱۶ به ۶.۸ درصد،^{۱۲۳} در سال ۲۰۱۹ به ۵.۸ درصد و در سال ۲۰۲۰ به ۲.۳ درصد کاهش یافته است.^{۱۲۴} از دهه‌ی ۱۹۹۰ به این سو، سهم چین در رشد واقعی اقتصادی جهان حدود ۳۰ درصد بوده است.^{۱۲۵} علاوه بر این،

¹²⁰ Li, *The rise*, 69.

¹²¹ Geof Colvin, "Study: China Will Overtake the U.S. as World's Largest Economy Before 2030," *Fortune*, February 9,

¹²² Andrea Willige, "[The world's top economy: the US vs China in five charts](#)," World Economic Forum, December 5, 2016.

¹²³ IMF, Research Dept. *World Economic Outlook, October 2016* (Washington, DC: International Monetary Fund, 2016), 5.

¹²⁴ "[At glance: People's Republic of China](#)," IMF.

¹²⁵ Li, *The rise*, 77

در سال ۲۰۱۶، چین مرکز تقریباً ۲۰ درصد از تولیدات صنعتی جهان شد و در برآیند آن چین در این حوزه نیز جایگاه نخست ایالات متحده را از آن خود کرد.^{۱۲۶} رشد اقتصادی چین از سال ۱۹۷۸ روند بی‌نظیری در کل تاریخ سرمایه‌داری را به نمایش گذاشته و در نتیجه به یکی از موتورهای اصلی گسترش و توسعه‌ی اقتصادی سرمایه‌داری تبدیل شده است. اقتصاد چین از اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ به مرکز «کارگاه» تولیدات صادراتی جهان تبدیل شد. مضافاً، در چند دهه‌ی اخیر از آنجا که نرخ سود در اقتصادهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری نسبتاً پایین بوده، به دلیل فراوانی نیروی کار ارزان در چین، نرخ میانگین سود سالانه برای شرکت‌های صنعتی چین بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴ تقریباً ۱۵ درصد افزایش یافت.^{۱۲۷} این نیز روند تاریخی بی‌سابقه‌ی صنعتی‌شدن اقتصاد چین را آشکار می‌کند. بنابراین چین به مهم‌ترین و اصلی‌ترین محل فعالیتِ مولدِ بین‌المللی‌سازی تولید سرمایه‌داری در آمد.

شهرنشینی و پرولتریزاسیون: روند صنعتی‌شدن در چین در هم‌پیوندی با دگرگونی‌های اقتصاد جهانی، روند شهرنشینی را شتاب بخشید.^{۱۲۸} از حیث تاریخی، فرایند شهرنشینی و پرولتریزاسیون در پیوند باهم تکوین یافته‌اند. دهقانان در مناطق روستایی، چه دهقانان فقیر که از زمین‌هایشان برکنده می‌شوند و چه آن‌هایی که بدون زمین‌اند، ناگزیر راهی شهرها می‌شوند و از آنجا که چیزی جز فروش نیروی کارشان ندارند، به‌عنوان «کارگر آزاد» مزدبگیر وارد چرخه‌ی تولید صنعتی و شهری می‌شوند. این امر موجب تغییر جدی در ساخت طبقات و گروه‌های اجتماعی شده است. بدین ترتیب است که فرایند شهرنشینی با فرآیند صنعتی‌سازی/مدرن‌سازی و به تبع آن پرولتاریزاسیون ساخت طبقاتی جامعه

¹²⁶ Tobias Ten Brink, and Carla Welch, *China's Capitalism* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2019), 162

¹²⁷ Li, *The rise*, 75.

¹²⁸ از نظر جغرافیایی و تاریخی، فرایند پرولتریزاسیون ارتباط نزدیکی با شهرنشینی دارد زیرا اغلب این فرایند با مهاجرت دهقانان بدون زمین و یا با زمین فقیر در مناطق روستایی به شهرها در جستجوی کار مزدی همراه بوده است. ازاینرو قدمت این فرایند به دوره‌های اولیه‌ی صنعتی‌شدن برمیگردد و امروزه نیز در تمامی کشورهای سرمایه‌داری، به‌ویژه در سرمایه‌داری‌های روپوش و کشورهای بی‌کشورهای که در مسیر رشد غیر سرمایه‌داری قدم برداشته‌اند، قابل رؤیت است.

گره خورده است. در چین نیز پیاده‌سازی فرایند پرشتاب صنعتی‌سازی در راستای رشد و توسعه‌ی سرمایه‌داری در اواخر قرن بیستم فرایند پرولتری‌زاسیون را تجربه و تسریع کرده است.^{۱۲۹} جدول ۳-۱ تخمینی از تغییر ساخت طبقاتی جامعه‌ی چین از ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۹ را نشان می‌دهد. بر اساس این برآورد، سهم طبقه‌ی کارگر صنعتی و کارگران مزدی شهری (پرولتاریا و نیمه‌پرولتاریا) در مجموع از ۲۷ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۹ افزایش یافته است، در حالی که سهم دهقانان از ۶۸ درصد به ۴۴ درصد در همان بازه‌ی زمانی کاهش یافته است.

پیش‌فرض ما این است که این روند در طول دو دهه‌ی نخست قرن بیست‌ویکم، از ۲۰۰۰ به این سو شتاب گرفته است. به‌عنوان مثال، در پی استمرار فرایند پرولتری‌زاسیون، جمعیت نیروی کار چین از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ حدود ۲ درصد افزایش یافته، درحالی‌که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی حدود ۳۰ درصد، از ۲۹۷ میلیون به ۲۲۸ میلیون نفر در همان دوره، کاهش یافته است.^{۱۳۱} افزون بر

طبقات	۱۹۷۸	۱۹۸۸	۱۹۹۹
بورژوازی/انخبه	۱	۱.۷	۳
طبقه‌ی متوسط	۴	۶.۳	۹
خرده بورژوازی	۰.۰	۳	۴
پرولتاریا	۱۰	۱۱	۱۲
نیمه پرولتاریا	۱۷	۲۲	۲۸
دهقانان	۶۸	۵۶	۴۴

جدول ۳.۱: تغییر ساخت طبقاتی در چین در سه دوره‌ی ۱۹۷۸، ۱۹۸۸، و ۱۹۹۹ (درصد از کل جمعیت).

منبع: محاسبه‌شده توسط نویسنده بر اساس برآوردی از نسخه‌ی اصلاح‌شده از داده‌های جدول ۴.۳ و ۴.۴ از

کتاب «ظهور چین و پیروزی نئولیبرالیسم» اثر مینقی لی.^{۱۳۰}

¹²⁹ Li, *The rise*, 75.

¹³⁰ Minqi Li, *The rise of China and the triumph of neoliberalism* (Sidmouth: Pluto Press, 2008).

¹³¹ National Bureau of Statistics of China. *China Statistical Yearbook 2015*. (Beijing: China Statistics Press, 2015), 4-1.

این، از آنجایی که گذار چین از تولید برپایه‌ی «شدت کار» (labor-intensive)^{۱۳۲} اولیه به تولید فزاینده‌ی بر پایه‌ی «شدت سرمایه» (capital-intensive)^{۱۳۳} شدت یافته، بهره‌وری نیروی کار نیز افزایش یافته است.^{۱۳۴} هر دوی این مؤلفه‌ها، افزایش بهره‌وری نیروی کار و وفور نیروی کار ارزان در چین به رشد نرخ سود و به تبع آن انباشت سرمایه کمک کرده است. هم‌پای این تحول، «ناکامی طبقه‌ی کارگر شهری [در مبارزه علیه بورژوازی و طبقه‌ی حاکم] و خلق مازاد عظیم نیروی کار، شالوده‌ی رونق و شکوفایی سرمایه‌داری چین را بنیان نهاده‌اند.»^{۱۳۵}

جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به چین: از زمان اصلاحات و آزادسازی

اقتصادی در چین، ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیوسته رو به افزایش بوده که این نیز برآیند سازوکارهای ادغام اقتصاد داخلی چین در اقتصاد جهانی بوده است. در طول چهار دهه‌ی گذشته، انبوهی از سرمایه‌گذاران خارجی وارد اقتصاد چین شدند تا از ارتش ذخیره‌ی عظیم نیروی کار ارزان این کشور بهره‌برداری کنند و در تحلیل نهایی، نرخ سود و انباشت سرمایه‌ی خود را افزایش دهند. به گزارش آنکتاد، چین در سال ۲۰۰۱ به ششمین مقصد ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان و بزرگ‌ترین مقصد در کشورهای در حال رشد تبدیل شد.^{۱۳۶} این روند در سال ۲۰۱۱ به اوج خود (حدود ۲۸۰ میلیارد دلار) رسید و در سال ۲۰۱۹ به ۱۵۵ میلیارد دلار کاهش یافت.^{۱۳۷} افزایش تجارت خارجی و رشد اقتصادی بخشاً انعکاس ورود خیل عظیم سرمایه‌گذاری خارجی به چین است.

^{۱۳۲} **شدت کار** ارجاعی است به نسبت نسبی نیروی کار (در مقایسه با سرمایه) مورد استفاده در هر فرآیند تولید کالا و خدمات. به‌عنوان مثال یک صنعت با «شدت کار» بالا (مانند کشاورزی غیرپیشرفته و نسبتاً سنتی) برای تولید کالاها یا خدمات خود به مقدار زیادی نیروی کار دستی نیاز دارد.

^{۱۳۳} **شدت سرمایه** مقدار سرمایه‌ی ثابت یا واقعی موجود در رابطه با سایر عوامل تولید به‌ویژه نیروی کار است.

^{۱۳۴} Ten Brink and Welch. *China's Capitalism*, 163.

^{۱۳۵} همان، ص. ۷۰.

^{۱۳۶} UNCTAD, *World Investment Report 2002* (New York & Geneva: United Nations, 2002), 6.

^{۱۳۷} UNCTAD, *World Investment Report 2020* (Geneva: United Nations, 2020), 7.

انباشت سرمایه در چین یکی از شاخص‌ها و فرایندهای اصلی دگرش سرمایه‌داری در چین

بوده است. رشد و گسترش سرمایه‌داری (و شالوده‌های مادی آن، همانند ایجاد زیرساخت‌های مدرن، استقرار مهاجرین روستایی در شهرها، توسعه‌ی بخش صنعتی، نوآوری در فناوری و افزایش مزیت رقابت جهانی) مستلزم فرایند بازتولید گسترده (سرمایه‌گذاری مجدد بخشی از ارزش اضافی ایجادشده توسط کارگر، یعنی بیشینه‌سازی انباشت سرمایه) است. در حالی که میزان پس‌انداز در دهه‌ی ۱۹۸۰ تقریباً ۳۵ درصد بود، این میزان در دهه‌ی ۱۹۹۰ به ۴۱ درصد افزایش یافت. ورود چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، رشد مجموع کل پس‌اندازها را از ۳۸ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵۳ درصد در سال ۲۰۰۷ تسریع کرد. این میزان بالای پس‌انداز تنها به گسترش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی مرتبط نیست، بلکه به تجارت بین‌المللی چین و جریان ورود سرمایه نیز مرتبط است.^{۱۳۸} از زمان پیاده‌سازی سیاست گشایش و رفرم‌های اقتصادی در سال ۱۹۷۸، نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی نسبتاً بالا بوده و به تدریج از ۳۰ درصد در دهه‌ی ۱۹۹۰ به ۴۰ درصد در دهه‌ی ۲۰۰۰ رسید. این روند در اوایل دهه‌ی ۲۰۱۰ به بالاترین حد تاریخی خود، به ۴۵.۵ درصد رسیده است. به موازات این روند، نسبت مصرف خانوار و مردم به تولید ناخالص داخلی از ۶۲ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۶ کاهش یافت.^{۱۳۹} بنابراین، رشد و توسعه‌ی اقتصادی چین ناشی از افزایش شتابنده‌ی سرمایه‌گذاری‌ها و صادرات است. روند نرخ پس‌انداز و نرخ سرمایه‌گذاری منجر به شکل‌گیری مازاد بر ظرفیت اقتصاد چین (تجمع بیش‌ازحد سرمایه) گردد.^{۱۴۰}

تجارت خارجی: تبدیل شدن چین به «کارگاه» تولیدات صادراتی جهان باعث افزایش حجم

تجارت خارجی آن از بیش‌از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ به حدود ۵۱۰ میلیارد دلار در ۲۰۰۱ گشت.

¹³⁸ Joseph P. H Fan, and Morck Randall, *Capitalizing China* (Chicago: University of Chicago Press, 2013), 249-250.

¹³⁹ Li, *The rise*, 88.

¹⁴⁰ The World Bank, "Gross Fixed Capital Formation (% of GDP)," World Bank National, 2021.

از زمان گشایش و آزادسازی اقتصادی، نرخ رشد تجارت خارجی سالانه‌ی آن ۱۴.۵ درصد افزایش یافت. در این دوره، در سال ۲۰۰۴ از جایگاه ۳۲مین به سومین کشور برتر تجاری جهان صعود کرد.^{۱۴۱} به عبارت دیگر از زمان پذیرش چین در سازمان تجارت جهانی، سهم تجاری آن به طور مداوم روندی صعودی داشته است. یعنی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶، نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی آن از ۲۳ درصد به ۳۷ درصد بالا رفته است.^{۱۴۲} در این میان، روابط تجاری چین با کشورهای «جنوب جهان» از ۱۳ درصد از کل تجارت خارجی چین در سال ۱۹۹۵ به ۲۸ درصد در سال ۲۰۰۷ افزایش یافت. در حالی که تجارت خارجی این کشور به طور کلی افزایش قابل ملاحظه داشته، اما به دلیل افزایش واردات منابع طبیعی با کسری تجاری چشم‌گیری مواجه شده است.^{۱۴۳} نظر به این که صادرات کالاهای سرمایه‌ای و محصولات صنعتی چین در مقام مقایسه با سایر اقتصادهای جهان با شدت بیشتری در حال افزایش بوده، یافتن و حفظ بازارهای جدید برای برآورده کردن متقاضیات توسعه‌ی اقتصاد نوپدید سرمایه‌داری‌اش بسیار پراهمیت بوده است. از این رو، این عامل مهمی برای توضیح چرایی‌های افزایش صادرات چین به ایران است.

رفتن به جهان: انباشت حجم عظیمی از سرمایه و پدید آمدن مجموعه‌ای از شرکت‌های چندملیتی یک راهبرد جهانی را از چین طلب می‌کرد، امری که در پی آن، طرح و راه‌اندازی راهبرد رفتن به جهان در سال ۲۰۰۰ به منظور تأمین منابع اولیه، یافتن بازارهای جدید، سرمایه‌گذاری خارجی در سراسر جهان و بهبود قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی شرکت‌های چینی، سر بر آورد. اجرای این سیاست در برنامه‌های دولت فوریت بیشتری پیدا کرد. با تأکید بر این که دولت باید سرمایه‌گذاری‌های چین در خارج از کشور را به طور مؤثرتری هماهنگ و هدایت کند^{۱۴۴} (برای جزئیات بیشتر به فصل

¹⁴¹ Li, "China's," 49-52.

¹⁴² Li, *The rise*, 87.

¹⁴³ Li, "China's," 73-74.

¹⁴⁴ Li, "China's," 31-32.

چهارم مراجعه نمایید). مضافاً رشد فوق‌العاده‌ی اقتصادی چین در ابتدای دهه‌ی ۲۰۱۰ به معنای رسیدن به نقطه عطف تاریخی‌اش بود. آن‌طور که لنین آن را توصیف کرد، اقتصاد سرمایه‌داری چین کم‌وبیش «بیش از حد نضج‌گرفته» بود. از این‌رو، در سطح مشخصی از تحلیل، ابرپروژه‌ی «ابتکار کمربند و جاده» باید این درد را تسکین دهد، با سرمایه‌گذاری میلیاردی، روند رشد و توسعه‌ی اقتصادی چین را تضمین و تثبیت کند.^{۱۴۵} سطح بالای سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و توسعه‌ی مداوم زیرساخت‌ها لازمه‌ی افزایش منابع انرژی و مواد خام است. بر پایه‌ی گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، در اواسط دهه‌ی ۲۰۰۰، چین به دومین مصرف‌کننده‌ی بزرگ انرژی جهان مبدل شد^{۱۴۶} و در سال ۲۰۰۹ با پیشی گرفتن از ایالات متحده، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌ی انرژی در جهان شد.^{۱۴۷} مصرف نفت خام توسط چین از سال ۲۰۰۰ به این‌سو به طرز وحشتناکی جهش یافته است (پیوست I را ببینید). این نیز افزایش واردات نفت خام را نیز در پی داشته است. در نتیجه، در حالی‌که چین در سال ۲۰۱۳ به بزرگ‌ترین واردکننده‌ی خالص نفت و سایر سوخت‌های مایع در جهان تبدیل شده بود، از لحاظ رشد واردات سالانه‌ی نفت خام در سال ۲۰۱۷ از آمریکا جلو زد. بر اساس برآورد آژانس بین‌المللی انرژی، افزایش مصرف انرژی در چین در سال ۲۰۱۷ «برای نهمین سال متوالی بزرگ‌ترین در جهان بود که ۴۰۰ هزار بشکه در روز (معادل ۳ درصد) رشد کرد و به ۱۳۰۲ میلیون بشکه در روز رسید.»^{۱۴۸} رشد مصرف نفت خام در این کشور تقریباً دو سوم از افزایش مصرف جهانی نفت در سال ۲۰۱۹ را به خود اختصاص داده است.^{۱۴۹} بنابراین روابط تجاری با کشورهای غنی از منابع انرژی فسیلی، از جمله ایران، به‌میزان شایان توجهی افزایش یافته است. شرکت‌های چندملیتی چین به‌منظور تأمین انرژی چین و

¹⁴⁵ Xing, "Understanding the Multiple," 38.

¹⁴⁶ International Energy Agency (IEA), *World Energy Outlook 2007* (Paris: Organization for Economic Cooperation and Development), 3.

¹⁴⁷ Spencer Swartz and Shai Oster, "China Tops U.S. in Energy Use", *The Wall Street Journal*, July 18, 2010; Barbara Finamore, "China as the World's Number One Energy Consumer... and World Leader in Clean Energy", NRDC, August 04, 2010.

¹⁴⁸ "China surpassed the United States as the world's largest crude oil importer in 2017", U.S. Energy Information Administration, December 31, 2018.

¹⁴⁹ "Country Analysis Executive Summary: China", U.S. Energy Information Administration.

سایر مواد اولیه‌ی مورد نیاز، در حوزه‌ی سرمایه‌گذاری در کشورهای انرژی‌خیز بسیار فعال هستند.^{۱۵۰} علاوه بر این، رشد چشمگیر اقتصادی و صنعتی‌سازی به افزایش پرشتاب صادرات خالص کالاهای تولیدی در چین انجامید. در سال ۲۰۰۶، چین اولین کشور میزبان با بیشترین تعداد نیروی کار در شرکت‌های تابعه‌اش در خارج کشور بود، در حالی که این میزان در سال ۲۰۰۴ حدود ۲۴ میلیون کارگر (۳ درصد از کل اشتغال در چین) و کمتر از ۵ میلیون نفر در سال ۱۹۹۱ بوده است.^{۱۵۱} باز، توسعه و گسترش اقتصاد سرمایه‌داری، سرمایه‌ی انباشته‌شده در چین را به سمت رفتن به جهان خارج گسیل کرد. این راهبرد، اقتصاد چین را به فرای صادرکننده‌ی کالا کشاند، و نیز با هدف جهانی‌سازی شرکت‌های چینی و درهم پیوستگی بیشتر در اقتصاد سرمایه‌داری جهان، رشد و گسترش تجارت خارجی، فعالیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری در اقتصاد جهانی طرح و اجرا شد. در همین چارچوب، لازم است ادغام ژرف‌تر اقتصاد ایران در اقتصاد نوظهور و قدرتمند چین را از رهگذر (الف) روابط تجاری (در بخش بعدی) و سرمایه‌گذاری در خارج و گسترش ارتباطات زیرساختی حمل‌ونقل (به‌ترتیب در فصل چهارم و پنجم) مورد پژوهش و تحلیل قرار دهیم.

۲. سیر تاریخی روابط اقتصادی چین و ایران

با این که روابط تجاری بین ایران و چین در نیمه‌ی اول قرن بیستم چندان قابل توجه نبود، اما پس از انقلاب سرخ چین در سال ۱۹۴۹، سطح روابط دو کشور از دهه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ (دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش) بهبودی نسبی یافت. در دوره‌ی اول، ارزش مجموع کل روابط تجاری‌شان حدود ۲.۵ میلیون دلار بود. لیکن با نوساناتی که به دلیل پی‌آمدهای جنگ سرد و تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه جریان داشت، این میزان از ۱۱۱ میلیون دلار در سال ۱۹۷۴ به ۱۷۴ میلیون دلار در سال ۱۹۷۸ (یک

¹⁵⁰ Julie Jiang, and Jonathan Sinton, "Overseas Investments by Chinese National Oil Companies: Assessing the Drivers and Impacts," IEA Energy Papers, 2011/3, OECD Publishing.

¹⁵¹ UNCTAD, *World Investment Report 2002*, 11.

سال قبل از وقوع انقلاب (۵۷) ارتقا یافت.^{۱۵۲} سقوط رژیم پهلوی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ به این سو، تغییر چندان ملموسی در روابط تجاری دو کشور به ارمغان نیاورد. در طول دهه‌ی ۱۳۶۰، هم‌زمان با جنگ ایران و عراق، پکن تأمین‌کننده‌ی اصلی تجهیزات نظامی به ایران بود.^{۱۵۳} پایه‌پای صنعتی‌شدن و رشد شتابان اقتصادی، روابط چین با ایران به تدریج گسترش یافت و به واردات فرآورده‌های نفتی در ازای کالاهای مصرفی روی آورد. حجم تجارت دوجانبه‌ی آنها از ۱۷۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸ش) به ۱.۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸ش) افزایش یافت. سهم چین از کل واردات ایران از یک درصد در سال ۱۹۷۸ به دو درصد در سال ۱۹۹۱ و هشت درصد در سال ۲۰۰۳ افزایش یافت.^{۱۵۴}

در نمودار ۱-۳ نشان داده‌ایم که روابط تجاری چین و ایران تا اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ و اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ پایین‌تر از ۵۰۰ میلیون دلار باقی ماند. رشد شتابان تجارت بین آنها هم‌آهنگ است با تغییر گسترده در کل صادرات و واردات چین از اوایل دهه‌ی نخست قرن حاضر. این دوره هم‌زمان است با روی کار آمدن احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور؛ کسی که «سیاست نگاه به شرق» را در هیئت رویکرد راهبردی در سیاست خارجی جدید ایران برای گسترش روابط خود با چین (و نیز روسیه و هند) مطرح کرد. در اواسط دهه‌ی ۲۰۰۰ (۱۳۸۰ش)، در بحبوحه‌ی تحریم‌های سنگین آمریکا علیه ایران، روابط اقتصادی پکن و تهران با زنجیره‌ای از موافقت‌نامه‌های انرژی سرعت گرفت. نه تنها صدور نفت ایران به چین به‌طور چشم‌گیری فزونی یافت، بلکه شرکت‌های بزرگ نفتی چین نیز جایگزین شرکت‌های نفتی بین‌المللی غربی شدند و مجموعه‌ای از قراردادهای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بالادستی و پایین‌دستی در بخش انرژی ایران را امضا کردند (برای جزئیات بیشتر به فصل

¹⁵² Mohamed Bin Huwaidin, *China's Relations with Arabia and the Gulf* (Routledge-Curzon, 2002), 153-154.

¹⁵³ Daniel L. Byman, and Roger Cliff, *China's Arms Sales* (Santa Monica: RAND Corporation, 2000), 8.

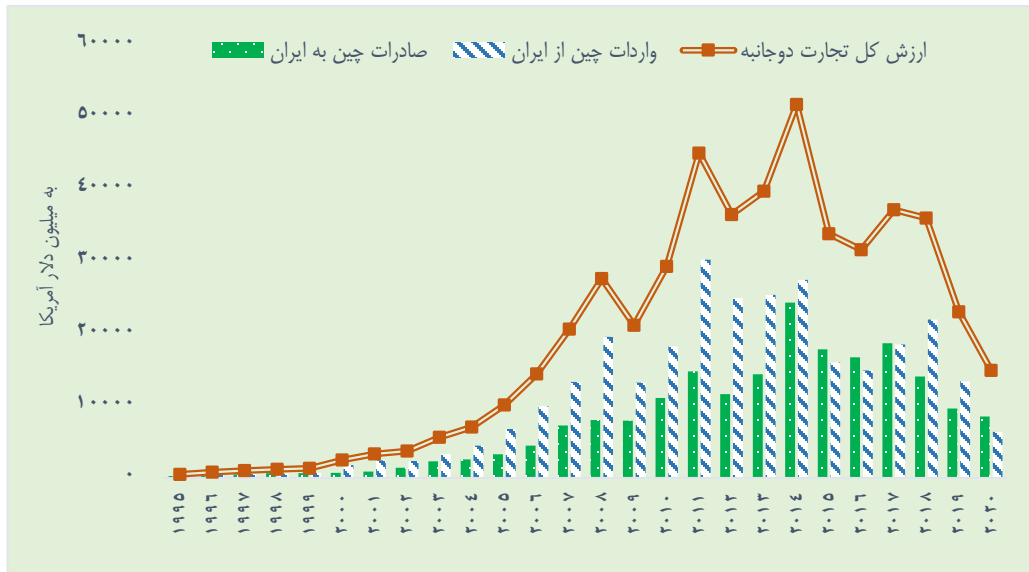
¹⁵⁴ Garver, *China and Iran*, 237.

چهارم بنگرید). واردات چین از ایران از ۱.۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت که واردات نفت از ایران را نیز شامل می‌شود. البته این روند از سال ۲۰۱۵ رو به کاهش بوده و به حدود ۶.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده است. این کاهش شدید ناشی از پی‌آمدهای تحریم‌های آمریکا پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ است.

به‌علاوه، روند صادرات چین به ایران با روند کل واردات آن کم‌وبیش هم‌آهنگ بوده است. ارزش صادرات چین به ایران در سال ۲۰۰۰ حدود ۷۱۳ میلیون دلار بوده و در سال ۲۰۱۴ به بیش از ۲۴ میلیارد دلار رسیده است. همچنین این میزان در سال ۲۰۲۰ تا ۸.۵ میلیارد دلار نزول کرده است. سیر توسعه‌ی تاریخی روابط اقتصادی چین و ایران بیانگر آمیختگی و پیوستگی اقتصاد ایران در اقتصاد پرنفوذ چین نیز است. با این‌که سهم ایران از کل واردات و صادرات چین تاکنون ناچیز بوده است (حدود سدهم درصد در سال ۲۰۰۰)، اما در سال ۲۰۱۴ تقریباً به ۱.۵ درصد افزایش یافت و مجدداً در سال ۲۰۲۰ به دودهم درصد کاهش یافت. در عوض، چین در دو دهه‌ی اخیر به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شده است، که این نیز مبین گستره و ژرفای وابستگی ایران به چین است.

همان‌گونه که در جدول ۲-۳ قابل مشاهده است، اگرچه در سال ۲۰۰۰ چین (پس از ژاپن، تایوان، کره جنوبی و ایتالیا) پنجمین مقصد صادراتی ایران بود، در سال ۲۰۰۹ با ۲۱ درصد به جایگاه نخست صعود کرد و از آن زمان به بعد تقریباً موقعیت برتر خود را تا سال ۲۰۱۹ حفظ کرده است. سهم چین از کل صادرات ایران به ۲۹ درصد در سال ۲۰۱۴ رسیده و با وجود افت چشمگیر صادرات نفت به چین در این مقطع زمانی، در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۴۸ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این، همین روند در مورد سهم چین از کشورهای مبدأ وارداتی ایران نیز صدق می‌کند. چین در ابتدای دهه‌ی ۲۰۰۰ با قرارگرفتن در جایگاه پنجم حدود ۵ درصد از کل واردات ایران را به خود اختصاص داده بود. این موقعیت با ۱۷ درصد در سال ۲۰۰۷ و ۳۲ درصد در سال ۲۰۱۴ به بزرگ‌ترین

شریک وارداتی ایران ارتقا یافت. چین با اندکی کاهش، با ۲۸ درصد در سال ۲۰۱۹، کماکان بزرگ‌ترین مبدأ وارداتی ایران باقی مانده است.



نمودار ۱-۳. حجم تجارت خارجی بین چین و ایران از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰. منبع: محاسبات نویسنده بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول.

پنج مقصد برتر صادرات ایران (سهم از کل صادرات، به درصد)

۲۰۱۹	۲۰۱۴	۲۰۰۹	۲۰۰۰
۴۸٪	۲۹٪	۲۱٪	۱۶٪
۱۲٪	۲۶٪	۱۷٪	۱۱٪
۸٪	۱۱٪	۱۵٪	۸٪
۶٪	۷٪	۱۰٪	۸٪
۵٪	۶٪	۴٪	۶٪
۱. چین	۱. چین	۱. چین	۱. ژاپن
۲. هند	۲. تایوان	۲. هند	۲. تایوان
۳. کره جنوبی	۳. هند	۳. ژاپن	۳. کره جنوبی
۴. ترکیه	۴. عراق	۴. کره جنوبی	۴. ایتالیا
۵. امارات متحده عربی	۵. ژاپن	۵. ایتالیا	۵. چین

پنج کشور برتر مبدأ واردات ایران (سهم از کل واردات، به درصد)

۲۰۱۹	۲۰۱۴	۲۰۰۹	۲۰۰۰
۲۸٪	۳۲٪	۱۸٪	۱۱٪
۲۰٪	۱۷٪	۱۱٪	۹٪
۱۱٪	۶٪	۹٪	۷٪
۸٪	۶٪	۶٪	۶٪
۵٪	۶٪	۶٪	۶٪
۱. چین	۱. چین	۱. چین	۱. آلمان
۲. هند	۲. امارات متحده عربی	۲. آلمان	۲. کره جنوبی
۳. کره جنوبی	۳. ترکیه	۳. کره جنوبی	۳. امارات متحده عربی
۴. ترکیه	۴. هند	۴. ایتالیا	۴. ایتالیا
۵. امارات متحده عربی	۵. کره جنوبی	۵. روسیه	۵. چین

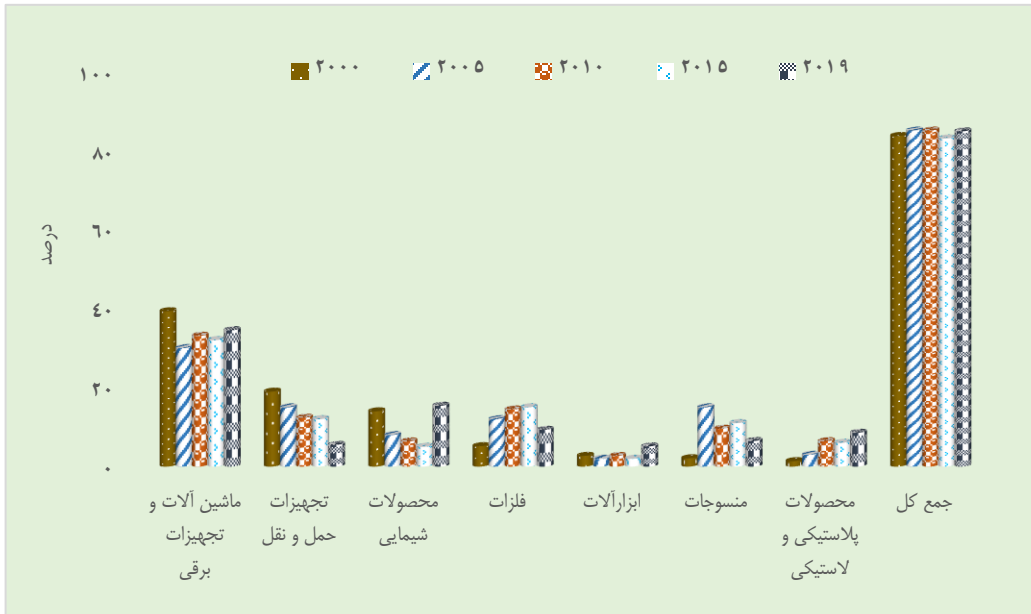
جدول ۲-۳. پنج بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران طی دوره‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۹، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹.

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس داده‌های OEC.

۳. ترکیب و ماهیت تجارت چین و ایران

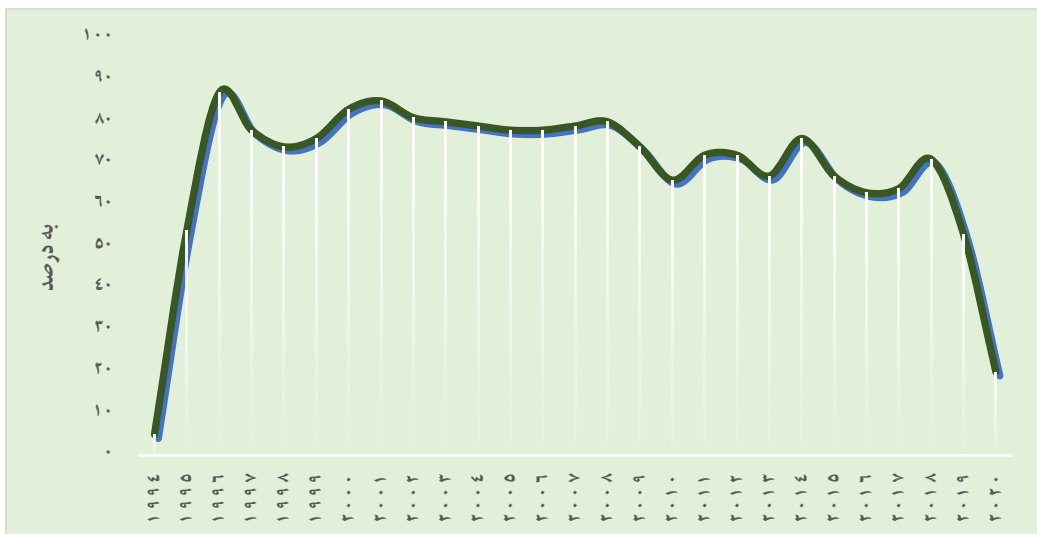
آنچه روابط اقتصادی چین و ایران را به یک مسئله‌ی قابل تأمل تبدیل کرده این است که صادرات چین شامل کالاهای سرمایه‌ای و تولیدی در ازای منابع اولیه و طبیعی ایران است. نمودار ۲-۳ ترکیب صادرات چین به ایران را در چهار دوره‌ی زمانی طی دو دهه‌ی گذشته نشان می‌دهد. در سال ۲۰۰۰، ماشین‌آلات و وسایل و تجهیزات برقی تقریباً ۴۰ درصد از صادرات چینی‌ها به ایران را به خود اختصاص دادند. حجم کالاهای سرمایه‌ای برای بخش حمل‌ونقل (همانند راه‌آهن و سایر تجهیزات ماشین‌های ریلی، وسایل نقلیه، هواپیما، کشتی و قایق و سازه‌های شناور) مجموعاً ۱۹ درصد از کل صادرات بود. افزون بر این، محصولات پتروشیمی، فلزات اساسی، ابزارآلات، منسوجات و محصولات پلاستیکی و لاستیکی ۲۵ درصد را شامل می‌شوند. روی هم‌رفته، این کالاهای سرمایه‌ای و تولیدی ۸۳ درصد از کل اقلام صادراتی چین به ایران را در سال ۲۰۰۰ تشکیل می‌دادند. به‌رغم این‌که این ترکیب از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ اندکی در نوسان بوده، اما مجموع کل کالاهای سرمایه‌ای در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ به ۸۵ درصد و در سال ۲۰۱۹ به ۹۶ درصد افزایش یافته است. در مقابل، منابع انرژی و محصولات معدنی اکثریت قریب به اتفاق واردات چین از ایران را تشکیل می‌دهند. بخش عمده‌ای از این واردات، محصولات نفت خام و بخش کوچکی از آن مواد معدنی و شیمیایی است. همان‌طور که نمودار ۳-۳ به‌نمایش می‌گذارد، سهم نفت خام از کل واردات چین از ایران اوج‌گیری شدیدی داشته و از ۳ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۵۵ درصد در سال ۱۹۹۹ و ۷۶ درصد در سال ۱۹۹۹ رسیده است. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸، سهم نفت خام بین ۴۳ تا ۸۵ درصد از کل واردات شناور بوده و اما در سال ۲۰۱۹ به ۵۳ درصد و در سال بعد به ۲۰ درصد کاهش یافته است. مضاف بر این، در سال ۲۰۰۰، به‌تقریب ۹۰ درصد محموله‌های صادراتی ایران به چین مشمول نفت خام، گاز طبیعی و روغن‌های معدنی و محصولات تقطیری از نفت بوده‌اند. فلزات و محصولات شیمیایی، و لاستیک و پلاستیک

تقریباً ۸ درصد واردات را شامل می‌شوند. این ترکیب به ترتیب در سال ۲۰۱۰ به ۸۶ و ۱۳ درصد و در سال ۲۰۱۹ به ۶۴ و ۳۳ درصد تغییر یافته است.



نمودار ۲-۳. ترکیب کالاهای صادراتی چین به ایران، ۲۰۱۹ - ۲۰۰۰.

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس داده‌های OEC.



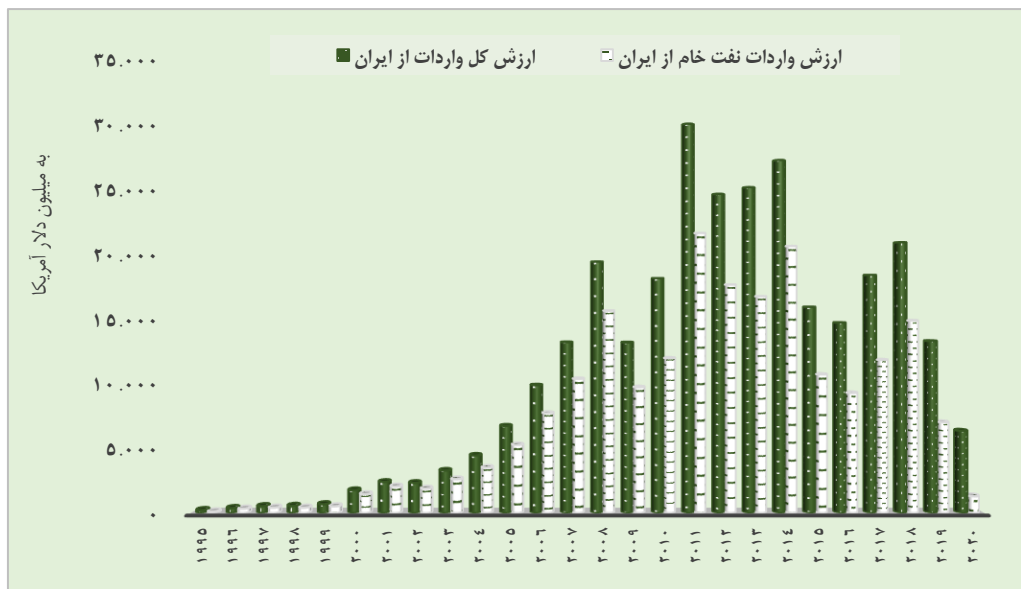
نمودار ۳-۳. سهم نفت خام از کل واردات چین از ایران طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۰.

منبع: محاسبات نویسنده براساس داده‌های U.N. Comtrade.

۴. صادرات نفت خام ایران به چین

نظر به این که ذخایر انرژی جهان به طور ناهمسانی تنها در برخی مناطق واقع شده‌اند، انرژی به یک موضوع ژئوپلیتیکی مبدل شده است. حدود ۶۵ درصد از ذخایر اثبات شده نفت در جهان در خاورمیانه متمرکز است.^{۱۵۵} ایران چهارمین دارندهی ذخیره‌ی نفت خام اثبات شده‌ی جهان (با ۱۵۷.۲ میلیارد بشکه) است و در حوزه‌ی ذخایر اثبات شده‌ی گاز طبیعی، ایران، پس از روسیه، در رتبه‌ی دوم جهان (با ۴۹۰ تریلیون فوت مکعب) قرار دارد.^{۱۵۶}

رشد شتابان اقتصادی و فرایند صنعتی شدن چین مصرف فزاینده و واردات انرژی را شدت بخشید. چین بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۵ از خودکفایی در تولید نفت به وابستگی روزافزون به واردات بیش از یک سوم کل مصرف نفت داخلی‌اش تغییر وضعیت داد. برآیند این تحول، چین در سال ۲۰۰۴



نمودار ۳-۴. سهم واردات نفت خام چین از ایران طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰.

منبع: محاسبه توسط نویسنده براساس داده‌های U.N. Comtrade.

^{۱۵۵} OPEC (2018), "OPEC Annual Statistical Bulletin 2018," 155.

^{۱۵۶} سعیدی، حامد. اقتصاد سیاسی حضور سپاه پاسداران در صنعت نفت و گاز ایران. در نقد اقتصاد سیاسی

با پیشی گرفتن از ژاپن، به مقام دومین مصرف‌کننده‌ی بزرگ انرژی جهان صعود کرد.^{۱۵۷} تقاضای افزایشنده برای انرژی زمینی عینی را برای جفت‌شدن چین با ایران به‌عنوان یک کشور نفت‌خیز عظیم خلق کرد. نمودار ۳-۴ نشان می‌دهد که ارزش واردات نفت خام چین از ایران از ۱۲۱ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۱.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ و ۱۵.۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ افزایش یافته است. پس از فروکش موقتی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، واردات نفت از ایران در سال ۲۰۱۱ با ۲۱.۸ میلیارد دلار به نقطه اوج خود رسید. با توجه به این که چین به‌طور گسترده و ژرف در اقتصادهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری تنیده شده است، در پی اعمال تحریم‌های آمریکا و سازمان ملل متحد بر بخش‌های هسته‌ای و انرژی ایران، چین وادار شد در روابط خود با ایران دست‌به‌عصا عمل کند. در نتیجه چین برای تضمین منافع خود در کشورهای غربی واردات نفت خود از ایران را به‌شدت تنزل داد.

با وجود این، تا سال ۲۰۱۱، شرکت سینوپک، به‌عنوان غول دولتی انرژی چین، قراردادی وارداتی را برای واردکردن ۹ هزار بشکه در روز از میعانات گازی (نوعی نفت خام فوق‌سبک) ایران امضا کرد.^{۱۵۸} پکن تا سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۱۷ میلیارد دلار نفت خام وارد کرده است که ۲۳ درصد کمتر از سال ۲۰۱۱ است. در حالی که این روند در سال ۲۰۱۴ به بیش از ۲۱.۸ میلیارد دلار رسید، اما در سال ۲۰۱۶ به ۹.۴ میلیارد دلار سقوط کرد. پس از توافقنامه‌ی برنامه‌ی جامع اقدام مشترک (برجام) بین ایران و شش قدرت بزرگ جهان در ژوئیه‌ی ۲۰۱۵، صادرات نفت ایران به چین اندکی احیا شد و به‌ترتیب تا سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به ۱۱.۹ میلیارد دلار و ۱۵ میلیارد دلار افزایش یافت.

با این حال، ایالات متحده، به ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، تحریم‌های نفتی ایران و صادرات میعانات را مجدداً وضع کرد و تهدید کرد که هر کشور یا شرکتی را که روابط تجاری با ایران داشته

¹⁵⁷ Charles E. Ziegler, "The Energy Factor in China's Foreign Policy," *Journal of Chinese Political Science* 11, no.1 (Spring 2006): 1-23.

¹⁵⁸ Charles E. Ziegler, "The Energy Factor in China's Foreign Policy," *Journal of Chinese Political Science* 11, no.1 (Spring 2006): 1-23

باشد تحریم خواهد کرد. علاوه بر این، تا سال ۲۰۱۹ خزانه‌داری آمریکا پنج شرکت غول‌پیکر چین و شش تبعه‌ی چینی را تحریم کرد.^{۱۵۹} این تحریم‌های سخت و سنگین واردات نفت چین از ایران را به شدت متاثر سازد. بدین سبب، محموله‌ی نفت ایران به چین در سال ۲۰۱۹ تقریباً به ۷ میلیارد دلار سقوط کرد و با ۱.۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ به پایین‌ترین حد خود در دو دهه‌ی گذشته رسید. منتها به گزارش رویترز، صادرات نفت ایران به چین «به‌طور میانگین روزانه ۵۵۷۰۰۰ بشکه بین نوامبر تا مارس [۲۰۲۱]» به سطح قبل از تحریم‌ها بازگشته است.^{۱۶۰} همچنین طبق گزارش‌های منتشرشده، صدور نفت خام ایران به چین در مارس ۲۰۲۱ به ۸۵۶ هزار بشکه در روز خواهد رسید که بیشترین میزان در تقریباً دو سال گذشته و ۱۲۹ درصد افزایش نسبت به ماه قبلش است.^{۱۶۱}

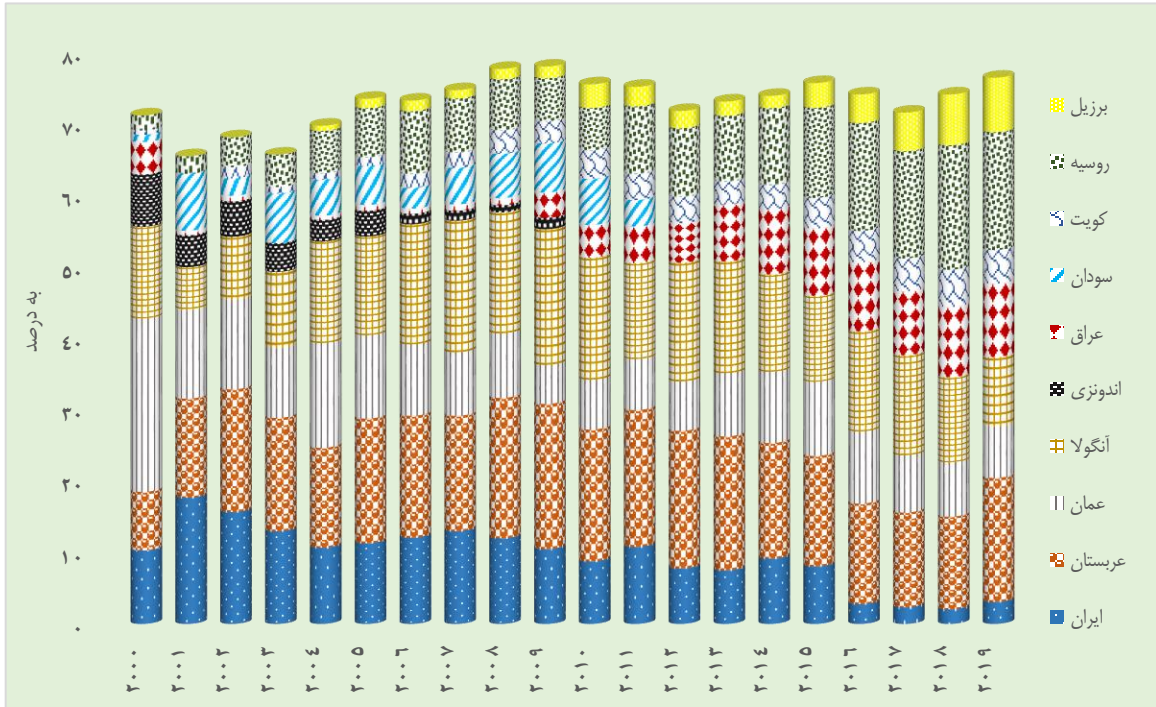
در نمودار ۳-۵ به وضوح نشان داده‌ایم که در حالی که ایران با سهم ۱۷ درصد بزرگ‌ترین تأمین‌کننده‌ی نفت خام چین در سال ۲۰۰۱ بود، اما سهم آن در دو دهه‌ی گذشته فروکش کرده است. ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ سومین منبع بزرگ واردات نفت بوده است. اما در سال ۲۰۱۲ روسیه از ایران پیشی گرفت و جایگاه ایران را از آن خود کرد. در نتیجه‌ی تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران، این میزان از سال ۲۰۱۰ به این سو به میزان ۲۰ درصد تنزل کرد. در سال ۲۰۱۲ به ۷.۸ درصد کاهش یافت و مجدداً طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ به ۸ درصد رسید. با کاهش قابل توجه واردات نفت خام از ایران، دستیابی به منابع جدید برای چین به امری مبرم و فوری مبدل شد. بنابراین، چین واردات خود را از عربستان سعودی، سودان، سودان جنوبی، لیبی، امارات، عمان، عراق، آنگولا، ونزوئلا و روسیه افزایش داد. با این حال، در پی تحریم‌های سخت آمریکا بر بخش نفت و صادرات میعانات گازی ایران، حجم نفت خامی که چین از ایران خریداری می‌کرد، در مقایسه با ۸ درصد در سال ۲۰۱۶،

¹⁵⁹ "U.S. sanctions Chinese firms, individuals over Iran -Treasury website", Reuters, September 25, 2019.

¹⁶⁰ Shu Zhang, Chen Aizhu, and Sabrina Valle, "China's Iranian oil buying spree crushes demand for Brazil, Angola crude", Reuters, April 14, 2021.

¹⁶¹ "China buying record volumes of Iran's sanction-discounted crude", Worl Oil.

در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به طور چشمگیری به ۲ درصد و در سال بعد به ۳ درصد رسید. بر اساس گزارش رسانه‌ها، چین در سال ۲۰۲۰ در مجموع ۳.۹ میلیون تن نفت خام از ایران خریداری کرده است که در مقایسه با ۱۴.۷۷ میلیون تن در سال ۲۰۱۹ کاهش شدیدی را نشان می‌دهد.^{۱۶۲}



نمودار ۵-۳. ده بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت چین، بر اساس کشور، طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹. منبع: محاسبه‌ی نویسنده براساس مجموعه داده‌های OEC.

¹⁶² "China's 2020 crude imports FROM US surge 211% to 396,000 b/d, valued at \$6.28 bil", S&P Global, January 20, 2021.

جمع‌بندی

این فصل سیر تحول تاریخی روابط دوجانبه‌ی اقتصادی چین و ایران در قرن بیست‌ویکم را بررسی کرد. با تجزیه و تحلیل این روند بر متن دگرگونی‌های سرمایه‌داری در چین، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که ظهور چین به‌سان یک قدرت اقتصادی (در پرتو طراحی و راه‌اندازی «راهبرد رفتن به جهان» و «ابتکار کمربند و جاده») در تقویت و استحکام موقعیت‌اش در ایران نیز تبلور یافته است. این دگرش‌ها برآیند بلاواسطه‌ی توسعه و محرک‌های اقتصادی داخلی چین و در تحلیل نهایی، تحقق‌بخشیدن به فرایند انباشت بی‌پایان سرمایه بوده است.

رشد سرسام‌آور اقتصادی در چین یکی از عامل‌های تعیین‌کننده‌ی روابط اقتصادی آن با ایران بوده است. همانطور که در فرازهای بالا بررسی و ارائه کردیم، آغاز قرن کنونی نقطه عطفی در ماهیت روابط ایران و چین از نظر کمی و کیفی بوده است. بدین ترتیب، گرچه چین در سال ۲۰۰۰ در رتبه‌ی پنجم قرار داشت، لیکن در اواخر همان دهه به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شد و همین جایگاه را تا به‌حال حفظ کرده است. محور روابط اقتصادی آنها به‌مرور زمان به واردات منابع اولیه و معدنی از ایران در ازای صادرات کالاهای سرمایه‌ای و تولیدی چین به ایران تغییر جهت داده است. از یک‌سو، واردات نفت خام ایران توسط چین با رشد گسترده و فزاینده‌ی اقتصاد داخلی آن به‌میزان قابل‌توجهی فزونی یافته، به‌طوری که به‌طور متوسط در دو دهه‌ی گذشته حدود دوسوم کل واردات چین از ایران را به خود اختصاص داده است. با وجود این، تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه ایران تأثیر جدی بر روابط دو کشور گذاشته است، این تغییر را می‌توان با لحاظ‌کردن وضعیتی که کل تجارت خارجی به‌طور کلی و واردات نفت به‌طور اخص از سال ۲۰۱۵ در حال کاهش بوده است، رؤیت کرد. پی‌آمد اصلی این بوده که ایران در فروش نفت خود با مشکلات جدی مواجه شده، اما چین کاهش

خرید نفت خود از ایران را با افزایش شدید خرید از سایر کشورهای صادرکننده نفت جبران کرده است.

از سوی دیگر، با تبدیل شدن چین به «کارگاه جهان»، صادرات این کشور به ایران از تجهیزات نظامی در دهه‌ی ۱۳۶۰ و کالاهای مصرفی در دهه‌ی ۱۳۷۰ به کالاهای سرمایه‌ای و تولیدی در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ متحول شده شد. به این ترتیب، ایران به یک بازار مهم برای کالاهای چین تبدیل شده است. در حالی که صادرات نفتی ایران به چین تنزل کرده، صادرات کالاهای تولیدی چین از حدود ۸۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۹۶ درصد از کل صادرات آن به ایران در سال ۲۰۱۹ رسیده است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که افزایش چشمگیر روابط تجاری بین پکن و تهران بیانگر پیوستگی و وابستگی عمیق‌تر اقتصاد ایران به قدرت اقتصادی چین است. در سطح انضمامی‌تری، فرایند ادغام اقتصاد دو کشور، این مجال را به چین می‌دهد تا بخش وسیعی از نیازهای انرژی خود را به مدد تقویت روابط خود با کشورهای غنی از ذخایر انرژی برآورده کند. با این حال، ادغام روابط اقتصادی تنها به تجارت دو جانبه محدود نمی‌شود و این تحولات پیش شرط‌های اساسی برای نفوذ قوی‌تر و فزاینده‌تر چین در ایران از طریق صادرات سرمایه بوده است که در فصل بعدی به آن می‌پردازیم.

فصل چهارم

سیر تاریخی صدور سرمایه‌ی چین به ایران

مقدمه

با توجه به تحولاتی که چین را از یک صادرکننده‌ی کالاها تا مقام یکی از صادرکنندگان بزرگ سرمایه در جهان ارتقا داد، پژوهیدن نقش سرمایه‌گذاری چین در ایران در پیوند با تعقیب «راهبرد رفتن به جهان»، بسیار پراهمیت است. از این‌رو، این فصل سیر تاریخی صدور سرمایه‌ی چین به ایران در دو دهه‌ی اول قرن حاضر را مورد تحقیق قرار می‌دهد. برای موشکافی و تحلیل این فرایند، ابتدا به‌طور مختصر پارامترهای اصلی (محرك‌های اقتصادی و سیاسی) اثرگذار در ترسیم این راهبرد را ارائه می‌کنیم. هدف بعدی این فصل جنبه‌ای دوگانه دارد؛ (الف) این که ایران تا چه حد به یک مقصد مهم سرمایه‌گذاری چینی‌ها در خاورمیانه تبدیل شده است و (ب) این که این سرمایه‌گذاری‌ها جذب کدام بخش‌های اقتصادی شده‌اند. اهمیت نکته‌ی آخر مطالعه‌ی فرایندی است که در آن صدور سرمایه از مرکز به کشورهای پیرامونی موجبات بازتولید و تحکیم روند توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری را فراهم می‌آورد. بنابراین، پرسشی که در مرکز این فصل قرار می‌گیرد بدین شرح است: سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین در ایران چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

برای پاسخ به این پرسش، مباحثات این فصل به این شرح تقسیم‌بندی شده‌اند. بخش نخست به‌طور مختصر بر دو موضوع تمرکز دارد: یکم، محرک‌های اصلی طرح و پیاده‌سازی راهبرد رفتن به جهان و اهدافی که این راهبرد تعقیب می‌کند. و دوم بررسی روند تکوین جریان سرمایه‌گذاری خارجی چین در دو دهه‌ی گذشته است. سپس در بخش بعدی به توالی تاریخ و تحولات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین در ایران می‌پردازیم. به‌طور مشخص سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته در پروژه‌های متعددی در صنایع ایران - نفت، گاز، پتروشیمی، انرژی خورشیدی، خط اعتباری مالی و معادن - را به بحث می‌گذاریم (سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌های حمل‌ونقل در فصل بعدی بررسی می‌شوند). این فصل را با جمع‌بندی مختصری به پایان خواهیم برد.

۱. ترسیم و پیاده‌سازی راهبرد رفتن به جهان

در فصل قبلی گفتیم که اقتصاد چین از سال ۱۹۷۸ دست‌خوش تغییرات شگرفی شده است. اولین مرحله‌ی استحاله‌ی سرمایه‌داری چین با آزادسازی اقتصادی و ادغام اقتصاد ملی در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی آغاز شد. این تحول و دگرگونی به‌میانجی دو سیاست درهم‌تنیده قوام گرفتند: (۱) «استقبال از ورود به داخل» و (۲) «رفتن به خارج». مراد از نکته‌ی نخست فرایند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. این کار به مدد شکل‌گیری انباشت سرمایه داخلی، اجرای سیاست‌های نولیبرالی از رهگذر کنترل دولتی بر آن و پیشرفت فناوری تسهیل می‌شود. پسامد این سازوکارها تقویت مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری و گره‌خوردن اقتصاد چین به اقتصاد جهانی بوده است. به محض این‌که اقتصاد داخلی کم‌وبیش به حد «اشباع» رسید و کارمایه‌ی کافی برای جذب کل سرمایه‌ی انباشته نداشت، بورژوازی چین و دولت حاکم به‌منظور دستیابی به سود بیشتر و بیشینه‌سازی انباشت سرمایه، به ضرورت گسترش راهبرد سیاست‌های جهانی‌سازی تحت فرماندهی مستقیم دولت پی‌برده و آن را در پیش گرفتند. از این‌رو، زمان آن فرا رسیده بود تا استراتژی رفتن به‌سوی جهان را اعلام و اجراسازی

کنند.^{۱۶۳} عملیاتی‌سازی این سیاست‌ها هم‌پا بود با پیشبرد راهبرد «رفتن به بیرون» (Going Out) از سوی طبقه‌ی حاکم و بنگاه‌های اقتصادی چین برای ژرفابخشیدن و گسترش دسترسی به بازارهای خارجی، منابع طبیعی، فناوری پیشرفته و بهره‌کشی از نیروی کار ارزان جهت انباشت سرمایه.

تشکیل حجم عظیمی از انباشت سرمایه و نسل جدیدی از شرکت‌های چندملیتی و طبقه‌ی سرمایه‌دار نوپا، با پیاده‌سازی راهبرد رفتن به جهان در سال ۲۰۰۱، تکوین و توسعه‌ی سرمایه‌داری چین را وارد فاز دوم کرد. ژو رانگ‌جی، نخست‌وزیر وقت چین (۲۰۰۳ - ۱۹۹۸)، در گزارش خود به کنگره‌ی ملی خلق در سال ۲۰۰۱ اعلام کرد که دولت چین باید «راهبرد رفتن به بیرون را به اجرا درآورد، شرکت‌های دارای مزیت نسبی را برای سرمایه‌گذاری در خارج تشویق کند،^{۱۶۴} راه‌اندازی کارخانه‌ها در خارج از کشور و با پردازش تجارت و بهره‌برداری از منابع طبیعی از طریق توافق‌نامه‌های مشارکتی مداخله نماید.»^{۱۶۵} از این‌رو، تشویق سرمایه‌گذاری در خارج توسط بنگاه‌های چینی به عنصر استراتژیک کلیدی برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دهم چین (۲۰۰۵ - ۲۰۰۱) تبدیل شد و این کشور از فرصت برای ادغام و اثربخشی آن بر واقعیت اقتصاد سرمایه‌داری جهانی استفاده کرد.^{۱۶۶}

در راستای همین سیاست‌ها، ون، نخست‌وزیر وقت چین، در ابتدای دهه‌ی ۲۰۱۰ تصریح می‌کند که: «ما اجرای راهبرد رفتن به جهان را تسریع کرده، سیاست‌های حمایتی مربوطه را بهبود بخشیده، روش‌های بررسی و تأیید را ساده‌سازی کرده و به شرکت‌ها و افراد واجد شرایط برای سرمایه‌گذاری در خارج از کشور مساعدت ارائه خواهیم کرد. ما مشوق شرکت‌هایی هستیم که در سطح بین‌المللی به‌صورت فعال و درعین‌حال منظم فعالیت کنند. ما راهنمایی‌های کلان در خصوص

¹⁶³ Li, "China's," 32.

¹⁶⁴ Zhu Rongji, "Report on the Outline of the Tenth Five-Year Plan for National Economic and Social Development (2001)," the National People's Congress (NPC) of the People's Republic of China.

¹⁶⁵ "China to Open Wider to Outside World", Embassy of the People's Republic of China in the Republic of Lithuania.

¹⁶⁶ Rongji, "Report,".

سرمایه‌گذاری خارج از کشور را تقویت می‌کنیم، سازوکارهای برانگیختن و محافظت از آنها را بهبود می‌بخشیم و آنها را در مقابل ریسک‌های سرمایه‌گذاری محافظت می‌کنیم.»^{۱۶۷} در نتیجه، طی دو دهه‌ی اخیر سرمایه‌گذاری خارجی چین به‌میزان درخور توجهی شتاب گرفته، به‌طوری که به مقام سومین سرمایه‌گذار خارجی بزرگ جهان ارتقا یافته است. این یک نقطه‌عطف تاریخی است که در آن شرکت‌ها و بنگاه‌های چینی از یک تولیدکننده‌ی صرف به سرمایه‌گذاران پر قدرت جهانی در حوزه‌ی سرمایه‌ی مالی گذار کرده‌اند.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در گذر زمان

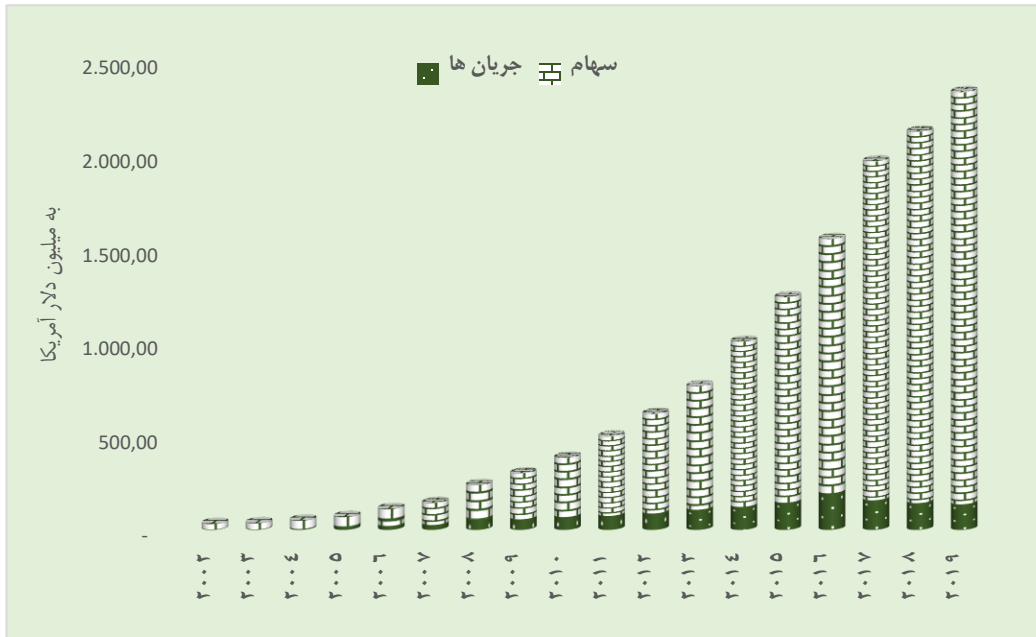
هرچند هجوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به چین در طول دهه‌ی ۱۹۹۰ به‌میزان درخور نگرشی افزایش یافت، منتها آغاز قرن بیست‌ویکم لحظه‌ی تاریخی در صدور سرمایه‌ی چین به جای‌جای جهان بود. در نمودار ۱-۴ نشان داده‌ایم که مجموع کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (جریان و سهم) ۷۰ برابر، یعنی از ۳۲.۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۲.۳۳۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ و افزایش یافته است. میانگین نرخ رشد جریان‌ات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ به ۴۳.۵ درصد رسید. درحالی‌که چین در سال ۲۰۰۲ تقریباً پنجم‌دهم (۰.۵) درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی جهان و حدود ۵ درصد از کشورهای درحال توسعه را به خود اختصاص داده است، این میزان یک دهه بعد، در سال ۲۰۱۱ به‌ترتیب به ۳.۸ درصد و ۱۷ درصد افزایش یافت.^{۱۶۸} همچنین رتبه‌ی جهانی چین از ۵.۲ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۱۳.۵ درصد در سال ۲۰۱۶ ارتقا یافت و پس از کاهشی در سال بعد، در سال ۲۰۱۸ با ۱۴.۱ درصد به نقطه اوج خود رسید. این سهم در سال ۲۰۱۹ تا سطح ۱۰.۴ درصد نزول یافت. با وجود این، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در قیاس با

¹⁶⁷ Wen Jiabao, "Report on the Work of the Government", People's Daily Online, March 16, 2012,

¹⁶⁸ "Foreign direct investment, outflows by countries," UNCTD.

رتبه‌ی بیست‌وششمین در سال ۲۰۰۲، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ به رتبه‌ی دوم جهان صعود کرد. شرکت‌های چین در سال ۲۰۱۹ در ۱۸۸ کشور جهان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و جریان و سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آن به ترتیب ۱۰ و ۶.۴ درصد از کل جهان را به خود اختصاص داده است.^{۱۶۹}

در سال ۲۰۰۵، شرکت‌های چینی در بیش از ۱۶۰ کشور در مناطق مختلف سرمایه‌گذاری کردند. از لحاظ توزیع منطقه‌ای، آسیا مقصد اصلی آن بود، پس از آن آمریکای لاتین (۲۰ درصد)، آفریقا (۳ درصد)، اروپا (۳ درصد)، آمریکای شمالی (۲ درصد) و اقیانوسیه (۱.۵ درصد) به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفتند. در عرصه‌ی توزیع بر اساس صنعت، مقاصد اصلی سرمایه‌گذاری‌ها منابع انرژی (به‌خصوص نفت)، تجارت بین‌المللی، کشتیرانی، قراردادهای بین‌المللی، معدن و تولید بود.^{۱۷۰}



نمودار ۱-۴. مجموع کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (جریان و سهم) طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹. منبع: محاسبات نویسنده بر اساس بولتن آماری ۲۰۱۹ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (وزارت بازرگانی).

¹⁶⁹ Ministry of Commerce of China (MCC), 2019 statistical bulletin of China's outward foreign direct investment. Beijing: China Business Press, 2020), 90.-94

¹⁷⁰ Li. "China's," 59.

در سال ۲۰۱۴ حدود ۷ درصد از این سرمایه‌گذاری‌ها به اقتصادهای در حال توسعه سرازیر شد.^{۱۷۱} سهم آسیا در سال ۲۰۱۹ تا سطح ۸۰ درصد ترقی کرد، پس از آن اروپا (۷.۷ درصد)، آمریکای لاتین (۴.۷ درصد)، آمریکای شمالی (۳.۲ درصد)، آفریقا (۲ درصد) و اقیانوسیه (۱.۵ درصد) از این سرمایه‌ها را جذب خود کردند. در این چارچوب، ایران به مقصد مهمی برای سرمایه‌گذاری خارجی چین در منطقه‌ی خاورمیانه تبدیل شد.

۲. گسیل سرمایه‌ی چین به ایران

۲/۱. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

پس از سقوط رژیم شاه و قبضه‌ی قدرت سیاسی توسط جمهوری اسلامی از درون انقلاب ۵۷، آشفتگی سیاسی و تحولات حادث‌شده در اقتصاد سیاسی ایران به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران منتج گردید. دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی از سال‌های ۱۳۶۸ به این سو - به موازات اتخاذ و اجرای سیاست‌های اقتصادی نولیبرال مطابق با دستورالعمل‌های تجویزی نهادهای مالی بین‌المللی (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) - شرایط نسبتاً مساعدتری برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران فراهم آورد.^{۱۷۲} با پذیرفتن سیاست جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سوی سران جمهوری اسلامی و تصویب «قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری - صنعتی» در شهریور ۱۳۷۲،^{۱۷۳} پس از وقفه‌ای طولانی به مدت پانزده سال، سرمایه‌گذاری خارجی در کشور مورد توجه قرار گرفت، اما هم‌چنان بسیار پایین باقی ماند. بعد از کش‌وقوس‌های طولانی، «قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری

¹⁷¹ Dic Lo, "Perspectives on China's Systematic Impact on Late Industrialization: A Critical Appraisal," SOAS, University of London, July 01, 2018.

^{۱۷۲} این موضوع را به تفصیل در دو نوشتار دیگر بررسی کرده‌ام: سعیدی، حامد. اقتصاد سیاسی حضور سپاه پاسداران در صنعت نفت و گاز ایران (۲۰۲۰) در نقد اقتصاد سیاسی؛ و سرشت‌نشان‌های نولیبرالیسم در ایران (۲۰۲۱) در نقد اقتصاد سیاسی.

^{۱۷۳} «قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران». مصوبات مجلس شورا.

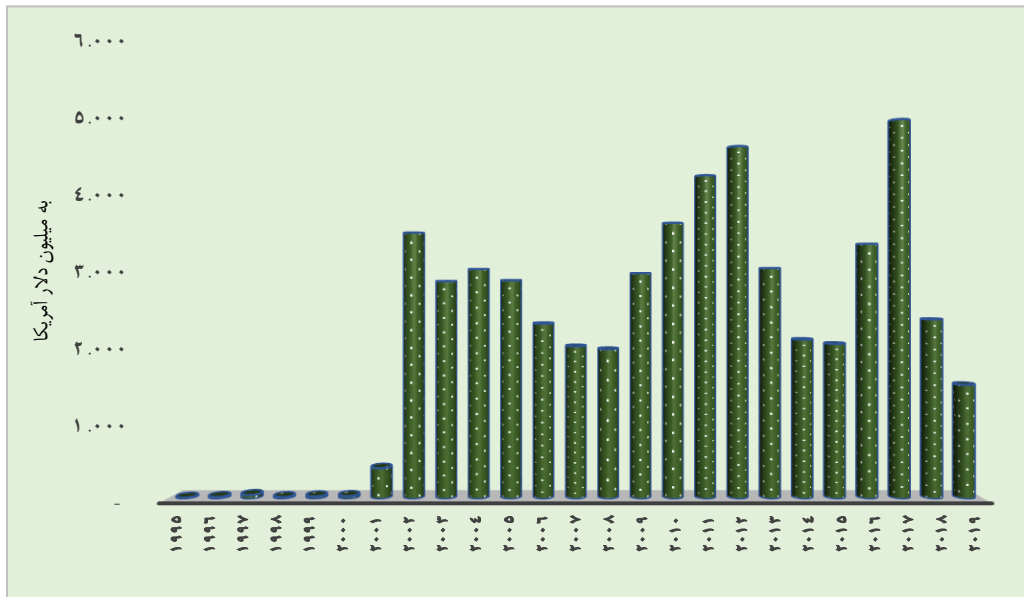
خارجی» در اسفند ۱۳۸۰ در مجلس به تصویب رسید.^{۱۷۴} این نیز سرانجام پس از دو دهه موضوع سرمایه‌گذاری خارجی را به صورت قانونی و رسمی در صدر برنامه‌های دولت قرار داد و به تغییر چشم‌گیری در میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران انجامیده است. همان‌طور که در نمودار ۲-۴ نمایان است، جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران نوسانات شدیدی را از سر گذرانده است. مجموع این سرمایه‌گذاری‌ها از ۱۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴ش) به بیش از ۳.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱ش) افزایش یافت. پس از کاهش تدریجی ۴۰ درصدی، در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷ش) به ۱.۹ میلیارد دلار تنزل یافت. این روند دوباره در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱ش) تا سطح ۴.۷ میلیارد دلار بالا رفت. این سیر افت‌وخیز که عمدتاً برآیند تحریم‌های بین‌المللی در دوره‌های مختلف بوده، به‌طور پیوسته تاکنون استمرار داشته است. به‌تبع آن سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ تا حدود ۲ میلیارد دلار افت کرد. بیشترین میزان ورود سرمایه‌گذاری خارجی به ایران در سال ۲۰۱۷ با حدود ۵ میلیارد دلار به اوج خود رسید. این میزان بار دیگر در سال ۲۰۱۹ به ۱.۵ میلیارد دلار کاهش یافته، در حالی که این رقم در سال قبلش ۲.۴ میلیارد دلار بوده است.

میزان ورود سرمایه‌ی خارجی به ایران در قیاس با اکثر کشورهای جهان بسیار ناچیز است. به گزارش آنکتاد، سهم ایران از جذب سرمایه‌ی خارجی در سال ۲۰۱۸ تنها حدود سه‌دهم درصد جریان ورودی سرمایه‌ی خارجی جهان است.^{۱۷۵} به‌لحاظ توزیع بخشی، بخش عمده‌ی سرمایه‌ی خارجی منبع‌محور بوده، یعنی در منابع اولیه و در حقیقت در بخش انرژی فسیلی (شامل نفت، گاز و پتروشیمی) وارد شده و به‌ندرت وارد صنایع تولید شده است. و به‌لحاظ روش سرمایه‌گذاری، غالباً در قالب ترتیبات قراردادی (شامل قراردادهای بیع متقابل، BOT و غیره) بوده است. در نمودار ۳-۴ نیز به نمایش

^{۱۷۴} «قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی»، مجلس پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

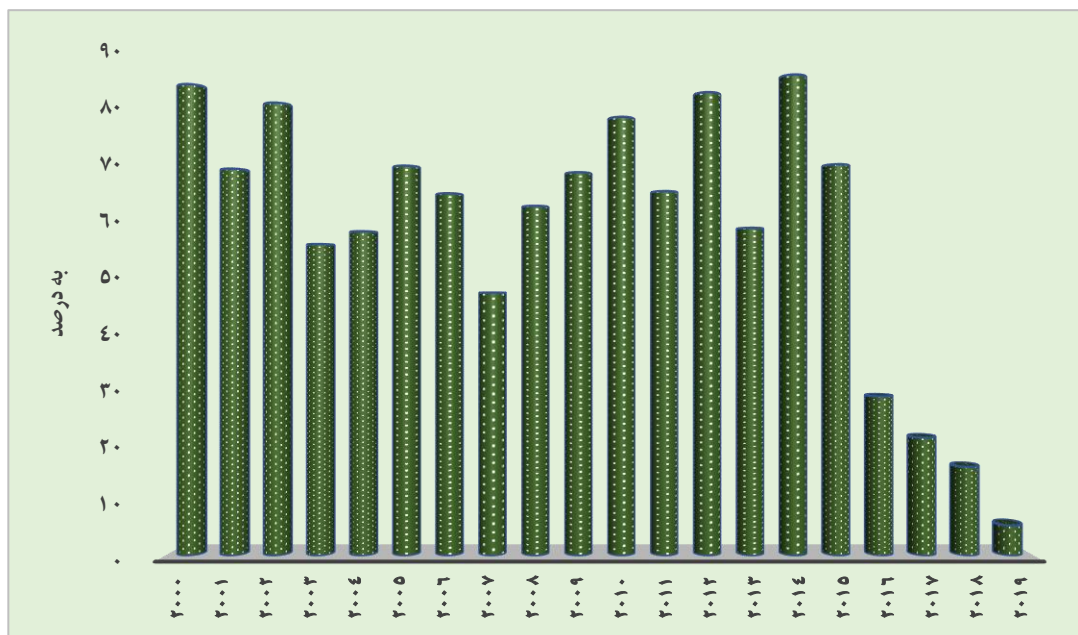
^{۱۷۵} UNCTAD. *World Investment Report 2018* (Geneva: United Nations, 2018).

گذاشته‌ایم که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، نسبت قراردادهای «بیع متقابل»^{۱۷۶} بین ۶۰ تا ۸۰ درصد در نوسان بوده و در سال ۲۰۱۹ به ۵ درصد سقوط کرده است. این نوسانات تا حدی ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی بین آمریکا و ایران و اعمال تحریم‌های سخت علیه ایران بوده که باعث شده شرکت‌های بین‌المللی نفتی از بخش انرژی ایران خارج شوند. در این بازه‌ی زمانی، سهم چین از کل ورود FDI به ایران به میزان شایان توجهی فزونی یافته است.



نمودار ۲-۴. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، خالص واردات (به قیمت جاری دلار آمریکا)، ۱۹۹۵-۲۰۱۹. منبع: محاسبات نویسنده بر اساس داده‌های بانک جهانی.

^{۱۷۶} قراردادهای بیع متقابل «قراردادهای خدماتی با قیمت ثابت/خدمات برگشتی ثابت هستند که پیمانکار هیچ گونه مالکیتی بر میدان نفتی یا گازی را ندارد و در آن یک نهاد ایرانی (مثلاً شرکت ملی نفت) برخی از جنبه‌های معین مسئولیت‌های خود را به طرف خارجی واگذار می‌کند». بنگرید به Kuhn, M, and Jannatifar, M. "Foreign Direct Investment Mechanisms and Review of Iran's Buy-Back Contracts: How Far Has Iran Gone and How Far May It Go?" *Journal of World Energy Law & Business* 5, no. 3 (2012): 207-34.

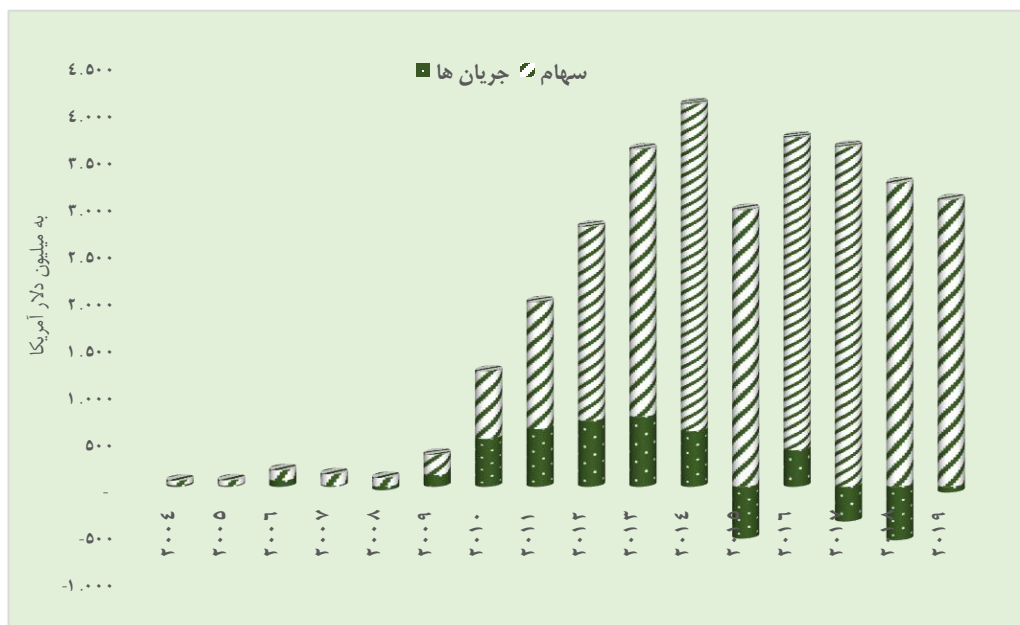


نمودار ۳-۴. نسبت قراردادهای بیع متقابل در بخش نفت و گاز از کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران، ۲۰۰۰ - ۲۰۱۹. منبع: محاسبات نویسنده بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران.

۲/۲. سرمایه‌گذاری خارجی چین در ایران

هجوم سرمایه‌ی چین به ایران، نفوذش بر این کشور را به‌طور فزاینده‌ای شدت بخشید. از آنجاکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین از اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ در سطح جهانی اوج گرفت، ایران، پس از عربستان و امارات، سومین مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در منطقه‌ی خاورمیانه شده است (به پیوست III بنگرید). در نمودار ۴-۴ نشان داده‌ایم که در طول سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹، کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (جریان و سهام) به ایران تقریباً ۳۰ میلیارد دلار بوده است. ولو این‌که این میزان بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ کمتر از ۳۵۰ میلیون دلار بوده، اما در سال‌های بعد به تدریج شتاب گرفت و به ۱.۲۲۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱، در حدود ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ و به بیش از ۲.۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت. در سال ۲۰۱۱، ایران در در مقام دوازدهم

مقصد سرمایه‌گذاری خارجی چین قرار داشت،^{۱۷۷} در حالی که در سال ۲۰۱۴ به جایگاه بیست‌ودوم سقوط کرد.^{۱۷۸} در خصوص سهم ایران در سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین، به‌رغم این که حجم کل سرمایه‌گذاری چین به‌طور مداوم در حال افزایش بوده، ایران در سال ۲۰۱۱ در رتبه‌ی بیست‌ودوم^{۱۷۹} و در سال ۲۰۱۴ در رتبه بیست‌وسوم قرار گرفت.^{۱۸۰} ورود سرمایه‌گذاری چین به ایران در سال ۲۰۱۴ با بیش از ۴ میلیارد دلار به نقطه‌ی اوج خود رسید. این روند در سال ۲۰۱۵ تا حد ۲.۴ میلیارد دلار افت کرد و پس از یک بهبود نسبی در سال ۲۰۱۶ (۳.۷ میلیارد دلار)، به‌تدریج روند نزولی به‌خود گرفت و به کمتر از ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ فروکش کرد.



نمودار ۴-۴. ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (جریان و سهم) به ایران طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹. منبع: محاسبات نویسنده بر اساس بولتن آماری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین، سال‌های مختلف.

¹⁷⁷ Ministry of Commerce of China, *2014 Statistical Bulletin of Outward Foreign Direct Investment* (Beijing: China Statistics Press, 2014), 131.

¹⁷⁸ Ministry of Commerce of China, *2011 Statistical Bulletin of Outward Foreign Direct Investment* (Beijing: China Statistics Press, 2012), 74.

¹⁷⁹ Ministry of Commerce, *2011 Statistical*, 79-83.

¹⁸⁰ Ministry of Commerce, *2014 Statistical*, 136-140.

اسماعیل محصولی، قائم‌مقام وزیر نیرو، با اشاره به توافق بزرگ اقتصادی و صنعتی ایران و چین در سال ۱۳۹۳ اعلام کرد که «حجم فاینانس‌های چینی از ۲۳ میلیارد دلار به بیش از ۵۰ میلیارد دلار برای تأمین مالی کل پروژه‌های صنعتی، عمرانی و اقتصادی کشور افزایش یافت.»^{۱۸۱} همچنین آمارهای منتشرشده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) در سال ۱۳۹۹ بیانگر آن است که بیش از ۲ میلیارد و ۴۶۹ میلیون دلار درخواست سرمایه‌گذاری خارجی در کشور تصویب شده است. این میزان از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب مربوط به ۱۵۸ فقره طرح و پروژه است که از این نظر در هم‌سنگی با سال ۱۳۹۸ رشد ۹۲ درصدی را نشان می‌دهد. بر پایه‌ی داده‌های اعلام شده، چین با ۵۴۳ میلیون دلار، آلمان با ۴۸۶.۹ میلیون دلار، امارات متحده‌ی عربی با ۳۶۳.۷ میلیون دلار، کانادا با ۲۷۱.۶ میلیون دلار و اتریش با ۱۱۶ میلیون دلار به ترتیب پنج کشور برتر سرمایه‌گذار در ایران بوده‌اند.^{۱۸۲}

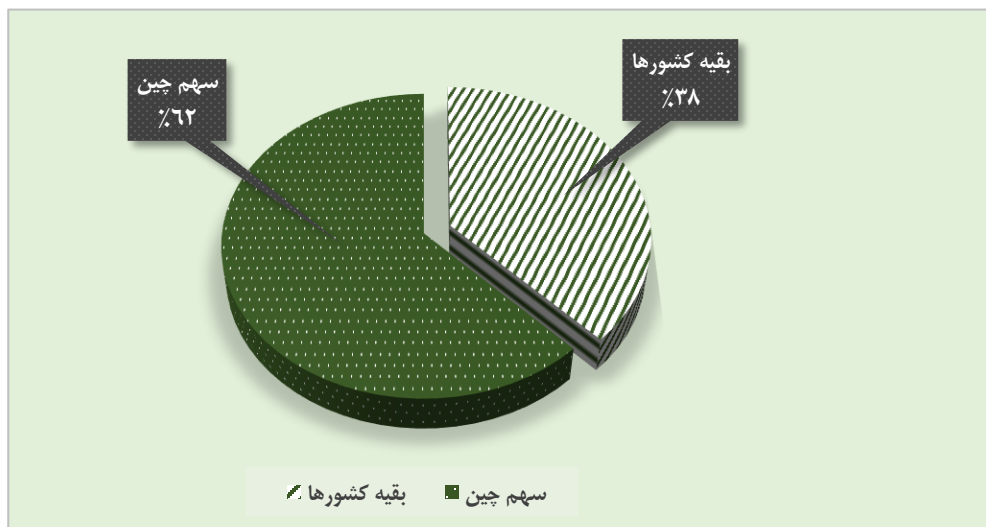
همان‌طور که در نمودار ۵-۴ مشاهده می‌کنید، کل ورود سرمایه‌ی چین به ایران از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹ حدود ۶۲ درصد از مجموع کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در ایران را به خود اختصاص داده است. هرچند آمارهای بانک جهانی و وزارت بازرگانی چین تا حدودی ناهم‌سان هستند، اما می‌توان تخمین زد که چین طی دو دهه‌ی اخیر به بزرگ‌ترین منبع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تبدیل شده است. در واقع نشان از این دارد که ایران در این زمینه تا چه حد به چین وابسته و متکی است. علاوه بر این به‌لحاظ توزیع بخشی سرمایه‌گذاری چین در ایران، نتایج و آمارها نشان‌دهنده‌ی

^{۱۸۱} «اولین فاینانس پتروشیمی با چین باز شد»، جهان نیوز.

^{۱۸۲} «رشد ۹۲ درصدی سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۹۹»، اقتصاد نیوز.

اولویت و علاقه‌ی چین به تأمین مقتضیات اقتصادی داخلی‌اش است، که فوریت دسترسی به منابع اولیه را در راستای افزایش رشد اقتصادی‌اش را تشدید و تعمیق می‌کند. بر اساس گزارش مؤسسه‌ی کارفرمایی آمریکایی، سرمایه‌گذاری چین در ایران به بخش‌های انرژی، حمل‌ونقل، فلزات، خدمات عمومی، صنایع شیمیایی و املاک و مستغلات اختصاص داده شده است.

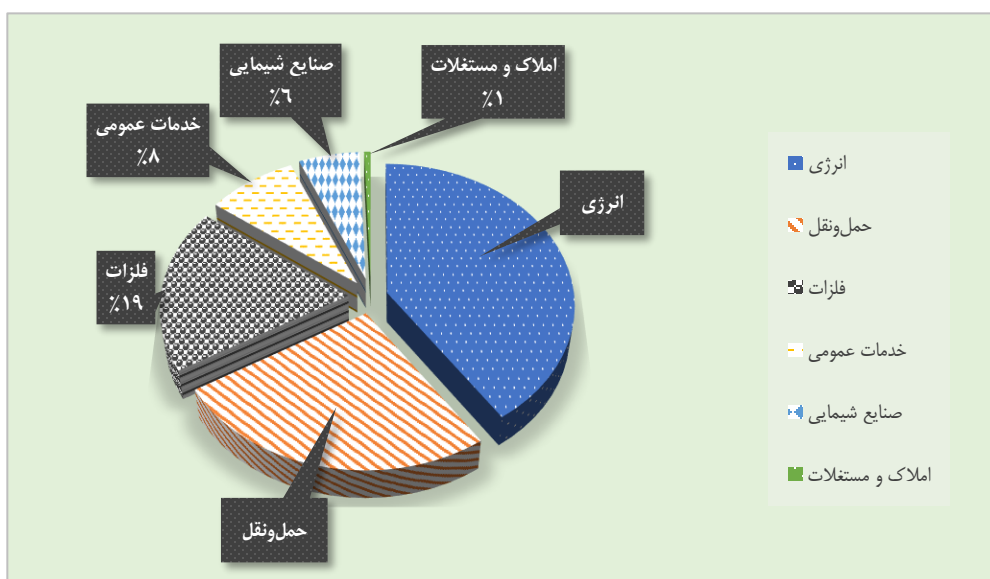
افزایش سرسام‌آور مصرف انرژی توسط چین در میزان سرمایه‌گذاری این کشور در بخش انرژی ایران نیز بازتاب یافته است. آن‌طور که در نمودار ۶-۴ نیز قابل مشاهده است، بخش «انرژی» بزرگ‌ترین برش (۴۰ درصد) از کیک سرمایه‌گذاری چین در صنایع ایران را از آن خود کرده است. در جایگاه دوم، بخش حمل‌ونقل با ۲۶ درصد (که در فصل بعدی به آن خواهیم پرداخت)، سپس بخش‌های فلزات (۱۹ درصد)، خدمات عمومی (۸ درصد)، صنایع شیمیایی (۶ درصد) و املاک و مستغلات (۱ درصد) قرار دارند.



نمودار ۵-۴. نسبت سهم چین از کل سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹.

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس آمار نمودارها ۲-۴ و ۴-۴.

ملاحظه: لازم به ذکر است که آمارهای بانک جهانی و وزارت بازرگانی چین به‌تمامی باهم منطبق نیستند.

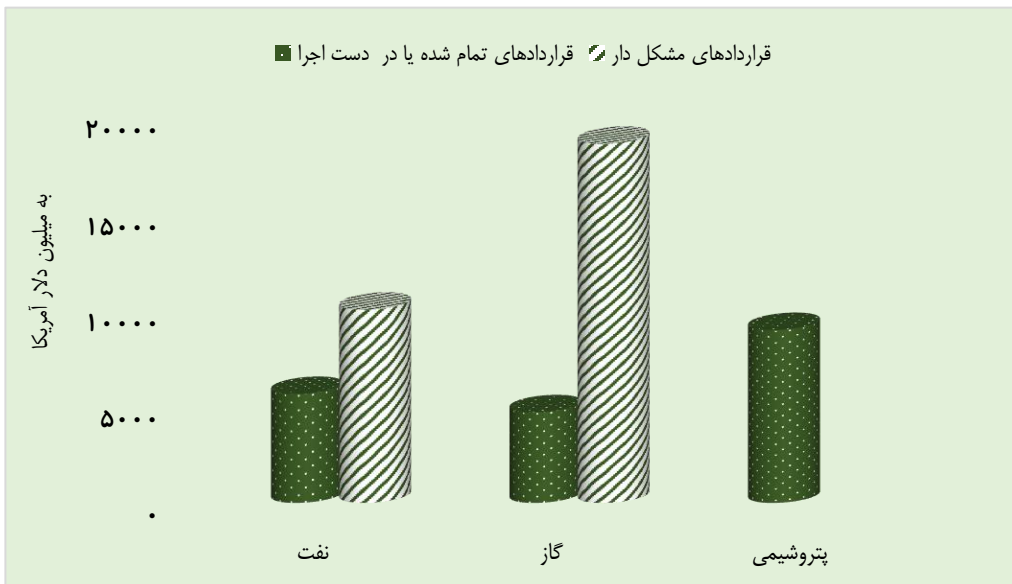


نمودار ۶-۴. توزیع بخشی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹.

منبع: محاسبات نویسنده بر اساس آمارهای AEI (ردیاب سرمایه‌گذاری جهانی چین).

۲/۳. سرمایه‌گذاری چین در طرح و پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی

اگر موقتاً تصویری کلی از آن ارائه کنیم، شرکت‌های چینی در مجموع بیش از ۴۱ میلیارد معاملات در حوزه‌ی سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی ایران انجام داده است (به نمودار ۴-۷ و جدول ۴-۱ بنگرید). در مقام مقایسه، بخش پروژه‌های گازی با بیش از ۲۳ میلیون دلار برای سه فقره قرارداد گازی در جایگاه نخست قرار گرفته است که از این میزان، دو پروژه‌ی آن به ارزش حدوداً ۱۸.۶ میلیارد دلار با موانع مواجه گردید و قراردادهای آن فسخ شدند. در جایگاه دوم، بخش نفت با ۱۲ فقره قرارداد نفتی در بخش بالادستی و پایین‌دستی حدوداً ۱۵.۶ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده، که کمی بیش از ۱۰ میلیارد دلار آن شامل قراردادهای مشکل‌دار است. قراردادهای متعلق به پروژه‌های بخش پتروشیمی در جایگاه سوم قرار دارند که ارزش آن‌ها نزدیک به ۹ میلیارد دلار است. جزئیات مربوط به این قراردادها را در ذیل بخش‌های بعدی واری و ارائه خواهیم کرد.



نمودار ۴-۷. توزیع ارزشی میزان سرمایه‌گذاری‌های چینی در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی.
منبع: محاسبات نویسنده بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده که در بخش ۳-۵ ارائه شده‌اند.

جدول ۱-۴. قراردادهای چین در پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

بخش نفت

شماره	تاریخ انعقاد قرارداد	پروژه	پیمانکار(ها)	طرف ایران	ارزش ** (به میلیون دلار)	نوع قرارداد	سرنوشت قرارداد
۱	مرداد ۱۳۷۹	حفاری نوزده حلقه چاه	CNPC	NIOC	۸۵	X	-
۲	دی ۱۳۷۹	بلوک زواره - کاشان	ساینوپک سنگلی	-	۶۵	X	-
۳	۱۳۸۰	قرارداد نفتی	CNPC	NIOC	۱۳	X	-
۴	تیر ۱۳۸۸	میدان نفتی آزادگان شمالی	CNPC	NIOC	۲۵۵۰	بیع متقابل	-
۵	آذر ۱۳۹۶	میدان یادآوران (فاز یک)	ساینوپک	NIOC	۲۰۰۰*	بیع متقابل	-
۶	اردیبهشت ۱۳۸۴	لرزه نگاری در بلوک کوه‌دشت	CNPC	-	۸۷,۵	X	-
۷	خرداد ۱۳۸۵	بلوک گرمسار	ساینوپک	NIOC	۱۹,۶۱	X	قرارداد در سال ۹۵ فسخ شد
۸	۱۳۸۸	میدان آزادگان جنوبی (فاز یک)	CNPC	NIOC	۲۵۰۰	بیع متقابل	در اردیبهشت ۹۳ شرکت چینی کنار گذاشته شد.
۹	فروردین ۱۳۸۹	پالایشگاه آبادان	ساینوپک اینترناشیونال	ODCC	۲۵۵۰	EPC	۸۵٪ سهم چین و ۱۵٪ سهم ایران
۱۰	۱۳۹۹	پالایشگاه نفت اصفهان	کنسرسیوم SEI	NIORDC	۲۵۰۰	خط اعتباری	شرکت چینی از پروژه کنار گذاشته شد.
۱۱	مرداد ۱۳۹۵	میدان یادآوران (فاز دوم)	ساینوپک	NIOC	۳۰۰۰	بیع متقابل	-
۱۲	شهریور ۱۳۹۵	میدان مسجدسلیمان (فاز ۱ و ۲، و طرح ازدیاد برداشت نفت)	CNPC	NIOC	۳۰۰	بیع متقابل	-
۱۵۶۷۰.۱۱						مجموع کل	

بخش گاز

شماره	تاریخ انعقاد قرارداد	پروژه	پیمانکار(ها)	طرف ایران	ارزش (به میلیون دلار آمریکا)	نوع قرارداد	سرنوشت قرارداد
۱	اسفند ۱۳۸۶	میدان گازی پارس شمالی	سینوک	شرکت نفت و گاز پارس	۱۶۰۰۰	بیع متقابل	در مهر ۹۰ تعلیق شد
۲	اسفند ۱۳۸۷	کارخانه ایران ال.ان.جی (فاز دوم)	سینوک	شرکت گاز مایع ایران	۲۶۲۵	X	در شهریور ۹۱ تعلیق شد
۳	خرداد ۱۳۸۸	فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی	CNPC	NIOC	۴۷۰۰	X	در خرداد ۹۱، این شرکت از پروژه خارج شد
مجموع کل						۲۳۳۲۵	

بخش پتروشیمی

شماره	تاریخ انعقاد قرارداد	پروژه	پیمانکار(ها)	طرف ایران	ارزش (به میلیون دلار آمریکا)	نوع قرارداد	سرنوشت قرارداد
۱	آذر ۱۳۹۲	پتروشیمی گچساران	NIPIC		۳۷۵	X	
۲	اردیبهشت ۹۳	پتروشیمی صدف	-		۱۰۲	EPC+F	
۳	خرداد ۱۳۹۳	پتروشیمی گاز بوشهر (الفین ۱۶)	CATIC		۲۵۰۰	X	
۴	بهمن ۱۳۹۳	پتروشیمی سبلان	CPECC		۴۰۶	X	
۵	اردیبهشت ۹۵	پتروشیمی مهران	CNTIC	پتروسامان فراگستر	۱۴۰۳		۸۵٪ توسط شرکت چینی و ۱۵٪ توسط شرکت ایرانی
۶	بهمن ۱۳۹۵	پتروشیمی مسجدسلیمان	ووهان	پتروپالایش مسجدسلیمان	۳۶۰۰	X	
۷	تیر ۱۳۹۶	پتروشیمی لردگان	-		۵۸۰	X	
مجموع کل						۸۹۶۶	

* اسامی پروژه‌ها و ارزش قراردادهایی که به رنگ قرمز آمده‌اند، قراردادهای مشکل‌دار (تعلیق‌شده و یا فسخ‌شده) هستند.

** در این جداول ارزش اولیه‌ی قراردادها و سرمایه‌گذاری به ارزهای دیگر (ریال، تومان و یورو) را به دلار تبدیل کرده‌ایم. این تغییر با استفاده از این وبسایت

(<https://www.xe.com/currencytables/>) و بر اساس نرخ ارز در تاریخی که قرارداد انعقاد شده، صورت گرفته است.

صنعت نفت

اولین سرمایه‌گذاری چین در صنعت انرژی فسیلی ایران، با قرارداد اکتشاف نفت و گاز در سال ۱۳۷۶ آغاز شد.^{۱۸۳} به دنبال آن، در مردادماه ۷۹ (برابر با اوت ۲۰۰۰) شرکت ملی نفت ایران (که علامت اختصاری انگلیسی آن NIOC است) قرارداد ۸۵ میلیون دلاری با شرکت ملی نفت چین (CNPC)، به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده و تأمین‌کننده‌ی شرکت دولتی نفت و گاز چین، برای حفاری نوزده حلقه چاه در میداین گاز طبیعی موجود در جنوب ایران امضا کرد. در سال ۱۳۸۰ نیز یک قرارداد نفتی ۱۳ میلیون دلاری بین NIOC و CNPC در سال ۲۰۰۱ منعقد شد.^{۱۸۴}

این روند با زنجیره‌ای از توافقنامه‌های دوجانبه میان دو کشور در پروژه‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت در دو دهه‌ی گذشته همراه بوده است. قرارداد اکتشاف نفت در بلوک زواره - کاشان در دی‌ماه ۷۹ بین ایران و شرکت نفت و پتروشیمی چین (ساینوپک سنگلی) به امضا رسید. اگرچه شرکت ساینوپک چین به‌عنوان پیمانکار پروژه، تعهد کرده بود تا ۳۶ میلیون دلار در این بلوک سرمایه‌گذاری کند،^{۱۸۵} اما به گزارش شانا، این شرکت با هزینه و ریسک خود، ۶۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرد. هرچند سرانجام با وجود صرف هزینه و فوران نفت از آن، با توجه به معیارهای شرکت ملی نفت ایران این بلوک تجاری تشخیص داده نشد.^{۱۸۶} پروژه‌ی بعدی توسعه‌ی میدان نفتی آزادگان شمالی، یکی از بزرگ‌ترین میداین نفتی ایران، واقع در غرب اهواز، بود. در دی‌ماه ۸۲، شرکت ملی نفت ایران و شرکت چینی CNPCI، زیرمجموعه‌ی CNPC، برای اجرای عملیات فاز نخست توسعه‌ی این میدان به تفاهم‌نامه‌ای دست یافتند. سرانجام قرارداد توسعه‌ی میدان آزادگان

¹⁸³ Ali Sotoudehfar, "On the Status of Iran's Oil Trade with China in Pre- Nuclear Deal," School of Economics, Renmin University of China,

¹⁸⁴ Garver, *China and Iran*, 266-69.

^{۱۸۵} «عملیات اکتشاف نفت و گاز در بلوک کاشان تا زواره آغاز می‌شود». ایرنا؛ «در نزدیک کاشان نفت سبک کشف شد»، بی‌بی‌سی فارسی.

^{۱۸۶} «جذب بیش از یک میلیارد دلار سرمایه با انعقاد قرارداد ۱۵ بلوک». شانا.

شمالی در تیرماه ۸۸ در قالب «بیع متقابل» به ارزش ۲ میلیارد و ۵۵۰ میلیون دلار بین طرفین تنفیذ شد.^{۱۸۷} تهران تایمز در سال ۱۳۹۰ گزارش داد که چین قرار است ظرف مدت ۱۰ سال ۸.۴ میلیارد دلار برای توسعه میدان نفتی آزادگان سرمایه‌گذاری کند.^{۱۸۸} علاوه بر این، در خردادماه ۹۶، بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران، اعلام کرد که توسعه فاز دوم میدان نفتی آزادگان شمالی به شرکت چینی CNPC سپرده شد.^{۱۸۹} این شرکت در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد که تولید نفت خام در آزادگان شمالی را آغاز کرده است که برآورد می‌شد نزدیک به ۸۰ هزار بشکه در روز استخراج کند.^{۱۹۰}

گروه سینوپک در سال ۱۳۸۳ موافقت کرد که توسعه میدان یادآوران واقع در استان خوزستان را بر عهده بگیرد و سالانه ۱۰ میلیون تن گاز طبیعی مایع (ال.ان.جی) به مدت ۲۵ سال خریداری کند. به گزارش رویترز، شرکت ملی نفت ایران و شرکت سینوپک چین در آذرماه ۹۶ قراردادی ۲ میلیارد دلاری برای توسعه فاز نخست میدان یادآوران امضا کردند.^{۱۹۱} انعقاد این قرارداد، که بازتاب وسیعی در رسانه‌های جهان داشت، در دوره‌ای صورت گرفت که آمریکا از شرکت‌های اروپایی و آسیایی خواسته بود به منظور افزایش فشار بر ایران، معاملات خود را با ایران قطع کنند.^{۱۹۲} در ادامه، مجری طرح توسعه میدان نفتی یادآوران در تابستان ۹۵ از نهایی‌شدن طرح جامع توسعه (MDP) این میدان و واگذاری توسعه فاز دوم این طرح به شرکت چینی سینوپک خبر داد.^{۱۹۳}

^{۱۸۷} «آخرین وضعیت توسعه میدان نفتی آزادگان»، اقتصاد آنلاین؛ «صفر تا ۱۰۰ طرح توسعه میدان نفتی آزادگان شمالی»، شرکت ملی نفت ایران.

^{۱۸۸} “China to invest \$8.4b in Azadegan oilfield: official”, Tehran Times, August 27, 2011,

^{۱۸۹} «وزیر نفت: توسعه فاز دوم میدان های نفتی آزادگان شمالی و یادآوران به چین سپرده شد»، اوپل‌داک.

^{۱۹۰} Chen Aizhu, “CNPC suspends investment in Iran’s South Pars after U.S. pressure,” Reuters, December 12, 2018,

^{۱۹۱} Hafezi, Parisa. “Iran, China’s Sinopec sign oil-field deal,” DECEMBER 9, 2007; “Sinopec set to sign deal with Tehran - Business - International Herald Tribune”, The New York Times, Oct. 26, 2006.; “Times, Sinopec to develop oil field in Iran”, The New York, Dec. 10, 2007.; “\$50 billion contracts with China,” «غروب کارون چشم‌به‌راه»

سرمایه»، هفته‌نامه‌ی مشعل.

^{۱۹۲} «بازتاب گسترده امضای قرارداد نفتی ایران و چین»، شننا؛ «قراردادهای ۵۰ میلیارد دلاری با چین»، دنیای اقتصاد.

^{۱۹۳} «توسعه فاز دوم میدان یادآوران به شرکت سینوپک واگذار می‌شود»، شرکت ملی نفت ایران.

به‌رغم گزارش روزنامه‌ی وال‌استریت ژورنال در دی‌ماه ۹۷ مبنی بر پیشنهاد سه میلیارد دلاری شرکت ساینوپک برای توسعه‌ی میدان یادآوران در ازای دریافت نفت از ایران،^{۱۹۴} به گزارش روزنامه‌ی اعتماد در خردادماه ۹۹، «پس از شیوع کرونا در چین و پس از رسیدن این بیماری به مرزهای ایران، این شرکت میدان نفتی را ترک کرده و تاکنون هیچ پولی به شرکت‌های ایرانی حاضر در میدان‌های نفتی یادآوران نداده است.»^{۱۹۵} همچنین خبرگزاری مهر در آبان‌ماه ۹۹ گزارش داد که «قرارداد توسعه‌ی این میدان به نحوی نوشته شده بود که فاز دوم توسعه آن نیز به شرکت ساینوپک چین واگذار شود که این واگذاری متوقف شد اما مذاکرات قطع نشده است.»^{۱۹۶}

ایضاً، در اردیبهشت‌ماه ۸۴ ایران قرارداد ۸۷.۵ میلیون دلاری با شرکت چینی CNPC برای انجام ۳۰۰ کیلومتر لرزه‌نگاری دو بعدی، ۲۰۷ کیلومتر مربع لرزه‌نگاری سه بعدی و ۱ حلقه چاه اکتشافی در بلوک کوه‌دشت منعقد کرد.^{۱۹۷} به دنبال، در خردادماه ۸۵ قرارداد بلوک گرمسار بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت چینی ساینوپک برای انجام عملیات اکتشاف و توسعه‌ی نفت و گاز به امضای طرفین رسید. حداقل تعهد بودجه‌ای پیمانکار در این قرارداد نیز مبلغ ۱۹.۶۱ میلیون دلار و مدت آن برای عملیات اکتشاف چهار سال است.^{۱۹۸} با این حال به گزارش خبرگزاری مهر این بلوک اکتشافی که قرارداد آن به ارزش تقریبی ۵۰ تا ۷۰ میلیون دلار امضا شده بود، با گذشت ۱۰ سال از امضای آن، قرارداد آن در سال ۹۵ به دلیل عدم اخذ مجوزهای

^{۱۹۴} «China offers Iran \$3bn oilfield deal despite U.S. sanctions: Wall Street Journal,» Tehran Times, January 18, 2019,

^{۱۹۵} «ضد و نقیض‌های خودکشی در میدان نفتی یادآوران»، روزنامه‌ی اعتماد، شماره ۴۶۶۷، ۱۳۹۹، شنبه ۲۴ خرداد.

^{۱۹۶} «توسعه فاز ۲ و ۳ میدان مشترک یادآوران در ابهام»، خبرگزاری مهر.

^{۱۹۷} «قرارداد اکتشاف و توسعه دو بلوک «ساره» و «کوه‌دشت» نهایی شد»، شاننا؛ «سرمایه‌گذاری ۳۵۰ میلیون دلاری برای توسعه بلوک‌های اکتشافی کشور»، شرکت نفت مناطق مرکزی ایران.

^{۱۹۸} «قرارداد اکتشاف و توسعه بلوک گرمسار بین ایران و چین امضا شد»، ایسنا.

زیست‌محیطی به صورت نیمه‌کاره فسخ شد. مطابق با این قرارداد تمامی هزینه‌های عملیات اکتشاف در بلوک گرمسار شامل لرزه‌نگاری، زمین‌شناسی و حفاری دو حلقه چاه اکتشافی به عهده‌ی پیمانکار بود.^{۱۹۹}

پس از فسخ قرارداد با شرکت ژاپنی، در سال ۱۳۸۸ قرارداد توسعه‌ی میدان آزادگان جنوبی به ارزش ۲.۵ میلیارد دلار در قالب بیع متقابل میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی نفت چین امضا شد و عملیات اجرایی این طرح از شهریورماه ۹۱ آغاز شد.^{۲۰۰} لیکن، پس از پنج‌سال از انعقاد قرارداد، شرکت ملی نفت ایران در اردیبهشت‌ماه ۹۳ شرکت چینی CNPCI را به دلیل «وقت‌کشی» از توسعه‌ی آزادگان جنوبی کنار گذاشت.^{۲۰۱} در واقع، تحریم‌های بین‌المللی را می‌توان مهم‌ترین دلیل تعلل شرکت چینی از توسعه‌ی این میدان برشمرد.

«انرژی امروز» در سال ۱۳۹۵ گزارش کرد که «از حدود ۷ سال قبل تاکنون مذاکرات متعددی بین شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و شرکت فاینانسور چینی SEI برای تأمین منابع مالی طرح بهبود فرایند و بهینه‌سازی پالایشگاه نفت اصفهان آغاز شد و قرار بود در مرحله‌ی اول این شرکت چینی فاینانسی به ارزش ۲ تا ۲.۵ میلیارد دلار برای این پروژه‌ی نفتی ایران بازگشایی کند. با این حال، شرکت چینی هرگز به تعهدات خود عمل نکرد و به دلیل «وقت‌کشی» از پروژه کنار گذاشته شد. سرانجام، ایران با شرکت دایلم کره‌ی جنوبی برای مشارکت و تأمین منابع مالی طرح بهبود فرایند و بهینه‌سازی پالایشگاه نفت اصفهان تفاهم‌نامه‌ی همکاری امضا کرد.^{۲۰۲}

^{۱۹۹} «توافق دوجانبه نفتی ایران-چین/ قرارداد اکتشافی چینی‌ها فسخ شد»، خبرگزاری مهر.

^{۲۰۰} «آخرین اخبار از میدان نفتی مشترک آزادگان»، ایسنا.

^{۲۰۱} «چینی‌ها و ماجرای توسعه آزادگان جنوبی»، شانا.

^{۲۰۲} «خلع ید از دومین شرکت چینی در صنعت نفت»، انرژی امروز.

علاوه بر این، در بهار ۱۳۸۹ توافقنامه‌ای برای توسعه و تثبیت پالایشگاه آبادان، اولین پالایشگاه ساخته‌شده در ایران، با ۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شرکت چینی ساینوپک اینترنشنال پترولیوم با همکاری شرکت طراحی و ساختمان نفت ایران منعقد شد.^{۲۰۳} طبق این قرارداد، تأمین مالی قرارداد EPC از خط اعتباری ایران - چین به صورت ۸۵ درصد سهم فاینانسور چینی و ۱۵ درصد سهم کارفرمای ایرانی (شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران) انجام خواهد شد. این قرارداد «بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری پسابرجامی در پالایشگاه آبادان» نام گرفت.^{۲۰۴} خبرگزاری‌های ایران در شهریورماه ۹۵ در حالی از دوران پسابرجام برای بازگشت شرکت‌های بزرگ نفت و گاز جهان یاد می‌کردند که شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های چینی CNPCI برای توسعه‌ی میدان مسجدسلیمان^{۲۰۵} به توافق رسیده بودند. به گزارش «میز نفت» اولین قرارداد میان ایران و این شرکت چینی برای طرح توسعه‌ی میدان نفتی مسجدسلیمان به سال ۱۳۸۶ برمی‌گردد. در این گزارش آمده است که «فعالیت‌های اجرایی طرح توسعه‌ی میدان نفتی مسجد سلیمان در بخش قرارداد بیع متقابل شامل حفاری ۱۷ حلقه چاه و احداث واحد بهره‌برداری، نمک‌زدایی و خطوط لوله‌ی جریانی چاه‌ها است که اجرای این طرح از مردادماه ۸۶ در چارچوب قرارداد بیع متقابل با سرمایه‌گذاری مشارکت شرکت‌های نفتگران ایران و شرکت CNPCI چین و شرکت ملی نفت ایران آغاز و حدود ۲۲ حلقه چاه در آن حفاری شد.»^{۲۰۶} در خصوص طرح توسعه‌ی فاز دوم این میدان، بنا به گزارش جام جم در سال ۱۳۹۰، قرار بود عملیات نگهداشت، راهبری و بهره‌برداری از تأسیسات بالادستی میدان نفتی مسجدسلیمان به شرکت CNPCI چین واگذار شود، اما هم‌زمان با بهره‌برداری از طرح توسعه‌ی این میدان نفتی توسط این شرکت چین، شرکت ملی نفت ایران با

^{۲۰۳} «جذب ۳ میلیارد دلار سرمایه خارجی برای توسعه و تثبیت ظرفیت»، شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران؛ «با سرمایه‌گذاری ۳ میلیارد دلاری چینی‌ها صورت گرفت»، جهان اقتصاد.

^{۲۰۴} «بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری پسابرجامی در پالایشگاه آبادان»، شانا.

^{۲۰۵} میدان نفتی مسجدسلیمان، نخستین و قدیمی‌ترین میدان نفتی در خاورمیانه در شهرستان مسجدسلیمان و در استان خوزستان واقع شده که در سال ۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی) توسط یک شرکت انگلیسی کشف شد.

^{۲۰۶} «رؤیای تولید دوباره نفت در مسجد سلیمان»، میز نفت.

پیشنهاد واگذاری این طرح به شرکت CNPCI مخالفت کرد.^{۲۰۷} سرانجام در شهریورماه ۹۵ ایران با چینی‌ها برای ادامه‌ی همکاری در اجرای طرح ازدیاد برداشت نفت میدان مسجدسلیمان هم به توافق رسید.^{۲۰۸} شرکت چینی مجری این طرح، طبق قرارداد بیع متقابلش با شرکت ملی نفت ایران، تعمیر و تعویض تأسیسات آسیب‌دیده در طرح توسعه‌ی فاز دوم این میدان را در دستورکار خود قرار داد. به گزارش میز نفت، «حجم سرمایه‌گذاری لازم برای اجرای این پروژه حدود ۳۰۰ میلیون دلار پیش‌بینی شده است و چنانچه شرکت چینی، در اجرای طرح تعویض و بهره‌برداری از این واحد تولیدی با مشکلی روبه‌رو نشود، این پروژه در سال آینده [۱۳۹۶] به بهره‌برداری خواهد رسید.»^{۲۰۹}

بخش گاز

با توجه به این که مدت‌هاست که چین در تلاش است انرژی گازی را جایگزین سوخت زغال‌سنگ کند و به تبع آن تقاضای چین برای گاز همواره در حال افزایش بوده است، سرمایه‌گذاری این کشور در ایران به بخش گاز نیز گسترش یافته است. قرارداد توسعه‌ی میدان گازی پارس شمالی، به‌عنوان دومین پروژه‌ی بزرگ گاز ایران و تولید گاز مایع (ال.ان.جی) در اسفندماه ۸۶ میان شرکت نفت و گاز پارس و شرکت چینی سینوک (CNOOC Ltd)، بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی نفت دریایی چین، تنفیذ شد. ارزش این قرارداد بیش از ۱۶ میلیارد دلار بود (۵ میلیارد دلار آن در بخش بالادستی و ۱۱ میلیارد دلار آن در بخش پایین‌دستی - کارخانه‌های ال.ان.جی) که شرکت سینوک چین عهده‌دار تأمین آن عنوان شده است و هدف از این سرمایه‌گذاری تأمین گاز برای چین

^{۲۰۷} «مخالفت با حضور چینی‌ها برای توسعه میدان نفتی ایران»، روزنامه‌ی جام جم، ۴ مهر ۱۳۹۰، شماره ۳۲۳۵.

^{۲۰۸} «چین به قدیمی‌ترین میدان نفتی ایران بازگشت»، خبرگزاری تسنیم.

^{۲۰۹} «رؤیای تولید دوباره نفت در مسجد سلیمان»، میز نفت.

بود.^{۲۱۰} با این حال مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس در مهرماه ۹۰ از تعلیق موقت قراردادش با شرکت سینوک چین خبر داد.^{۲۱۱}

علاوه بر این قرارداد، در اسفندماه ۸۷ قراردادی ۲ میلیارد و ۶۲۵ میلیون یورویی میان شرکت سینوک چین (CNOOC) و شرکت گاز مایع ایران (ILNGC) برای اجرای طرح توسعه‌ی فاز دوم کارخانه‌ی ایران ل.ان.جی منعقد شد. اما همانند برخی پروژه‌های دیگر، این قرارداد که به‌عنوان بزرگ‌ترین قرارداد چین با ایران در آن زمان شناخته شد، در شهریورماه ۹۱ به دلیل ناتوانی چین در یافتن سرمایه‌گذار خارجی برای فاینانس، تعلیق شد.^{۲۱۲} در خردادماه ۸۸ در نشست‌ی در پایتخت چین، نمایندگان شرکت ملی نفت چین و شرکت ملی نفت ایران قراردادی ۴.۷ میلیارد دلاری برای توسعه‌ی فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی، بزرگ‌ترین میدان گازی جهان، امضا کردند.^{۲۱۳} یک سال بعد، در خردادماه ۹۱ رسانه‌های ایرانی گزارش کردند که شرکت ملی نفت چین به دلیل تأخیرهای مداوم و «بی‌سابقه» در پروژه، که در واقع در واکنش به فشارهای ایالات متحده نیز بود، از این پروژه خارج شد.^{۲۱۴} لیکن قرارداد نهایی این پروژه پس از یک دوره‌ی طولانی، سرانجام در تیرماه ۹۶ میان شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیومی متشکل از توتال فرانسه، شرکت ملی نفت چین و پتروپارس امضا شد که ارزش آن ۴ میلیارد و ۸۷۹ میلیون دلار بود. در تقسیم‌بندی سهم این شرکت‌ها، توتال به‌عنوان اپراتور پروژه‌ی فاز ۱۱ پارس جنوبی صاحب ۵۰.۱ درصد سود، شرکت دولتی نفت و گاز چین ۳۰ درصد و پتروپارس ایران (زیرمجموعه‌ی کامل شرکت ملی نفت ایران) ۱۹.۹ درصد بود.^{۲۱۵} در پی خروج آمریکا از برجام، شرکت فرانسوی توتال نیز از این پروژه خارج شد. به گزارش رویترز، در تیرماه ۹۶ امضای قراردادی یک میلیارد دلاری

^{۲۱۰} «قرارداد توسعه میدان گازی پارس شمالی فردا منعقد می‌شود»، شانا.

^{۲۱۱} «ایران قرارداد با چین در پارس شمالی را موقتاً تعلیق کرد»، مردمک.

^{۲۱۲} «روایت ۵.۵ میلیارد دلاری که از بین رفت»، دانش نفت؛ «بزرگ‌ترین قرارداد چین با ایران لغو شد»، راه دیگر.

^{۲۱۳} Bruce Pannier, "Is Europe Next, After Major Iran Gas Deal with China?" Radio Free Europe, June 05, 2009.

^{۲۱۴} "China pulls out of South Pars project: report," Reuters, July 29, 2012; Chen Aizhu, "China's CNPC ready to take over Iran project if Total leaves: sources," Reuters, MAY 11, 2018.

^{۲۱۵} «قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی امضا شد»، دانش نفت؛ «Iran: Total and NIOC sign contract for the development of phase

11 of the giant South Pars gas field", Total Energy, July 3, 2017.

به شرکت چینی سی‌ان‌پی‌سی اجازه داد تا سهم توتال را از آن خود کند^{۲۱۶} و رهبری این پروژه را به عهده بگیرد. با افزایش فشارها بر چین بر متن جنگ سرد تجاری با آمریکا، پکن تصمیم گرفت تا با علنیت کمتری در پروژه‌های بزرگ میدان نفتی و گازی ایران فعالیت کند و در نهایت «سی‌ان‌پی‌سی، آی‌چین بدون پرداخت ریالی جریمه در ازای وقت‌کشی و هزینه‌ی فرصت این قرارداد» از این پروژه خارج شد.^{۲۱۷}

بخش پتروشیمی

در کنار انعقاد چندین قرارداد بین ایران و چین در بخش نفت و گاز، شرکت‌های چینی مصمم‌تر شدند تا سرمایه‌گذاری خود را به صنعت پتروشیمی ایران نیز گسترش دهند. عباس شعری‌مقدم، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در سال ۱۳۹۲ اعلام کرد که ایران برای افتتاح ۶۰ پروژه‌ی نیمه‌تمام پتروشیمی به ۳۱ میلیارد دلار نیاز دارد. وی اظهار داشت که با شروع پروژه‌ها تولید سالانه‌ی پتروشیمی کشور را ۵۵ میلیون تن افزایش می‌دهند. در ادامه افزود که برای توسعه‌ی صنعت ملی پتروشیمی در ۸ تا ۱۰ سال آینده به ۷۴ میلیارد دلار سرمایه‌ی مالی نیاز است.^{۲۱۸} یک سال بعد، معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی در حاشیه‌ی نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی گفته بود که احداث مجتمع‌های پتروشیمی بوشهر، لردگان، هنگام و گچساران توسط سرمایه‌گذاران چینی تأمین مالی شده است.^{۲۱۹}

بر بستر چنین اوضاع و احوالی، پس از چندین ماه مذاکره بین ایران و فاینانسورهای چینی، در آذرماه ۹۲ اولین خط اعتباری چینی در صنعت پتروشیمی ایران به ارزش حدود ۳۷۵ میلیون دلار برای مجتمع پتروشیمی

²¹⁶ Aizhu, Chen, "China's CNPC ready to take over Iran project if Total leaves: sources," Reuters, May 11, 2018.

²¹⁷ «چینی‌ها هم به لطف IPC بدون پرداخت ریالی جریمه رفتند»، خبرگزاری مهر؛ «فاز ۱۱ پس از رفتن سی‌ان‌پی‌سی‌آی چین»، شانا؛ Chen Aizhu,

«China's CNPC ready to take over Iran project if Total leaves: sources," Reuters, MAY 11, 2018

²¹⁸ «China to invest in Iran's petrochemical projects," Azernews, 16 May 2014.

²¹⁹ «چینی‌ها ۴ طرح پتروشیمی را تأمین اعتبار کردند»، پیام پتروشیمی.

گچساران بازگشایی و عملیاتی شد. همچنین معاون وزیر نفت ایران اعلام کرد که ارزش فاینانس پنج طرح در دست ساخت صنایع پتروشیمی ایران توسط چینی‌ها حدود دو میلیارد دلار تخمین زده می‌شوند.

مقامات ایرانی در اردیبهشت‌ماه ۹۳ گزارش دادند که طرح ساخت پتروشیمی صدف یکی دیگر از پروژه‌هایی است که از طریق فاینانس چینی‌ها در قالب قرارداد EPC+F به ارزش ۱۰۲ میلیون یورو تأمین شد.^{۲۲۰} همچنین در جریان مذاکرات میان مقامات شرکت چینی «ساتیک» با مدیران ارشد شرکت سرمایه‌گذاری ساتا و مجتمع پتروشیمی بوشهر در پکن در خردادماه ۹۳، چینی‌ها با دو میلیارد یورو تأمین مالی مجتمع پتروشیمی بوشهر (پروژه پتروشیمی گاز الفین ۱۶) را تقبل می‌کنند.^{۲۲۱} حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ فرمان افتتاح سه پروژه‌ی عظیم پتروشیمی (پتروشیمی سبلان - عسلویه، پتروشیمی مسجدسلیمان و پتروشیمی اکسیرحلال عسلویه) را با اعتبار یک میلیارد و ۳۰۴ میلیون دلار صادر کرد. در این کنفرانس اظهار داشت که دو پروژه‌ی نخست از طریق خط اعتباری چین تأمین شده است. هم‌زمان با افتتاح این پروژه‌ها اعلام شد که ۴۰۶ میلیون دلار در کارخانه‌ی پتروشیمی سبلان سرمایه‌گذاری شده که از طریق آورده‌ی سهامدار، فاینانس خط اعتباری چین و تسهیلات کوتاه‌مدت تأمین شده است.^{۲۲۲} به گفته‌ی مدیر برنامه‌ریزی شرکت پتروشیمی سبلان: «فاینانس پروژه‌ی سبلان در بهمن‌ماه ۱۳۹۳ به مبلغ دو میلیارد و ۵۱۸ میلیون یوان از محل خط اعتباری چین گشایش و اجرایی شد.»^{۲۲۳}

با وجود موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری چین در صنعت پتروشیمی ایران به مرور زمان روندی فزاینده داشته است. در اردیبهشت‌ماه ۹۵ هیئتی به سرپرستی مدیرعامل شرکت

^{۲۲۰} «۲ طرح پتروشیمی تأمین اعتبار شدند»، شانا؛ «شناسایی پیمانکاران یک پروژه پتروشیمی از طریق مناقصه»، مناقصه مزایده.

^{۲۲۱} «منابع اعتباری ارزی پتروشیمی بوشهر از طریق فاینانس چین تأمین شد»، خبرگزاری مهر.

^{۲۲۲} «افتتاح مجتمع پتروشیمی سبلان در عسلویه»، ایسنا؛ «روحانی ۳ طرح ملی صنایع پتروشیمی را افتتاح کرد»، خبرگزاری ایمنای: SHANA,

Launched Major Petchem Projects," May 20, 2021,

^{۲۲۳} «بازگشایی خط جدید اعتباری چینی‌ها در صنعت پتروشیمی ایران»، انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی.

CPECC چین از طرح‌های صنعت پتروشیمی در منطقه‌ی ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر ماهشهر به‌عنوان نخستین هاب پتروشیمی ایران بازدید و مذاکراتی را با مسئولان صنایع پتروشیمی آغاز کرد. در حاشیه‌ی این بازدید، شرکت چینی آمادگی خود را برای عقد قراردادهای EPCF به‌منظور سرمایه‌گذاری در این شهر بندری اعلام کرد.^{۲۲۴} در همین دوره، قرارداد ساخت نخستین واحد پتروشیمی مهران میان شرکت ایران پتروسامان فراگستر و شرکت چینی سی.ان.تی.آی.سی به ارزش یک میلیارد و ۶۵۰ میلیون یورو منعقد شد که ۸۵ درصد از این مبلغ به صورت فاینانس از سوی طرف چینی و ۱۵ درصد باقی‌مانده توسط شرکت مجری ایرانی تأمین شده است.^{۲۲۵} خبرگزاری پتروشیمی ایران در بهمن‌ماه ۹۹ گزارش داد که «بی‌توجهی سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی به قرارداد خود به‌منظور توسعه و ساخت این پروژه و بی‌ثباتی ارز و تحریم‌های اقتصادی از عمده دلایلی است که سبب شده تاکنون پروژه‌ی پتروشیمی مهران به مرحله‌ی اجرا نرسد.»^{۲۲۶}

در بهمن‌ماه ۹۵ نیز قراردادی ۳.۶ میلیارد دلاری میان شرکت «ووهان» چین و شرکت پتروپالایش مسجدسلیمان برای سرمایه‌گذاری در مجتمع پتروشیمی مسجدسلیمان منعقد کردند.^{۲۲۷} پنج ماه بعد، مدیرعامل شرکت پتروشیمی لردگان اعلام کرد که کل مبلغ سرمایه‌گذاری برای ساخت مجتمع پتروشیمی لردگان، واقع در استان چهارمحال و بختیاری منطقه فلارد، ۵۰۲ میلیون یورو است که از محل فاینانس چین تأمین می‌شود.^{۲۲۸} روحانی در جریان افتتاح این پروژه اظهار کرده بود که این «طرح عظیم و بزرگ صنعتی رقمی بالای ۸۰۰ میلیون دلار در آن هزینه شده است.»^{۲۲۹}

^{۲۲۴} «دور جدید مذاکرات با چین برای سرمایه‌گذاری در پتروشیمی ایران»، شانا.

^{۲۲۵} «انعقاد قرارداد ساخت واحد پتروشیمی مهران با سرمایه‌گذار چینی»، ایسنا.

^{۲۲۶} «افتتاح پتروشیمی «مهران» اسیر وعده‌های مسوولین» ایپنا.

^{۲۲۷} «قرارداد ۳.۶ میلیارد دلاری پتروپالایش نفت مسجد سلیمان با «ووهان» چین امضا شد»، خبرگزاری دانشجو.

^{۲۲۸} «چین فاینانس ۵۰۲ میلیون یورویی ساخت پتروشیمی لردگان را تأمین می‌کند»، شانا.

^{۲۲۹} «پتروشیمی لردگان به صورت رسمی وارد چرخه تولید شد»، ایرنا.

۲/۴. انرژی خورشیدی

سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی تولید انرژی خورشیدی یکی دیگر از ساحت‌های حضور چین در ایران است. در تیرماه ۹۷ تفاهم‌نامه‌ی همکاری اقتصادی میان ایران و سرمایه‌گذاران در حوزه‌ی تولید انرژی خورشیدی از کشورهای ایتالیا و چین امضا شد. قرار بر این بود که با ورود سرمایه‌های خارجی از چین و ایتالیا، نیروگاه‌های خورشیدی با ظرفیت ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ مگاوات برق در استان یزد احداث و راه‌اندازی شود. همچنین به گفته‌ی «لی چی» مدیر شرکت چینی: «این شرکت سال‌های طولانی در زمینه‌های استخراج معادن، فلزات، احداث نیروگاه خورشیدی، حمل‌ونقل و غیره در ایران فعالیت دارد و تاکنون دو و نیم میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری داشته است.»^{۲۳۰}

۲/۵. خط اعتباری مالی

تأمین اعتبار مالی (یا اعطای وام) یک حوزه‌ی جذاب دیگری برای گسترش دامنه‌ی نفوذ و تأثیرگذاری چین بر ایران است. در جریان سفر هیأت تهران به ریاست علی طیب‌نیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران به پکن در شهریورماه ۹۶، ایران دو تفاهم‌نامه با دو بانک بزرگ چینی برای تخصیص ۳۵ میلیارد دلار اعتبار و وام برای اقتصاد ایران امضا کرد.^{۲۳۱} در این چارچوب، بانک مرکزی ایران و بانک توسعه‌ی چین (CDB) تفاهم‌نامه‌ای معادل ۱۵ میلیارد یورو با موضوع ارائه‌ی تسهیلات تأمین مالی پروژه‌های عمرانی و تولیدی امضا کردند.^{۲۳۲} و نیز موافقت‌نامه‌ی قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری خط اعتباری «سیتیک گروپ» چین با بانک‌های رفاه کارگران،

^{۲۳۰} «تفاهم‌نامه همکاری سرمایه‌گذاری میان دو کشور ایتالیا و چین با استان یزد امضا شد»، یزد فردا؛ «Italian, Chinese Firms to Help Expand

Yazd Solar Capacity», Financial Tribune, July 09, 2018

^{۲۳۱} «CBI, CDB ink €15bn MoU», Mehr News Agency, Sep 16, 2017,

^{۲۳۲} «جزئیات دیدارهای هیئت بانکی ایران در چین»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

صنعت و معدن، پاریسیان، پاسارگاد و توسعه‌ی صادرات ایران امضا شد.^{۲۳۳} به گزارش ایرنا «قرار است سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری چینی‌ها در ایران به صورت فاینانس در حوزه‌های مدیریت منابع آبی، انرژی، محیط زیست و حمل‌ونقل انجام شود.»^{۲۳۴}

۲/۶. صنعت معدن

بخش معدن یکی دیگر از عرصه‌های بارز سرمایه‌گذاری چین در اقتصاد ایران است. از باب نمونه، مهدی کرباسیان، معاون وزیر صمت و رئیس هیأت عامل ایمیدرو، در کنفرانس سرمایه‌گذاری چین و در آستانه‌ی سفر روحانی به آن کشور اظهار داشت که «از مجموع فاینانسی که بین دو کشور فعال شده، پنج میلیارد دلار مربوط به حوزه‌ی معدن و صنایع معدنی است به‌طوری که ۴ میلیارد دلار از این رقم در پروژه‌هایی که ایمیدرو با مشارکت بخش خصوصی در دست دارد، سرمایه‌گذاری شده است.»^{۲۳۵} به گفته‌ی وی، ارزش کل پروژه‌ی ساخت مجتمع آلومینیوم جنوب در منطقه‌ی ویژه اقتصادی لامرد یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار است که تسهیلات ساخت این طرح از سوی بانک توسعه‌ی چین تأمین می‌شود و پیمانکار آن شرکت ان.اف.سی چین است. این قرارداد در سال ۱۳۹۰ در قالب EPCF امضا شد و اعتبار اسنادی آن در دی‌ماه ۹۳ فعال شد.^{۲۳۶}

علاوه بر این در اردیبهشت‌ماه ۹۵ تفاهم‌نامه‌ی سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری در شرکت آلومینیوم ایران (ایرالکو) با شرکت سی.آر.ای.سی چین، به‌منظور فعال‌سازی سایت شماره ۲ ایرالکو که در شهرک صنعتی خیرآباد در استان مرکزی واقع است، به امضا رسید. مدیرعامل ایرالکو به ایرنا گفته بود: «ایرالکو نخستین تولیدکننده‌ی

^{۲۳۳} «سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری چینی‌ها در ایران»، وزارت راه و شهرسازی؛ The "China provides \$10 billion credit line to Iran," New Arab, September 16, 2017.

^{۲۳۴} «سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری چینی‌ها در ایران»، ایرنا.

^{۲۳۵} «پنج میلیارد دلار از فاینانس چین جذب معدن و صنایع معدنی شد»، ایلنا.

^{۲۳۶} «۱.۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در اوج تحریم انجام شد»، خبرگزاری آنا؛ «مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب (سالکو)»، لامرد.

شمس آلومینیوم در ایران و خاورمیانه محسوب می‌شود.» در ادامه افزود که «شرکت چینی سی.آر.ای.سی (CREC) اکنون در ۷۶ کشور جهان پروژه‌های در حال اجرا دارد و مدت ۱۰ سال است که در پروژه‌های ایران مشارکت می‌کند.» همچنین، مدیر روابط بین‌الملل شرکت چینی سی.آر.ای.سی نیز به خبرنگاران گفت: «اکنون این شرکت در پروژه‌ی خط آهن قم - اصفهان و آزاد راه تهران - شمال مشغول فعالیت است.»^{۲۳۷}

جمع‌بندی

تمرکز این فصل بر رسیدن اهداف سرمایه‌گذاری چین در اقتصاد ایران از خلال واکاوی راهبرد رفتن به جهان چین بود. ترسیم این استراتژی اساساً به منظور برآوردن نیازهای اقتصاد داخلی چین انجام شد. اصلی‌ترین محرک‌های اقتصادی دخیل در تعقیب این راهبرد کلان شامل انباشت حجم عظیمی از سرمایه، شکل‌گیری طیف وسیعی از شرکت‌های چندملیتی (که عمدتاً تحت کنترل دولت بودند)، دستیابی به حوزه‌های جدید برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی و نیز تأمین مواد اولیه برای تغذیه‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصاد داخلی بوده‌اند. در نتیجه، چنان‌که که در فرازهای بالا نشان دادیم، اگرچه ورود جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران از سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱ش) به یک‌باره اوج گرفت، با این حال این روند از سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹ش) افزایشی جهشی را تجربه کرده است. به این ترتیب ایران به سومین مقصد بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی چین در منطقه‌ی خاورمیانه صعود کرد. گسیل سرمایه به ایران، به‌سان یک مؤلفه‌ی اقتصادی، نفوذ چین در اقتصاد ایران را تشدید و استحکام بخشید. نظیر آنچه در حوزه‌ی روابط تجاری رخ داده، چین در دهه‌ی ۱۳۹۰ به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در ایران تبدیل شده است. افزون بر این، گوشزدکردن این نکته بسیار مهم است که مقصد اصلی سرمایه‌گذاری‌های چین، نه بخش‌های تولیدی، که اساساً انرژی‌محور بوده است و پس از آن بخش حمل‌ونقل

^{۲۳۷} «تفاهنامه سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری در صنعت آلومینیوم بین ایران و چین امضا شد». ایرنا.

و فلزات به ترتیب در رده‌های دوم و سوم قرار دارند. سرانجام می‌توان چنین استنتاج کرد که هدف اصلی سرمایه‌گذاری‌های چین بهره‌برداری از منابع طبیعی و زیرزمینی و تسهیل شبکه‌های حمل‌ونقل برای تأمین و امنیت انتقال مواد اولیه برای اقتصاد داخلی آن، به‌ویژه نفت خام، گاز طبیعی، مواد شیمیایی و فلزات بوده است. نکته‌ی شایان ذکر دیگر این است که سرمایه‌گذاری‌های چین در پروژه‌های صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، نظیر صادرات نفت، به‌شدت متأثر از تحریم‌های آمریکا علیه ایران بوده است. به دلیل هم‌پیوندی و هم‌پیوستگی شدید اقتصاد داخلی چین و اقتصاد جهانی، دامنه‌ی فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری چین در ایران تحت تأثیر تنش‌های ژئوپولیتیکی در منطقه و رقابت‌های دائمی میان قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری قرار داشته و آن را محدود ساخته است. همان‌گونه که در بالا ذکر آن آمد، فشارهای ایالات متحده باعث شده چین نسبت به سرمایه‌گذاری خود در ایران بسیار محتاط عمل کند به‌طوری که چندین پروژه‌ی نفتی، گازی و پتروشیمی با موانع و تنگناهای جدی مواجه شده‌اند و در نتیجه اجرای آنها به‌تعویق افتاده یا منجر به فسخ قرارداد شده است. ورود سرمایه‌گذاری چین به ایران به ساخت‌وساز شبکه‌های حمل‌ونقل نیز گسترش یافته است و این نیز نقش مهمی در میزان نفوذ چین در ایران ایفا می‌کند؛ موضوعی که در فصل بعدی به آن می‌پردازیم.

فصل پنجم

سرمایه‌گذاری چین در گسترش شبکه‌های زیرساختی ایران

مقدمه

تعمیق و تثبیت موقعیت اقتصادی و سیاسی چین در مقیاس منطقه‌ای و جهانی مستلزم ایجاد زیرساخت‌ها و تسهیلات حمل‌ونقل گسترده است. طراحی و گشایش «ابتکار کمربند و جاده» (BRI) که چین را به چهار قاره‌ی جهان متصل می‌کند، نقش مهمی در راهبردهای اقتصادی و سیاسی چین در ایران ایفا می‌کند. نظر به این‌که این پروژه‌ی عظیم دربرگیرنده‌ی طیف گسترده‌ای از ساخت شبکه‌های زیربنایی حمل‌ونقل زمینی و دریایی، خطوط لوله‌ی نفت و گاز، فرودگاه‌ها، راه‌آهن، بنادر و تاسیسات است، این فصل به‌طور همه‌جانبه نقش چین را در گسترش شبکه‌ی راه‌سازی ایران واری می‌کند.

چنان‌چه تبیین و تحلیل تأثیرات و نفوذ چین در ایران را کماکان با همان بیان استعاریِ اژدهای هشت‌پا پی‌بگیریم، نقش سرمایه‌گذاری‌های چین در پروژه‌های حمل‌ونقل ایران برای کنکاش در پسامدهای ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکیِ ابتکار کمربند و جاده بر ایران از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در خصوص مورد نخست، این بدان معناست که زیرسازهای ترابری باید تمهیدات و شریان‌هایی برای تأمین جریان منابع اولیه به چین را فراهم و تضمین نماید، و متقابلاً، صادرات کالا و سرمایه به کشورهای مرتبط با جاده‌ی ابریشم نوین را

تسهیل و عملیاتی کند. به نسبت مورد دومی، این فرایند باید هم‌زمان خدمات لازم جهت تقویت و تداوم هژمونی منطقه‌ای و جهانی چین را مهیا سازد. بنابراین برای بررسی مسئله، این فصل به این پرسش پاسخ می‌دهد که: نقش چین در گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل ایران چه بوده است و چه منافعی در آن‌ها دارد؟

ترتیب‌بندی این فصل بدین شرح است. بخش نخست اهداف ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی ابتکار کمربند و جاده را می‌کاود تا هم‌پیوندی دیالکتیکی میان مقتضیات رشد و توسعه‌ی اقتصادی چین و اهداف ترسیم‌شده‌ی دخیل در پروژه‌های بینامنطقه‌ای و بیناقله‌ای را شناسایی و بازنمایی کند. سپس در بخش دوم، اهمیت جایگاه ایران در این ابرپروژه و نقش چین در گسترش خطوط ترابری ایران، با ارائه‌ی میزان سرمایه‌گذاری‌های چینی در طول دو دهه‌ی گذشته در پروژه‌های متعدد در این حوزه، را مورد غور و بررسی قرار می‌دهیم. در پایان، این فصل را با جمع‌بندی مختصری از یافته‌ها و پاسخ به پرسش این فصل به پایان می‌رسانیم.

۱. اهداف ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی «ابتکار کمربند و جاده»

ابتکار کمربند و جاده به‌صورت هم‌زمان دربرگیرنده‌ی دو هدف درهم‌فشرده‌ی ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی است که اساساً تأمین مقتضیات و تقویت رشد اقتصادی چین را برآورده می‌کند. نخست این که ابتکار کمربند و جاده که سابقاً تحت عنوان «یک کمربند و یک جاده» شناخته می‌شد، اولین بار در جریان سفر رسمی شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین به قزاقستان و اندونزی در سال ۲۰۱۳ معرفی شد. «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی قرن بیست‌ویکم» دو پروژه‌ی بلندپروازانه‌ی چین و استراتژی کلیدی فرامنطقه‌ای و فراقاره‌ای هستند که قرار است اقتصاد داخلی چین را به‌مدد شبکه‌های هم‌بند تجاری ریلی، زمینی و دریایی به قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا متصل کنند. شی جین‌پینگ در سخنرانی‌اش در سال ۲۰۱۳ بیان داشت که هدف طراحی و گشایش **کمربند اقتصادی راه ابریشم** «ایجاد روابط اقتصادی نزدیک‌تر، تعمیق مشارکت‌ها و گسترش فضای توسعه در منطقه‌ی اوراسیا، ... به‌منظور بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل برون‌مرزی و کار در راستای متصل‌کردن شبکه‌ی ترابری شرق آسیا، غرب آسیا و جنوب آسیا به یکدیگر برای تسهیل توسعه‌ی

اقتصادی و سفر در منطقه، ... [و به عمل آوردن] ترتیب درخور برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، رفع موانع تجاری، کاهش هزینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری، افزایش سرعت و کیفیت جریان‌های اقتصادی منطقه‌ای، است.^{۲۳۸} او بعداً در سخنرانی خود در پارلمان اندونزی در همان سال، ابتکار ساخت **راه ابریشم دریایی قرن بیست‌ویکم** را این چنین معرفی کرد که این پروژه بنا دارد چین را از طریق دریا به اروپا متصل کند.^{۲۳۹} هر دو پروژه اندکی بعد زیر نام «یک کمربند - یک جاده»^{۲۴۰} شناسانده شدند. دو سال بعد در مارس ۲۰۱۵ مقامات دولتی چین با طرح مسائلی در سندی به اسم «چشم‌انداز و اقدامات برای احداث مشترک کمربند اقتصادی راه ابریشم و جاده‌ی ابریشم دریایی قرن بیست‌ویکم» دستورالعمل‌هایی در زمینه‌ی اولویت‌های همکاری و همگرایی میان کشورهای منطقه‌ای مسیر کمربند برشمرده شدند.^{۲۴۱} و نیز یک کمربند - یک جاده به «ابتکار کمربند و جاده» تغییر نام پیدا کرد.^{۲۴۲} به صورت رسمی، چین پنج اولویت و اصل کلی را در چارچوب این ابتکار برای ارتقای ارتباط بین کشورهای شرکت‌کننده در این ابتکار ترسیم کرده است: هماهنگ‌سازی سیاست‌ها، به هم پیوستگی زیرساختی میان مراکز و تأسیسات، تسهیل تجارت آزاد، به هم پیوستگی مالی و ارتباطات میان شهروندان.^{۲۴۳} در بیانی موجز، چنان‌که در تارنمای آن معرفی شده، هدف اساسی ابتکار کمربند و جاده «توسعه‌ی زیرساخت‌ها و تسریع در ادغام اقتصادی کشورهای واقع در مسیر تاریخی جاده ابریشم است.»^{۲۴۴}

دوم، از حیث جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی، ابتکار کمربند و جاده صرفاً به راهبرد ژئواکونومیکی تنزل‌پذیر نیست، بلکه هم‌هنگام تجلی سرزمینی دینامیسم قدرت چین را نیز نمایان و ترویج می‌کند و به‌مثابه‌ی یک

²³⁸ Embassy of the People's Republic of China in the Kingdom of Belgium, "Promote Friendship Between Our People and Work Together to Build a Bright Future," 2013-09-08.

²³⁹ "Speech by Chinese President Xi Jinping to Indonesian Parliament," Asean China-Centre, 2 October 2013.

²⁴⁰ One Belt, One Road (OBOR)

²⁴¹ "Vision and Actions on Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21st-Century Maritime Silk Road (2015)," National Development and Reform Commission.

²⁴² "Full text of the Vision for Maritime Cooperation under the Belt and Road Initiative", Xinhua.

²⁴³ "Vision and actions on jointly building Silk Road Economic Belt and 21st-Century Maritime Silk Road," National Development and Reform Commission, State Council, March 28, 2015.

²⁴⁴ "Belt and Road Initiative," BRI.

قدرت ضد هژمونیک در مواجهه با قدرت‌های غربی به‌ویژه آمریکا و به‌چالش کشیدن آن ظاهر می‌شود. همان‌گونه که نخبگان و مقامات دولتی چین آن را تبلیغ و ترویج می‌کنند، این ابرپروژه نویدبخش ابداع «نوع جدیدی از روابط بین‌المللی» است که در آن جهان تک‌قطبی با هژمونی ایالات متحده جای خود را به «جهان چندقطبی» می‌دهد و چین در آن یک بازیگر کلیدی خواهد بود.^{۲۴۵} در واقع بلندپروازی و چشم‌انداز بورژوازی چین صرفاً به تسهیل جریان سرمایه و کالاها در مقیاس داخلی و جهانی محدود نمی‌شود. در جهان تنیده از رقابت‌های مداوم میان دولت‌های سرمایه‌داری و غول‌های فراملیتی، ابتکار کمربند و جاده نیز به‌عنوان قلمرومهندسازی و تصورات ملی به تجلی‌گاه و مروج گفتمان ژئوپلیتیکی «رؤیای چینی»^{۲۴۶} خودنمایی می‌کند. شی جین پینگ هنگام بازدید از نمایشگاه «مسیر نوسازی» در پکن جاه‌طلبی‌های بورژوازی و ناسیونالیسم چین را این‌چنین مطرح کرد: «رؤیای چینی، رؤیای ملت و هر فرد چینی»، «رؤیای ملت قوی» و راهی به‌سوی «احیای عظمت ملت چین» است که در واقع «بزرگ‌ترین رؤیای تاریخ معاصر کشور است.» او ارتش چین را تشویق می‌کند که «خود را برای نبرد و پیروزی در جنگ‌ها، از جمله جنگ‌های منطقه‌ای، آماده سازد.»^{۲۴۷} همان‌طور که در تفسیر و تحلیل روزنامه‌ی پپلز دِیلی (People's Daily) چین آمده است، ابتکار کمربند و جاده نه تنها تلاشی برای «شرح فصیح روایت چین و انتشار صحیح پیام چین» بلکه همچنین اهمیتی است برای ایجاد «اجتماع/جامعه‌ی هم‌سرنوشت» (Community of Common Destiny). به‌گفته‌ی این تحلیل‌گر، «یک کمربند و یک جاده ارتباط تنگاتنگی با رؤیای چینی رئیس‌جمهور شی [جین پینگ] داشت که یکی از اهداف اصلی آن این است که این کشور تا سال ۲۰۴۹ به‌عنوان یک ابرقدرت ظهور کند.»^{۲۴۸} این گفتاورد و روایت‌های ملی‌گرایی، رؤیای چینی نهفته در پس‌ابتکار کمربند و جاده را با راهبرد نمودیافته‌ی ژئوپلیتیکی ملی خود در مقیاس منطقه‌ای و

^{245 245} Wang Yi, "Build a New Type of International Relations Featuring Win-Win Cooperation", Ministry of Foreign Affairs, the People's Republic of China (2016).

²⁴⁶ Chinese Dream

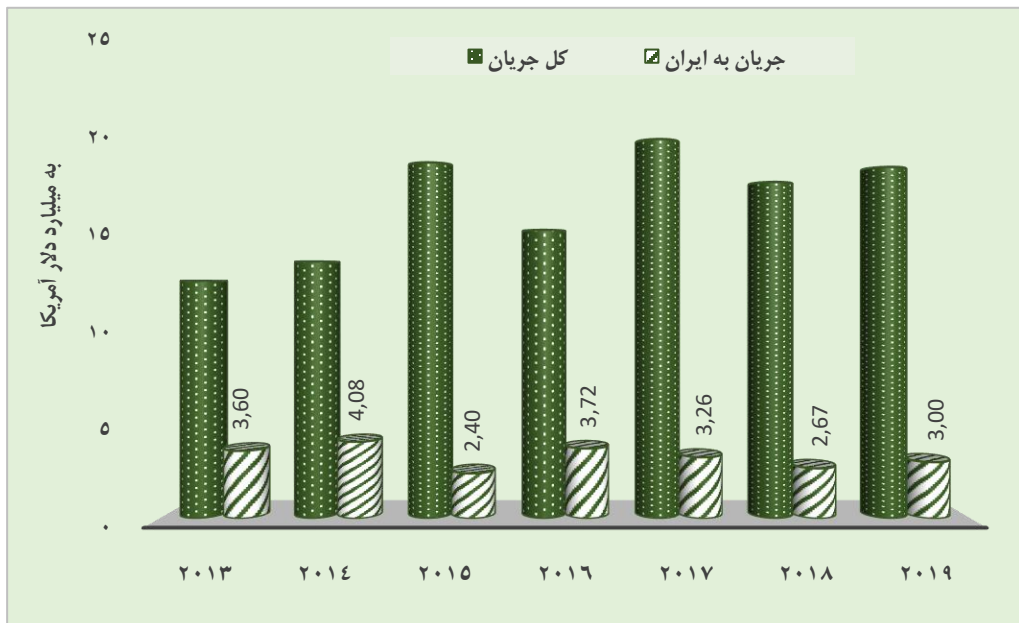
²⁴⁷ "Chinese Dream," China Daily, 9, 2013-03-22.

²⁴⁸ Willy Wo-Lap Lam, "China's Global Power Projection Hit With "Strategic Overdraft", China Brief Volume: 17 Issue: 7.

جهانی پیوند می‌دهد. استراتژی ترسیم‌شده‌ی ژئوپلیتیکی چین از این پروژه دستیابی به موقعیت هژمون در سطوح منطقه‌ای و جهانی و حفظ و استمرار آن است.

۲. سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورهای ممتد با ابتکار کمربند و جاده

گسترش ابعاد سرمایه‌گذاری خارجی چین در ادامه‌ی راهبرد رفتن به جهان و ترویج آن از طریق ابتکار کمربند و جاده به‌مثابه‌ی یک ابتکار بلندپروازانه استمرار پیدا کرد. در نمودار ۱-۵ نشان داده‌ایم که از زمان ترسیم و راه‌اندازی آن در سال ۲۰۱۳، سرمایه‌گذاری‌های خارجی چین در ۶۶ کشور مشارکت‌کننده در ابتکار کمربند و جاده به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای از ۱۲.۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ و با اندکی نزول، به ۱۸.۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. این روند، سالانه ۴.۵ درصد فزونی یافته و ۱۳ درصد از کل جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین را در همان بازه‌ی زمانی در بر می‌گیرد. مجموع سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهای واقع در این مسیر بالغ بر ۱۱۷.۳۱ میلیارد دلار بوده است. برخلاف روند افزایشی کلی، همان‌طور که در فصل پیشین بررسی و ارائه کردیم، جریان سرمایه‌گذاری چین به ایران از



نمودار ۱-۵. سرمایه‌گذاری چین در کشورهای واقع در مسیر ابتکار کمربند و جاده طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹. منبع: محاسبات نویسنده بر اساس بولتن آماری ۲۰۱۹ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (وزارت بازرگانی).

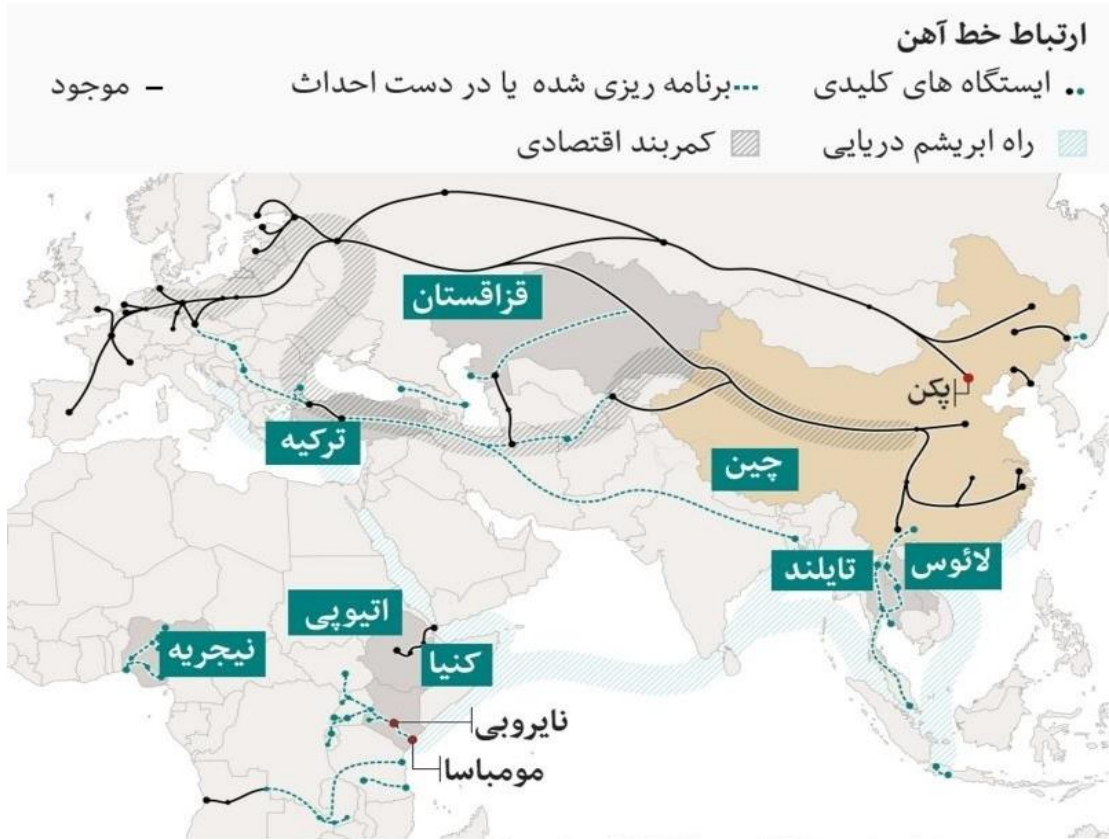
۳۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ تنزل یافته است. سوای این‌ها، وزیر امور خارجه‌ی چین در تیرماه ۱۴۰۰ اعلام کرد که حجم سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌های چینی در اقتصاد کشورهای شرکت‌کننده در کمربند جاده ابریشم، بالغ بر ۱۳۰ میلیارد دلار است.^{۲۴۹}

۳. نقش چین در گسترش پروژه‌های حمل‌ونقل ایران

با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک ایران و قرارگرفتن در مسیر جاده‌ی ابریشم نوین چین و دسترسی به آب‌های آزاد، این کشور به‌مثابه‌ی کریدور ترانزیت منطقه‌ای و جهانی شناخته می‌شود و بنابراین عنصر مرکزی در کمربند اقتصادی جاده‌ی ابریشم چین است. به‌عنوان قطب ترانزیتی و تجاری اوراسیا، ایران به مقصد مهمی برای سرمایه‌گذاری خارجی چین در گستراندن پروژه‌های زیربنایی شبکه‌ی راه‌سازی تبدیل شده است. در این بخش، پروژه‌های زیرساختی (شامل پروژه‌های راه‌آهن، مترو و جاده) که توسط شرکت‌ها و بانک‌های چینی تأمین مالی و اجرایی شده است، بررسی‌شده و ارائه خواهد شد.

سه مسیر ریلی ایران و چین را به هم وصل می‌کند: یکم، راهی است که ایران را از مرز سرخس و با گذشت از ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و سپس به چین متصل می‌کند. دوم، مسیر ریلی چین - قزاقستان - ترکمنستان - ایران است. این مسیر بخشی از راه شرقی دریاچه مازندران است که از اینچونه‌برون رد می‌شود؛ شاخه‌ای از کریدور ریلی شمال به جنوب ایران که از روسیه شروع می‌شود و به خلیج فارس می‌رسد. سوم، مسیر ترانزیتی چین - قزاقستان - ایران (ارومچی - بندر آکتائو - بندر کاسپین/یا امیرآباد) که مسیر ترکیبی (حمل دریایی و ریلی) ایران و چین است.

^{۲۴۹} «سرمایه‌گذاری ۱۳۰ میلیاردی چین در جاده جدید ابریشم»، ایپنا.



شکل ۵.۱. نقشه‌ی برنامه‌های طرح گسترش ریلی کمربند و راه ابریشم چین.

منبع: مؤسسه‌ی مرکاتور برای مطالعات چین.

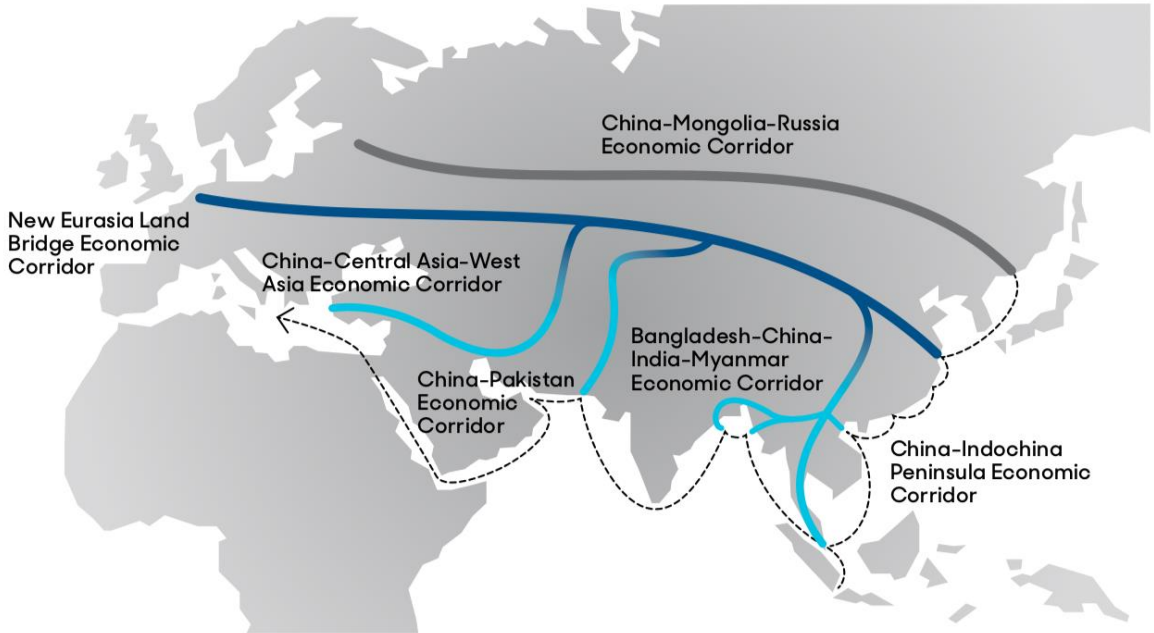
۳/۱. جایگاه ایران در کریدورهای اقتصادی چین

دولت چین شش کریدور اقتصادی و ترانزیتی را در نگارش اولیه‌ی ابتکار کمربند و جاده در سال ۲۰۱۵ ترسیم و صورت‌بندی کرد. یکی از آن‌ها کریدور چین - آسیای میانه - آسیای غربی (CCWEAC) است.^{۲۵۰} (به شکل ۲-۵ بنگرید). این کریدور از سال ۲۰۱۹ یکی از ۳۵ راهرو و پروژه‌ای است که به‌طور رسمی در پروژه‌ی راه ابریشم نوین گنجانده شده است.^{۲۵۱} این راهرو اقتصادی با متصل کردن خطوط راه‌آهن از چین به دریای مدیترانه، در اصل بنا دارد میان کشورهای که در این مسیر واقع شده‌اند، هم‌پیوستگی ایجاد و تقویت کند. لذا در اواخر سال ۲۰۱۵ شرکت راه‌آهن چین «راه‌آهن سریع‌السیار جاده‌ی ابریشم را که اورومچی چین و بینینگ را به آلماتی در قزاقستان، و سپس آن را به بیشکک در قرقیزستان، تاشکند و سمرقند در ازبکستان، عشق‌آباد در ترکمنستان متصل می‌کند و سرانجام با شبکه‌ی غرب آسیا از طریق مشهد و تهران در ایران درمی‌آمیزد، معرفی کرد.»^{۲۵۲} (شکل ۳-۵ را مشاهده کنید). نظر به این که چین تلاش می‌کند به رفت‌وآمد قطارهای بین چین و ترکیه جامه‌ی عمل بپوشاند، راه‌آهن ایران به‌عنوان یک قطب کلیدی ترانزیتی در اجرای این پروژه ایفای نقش می‌کند. این پروژه مسیرهای اصلی جاده‌ی ابریشم نوین را هم متصل می‌کند. این کریدور با داشتن راه‌آهن سریع‌السیار ۲۰۰۰ مایلی (چیزی بیش از ۳۲۰۰ کیلومتر) میان اورومچی و تهران، ایران را به یک چهارراه اصلی ترانزیتی بین‌منطقه‌ای و بین‌قاره‌ای از چین به خاورمیانه و اروپا متحول می‌سازد.

²⁵⁰ China-Central Asia-Western Asia Corridor (CCAWEAC).

²⁵¹ "China denies abandoning BCIM corridor". The Times of India, June 10, 2019; "Joint Communique of the Leaders' Roundtable of the 2nd Belt and Road Forum for International Cooperation". Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, 27 April 2019.

²⁵² Zheng Yanpeng, "New rail route proposed from Urumqi to Iran," *China Daily*, November 21, 2015.



شکل ۲-۵. ابتکار کمربند و جاده: شش کریدور اقتصادی.



شکل ۳-۵. نقشه‌ی چین - آسیای میانه - آسیای غربی.

نکته‌ی قابل‌تأمل این است که سرمایه‌گذاری در بخش حمل‌ونقل ایران به دوره‌ی ماقبل‌جاده‌ی ابریشم نوین برمی‌گردد. به‌طور نمونه، در اواخر سال ۱۳۸۹ اخباری مبنی بر امضای قرارداد ۱۳ میلیارد دلاری چین و ایران برای توسعه‌ی خطوط راه‌آهن ایران منتشر شد که بخشی از سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه برای توسعه‌ی مسیر ریلی با هدف واردات منابع انرژی و مواد خام بود.^{۲۵۳} و نیز چنان‌که یک مقام ایرانی در سال ۱۳۹۴ اظهار داشت: «ایران و چین تاکنون روابط تجاری داشته‌اند، اما از این پس انتظار ما این است که شاهد سرمایه‌گذاری چین در پروژه‌های زیربنایی خود باشیم. ما سالانه بین ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی نیاز داریم که بخش بزرگی از آن را چین می‌تواند در بخش‌هایی مانند حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی و هوایی، و نیز کشاورزی و صنایع مانند خانگی، نساجی و سرامیک تأمین کند.»^{۲۵۴} در راستای اهداف جاده‌ی ابریشم نوین، وزارت بازرگانی چین وارد مجموعه‌ای از مذاکرات و رایزنی با چندین کشور در مورد معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه، از جمله «مذاکرات معاهده‌ی سرمایه‌گذاری چین و ایران»، شده است.^{۲۵۵} بر این اساس این وزارتخانه در تیرماه ۹۴ اعلام کرد که ایران سی‌و‌چهارمین عضو هیئت مؤسس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی (AIIB) است^{۲۵۶} که ایده‌ی آن توسط شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳ و به منظور تأمین اعتبار و سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و زیرساخت‌های اساسی در کشورهای آسیایی مطرح گردید و در ژانویه‌ی ۲۰۱۶ رسماً آغاز به کار کرد. یکی از اهداف این بانک اجرای طرح‌های زیربنایی مرتبط با ابتکار کمربند و جاده است. عضویت ایران در بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، ایران را با پروژه‌ی جاده ابریشم نوین پیوند زده است.^{۲۵۷} همچنین در

^{۲۵۳} «قرارداد خط ریلی ۱۳ میلیارد دلاری ایران با چین»، دویچه وله فارسی.

²⁵⁴ Manochehr Dorraj, "The Belt and Road Initiative and China's Relations with Iran and Saudi Arabia: A Delicate Balancing Act." In *Critical Reflections on China's Belt & Road Initiative*, eds. Chong, Alan, and Pham, Quang Minh (Singapore: Springer Singapore Pte. Limited, 2020), 132

²⁵⁵ See "2015 Business Review XVII: Active and Steady Promotion of the Commerce Legal Construction," Ministry of Commerce People's Republic of China, February 1, 2016.

²⁵⁶ Angelo Young, "China Welcomes Iran, UAE To Asian Infrastructure Investment Bank; Founding Members Now Number 35," *International Business Times*, July 4, 2015.

²⁵⁷ "Who We Are," Asian Infrastructure Investment Bank.

آبان‌ماه ۹۶، معاون وزیر امور اقتصاد و رئیس سازمان سرمایه‌گذاری خارجی ایران اعلام کرد که خرید ۲.۸ درصد از سهام بانک توسعه زیرساخت آسیایی نهایی شد.^{۲۵۸}

حسن شاه بیگ، کاردار جمهوری اسلامی ایران در چین، تأکید کرد که در مسیر جهانی‌سازی راه ابریشم، چین در حال ایجاد یک مسیر ریلی ۹۲۶ کیلومتری از تهران به مشهد است و وقتی تکمیل شود زمان سفر از ۱۲ ساعت به ۶ ساعت کاهش خواهد یافت و برای جابه‌جایی ۲۵ میلیون مسافر و ۱۰ میلیون تن بار در سال کفایت می‌کند. او ضمن «اشاره به اینکه خطوط ریلی نیز میان دو کشور فعال است تصریح کرد که در این مسیر که از ارومچی مرکز منطقه سین‌کیانگ در شمال غرب چین تا تهران برقرار است و دو هزار و ۳۰۰ کیلومتر طول دارد، قطارهای راه‌ابریشم در حرکت هستند.» همچنین او اظهار کرد که سرعت و زمان حمل‌ونقل از طریق این مسیر ریلی حدود دو هفته است در صورتی که مسیر ترانزیت کالا از چین به ایران از راه دریا به ۴۵ تا ۵۰ روز زمان نیاز است ... و افزود که از ابتدای سال ۲۰۱۶ میلادی تاکنون، ۵ قطار باربری بین دو کشور تردد کرده است و از این طریق قطعات خودرو، لوازم الکترونیکی و سرامیک و غیره جابه‌جا می‌شود.^{۲۵۹} چنان‌که در ادامه بررسی‌شده و نشان خواهیم داد، فعالیت و سرمایه‌گذاری چین به احداث راه‌آهن ایران محدود نمی‌شود بلکه به توسعه‌ی سایر حوزه‌های حمل‌ونقل اعم از جاده‌ها، بنادر، بزرگراه‌ها و سایر پروژه‌های زیربنایی گسترش یافته است.

در بحبوحه‌ی امید به درونمای مسیر ترانزیتی میان ایران و چین، نخستین قطار باری ترکیه در دی‌ماه ۹۹ پس از طی هشت هزار و ۶۹۳ کیلومتر، بدون گذشتن از ایران، وارد شهر «شی آن» واقع در استان شانشی

^{۲۵۸} «ایران سهام یک بانک چندملیتی را خرید»، خبرگزاری مهر.

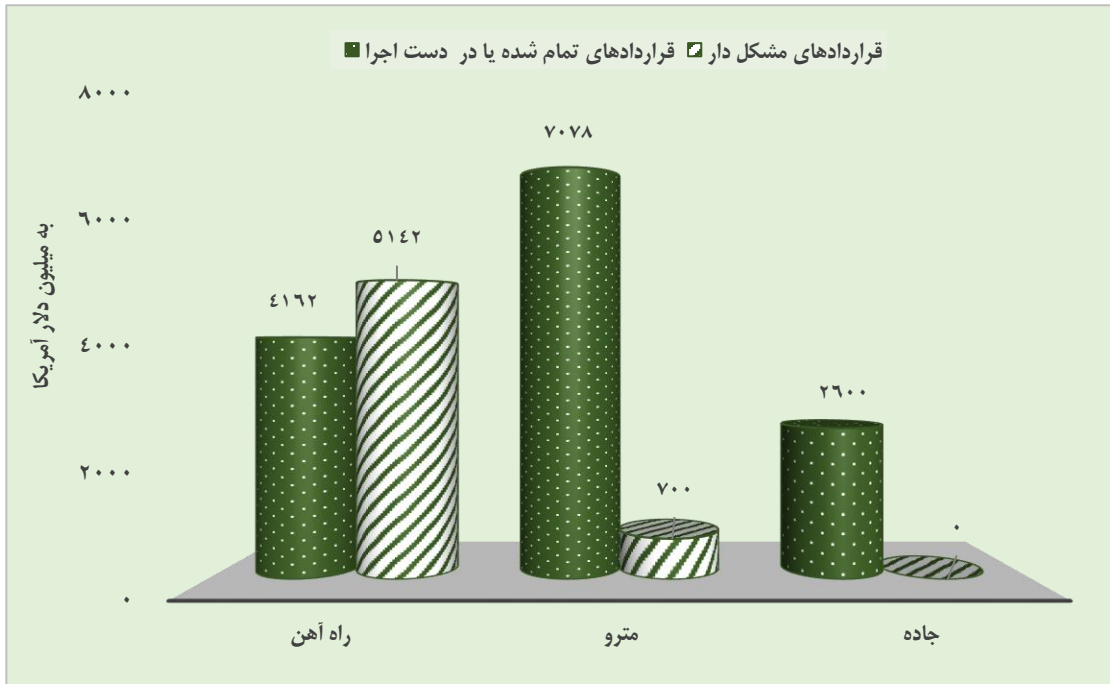
^{۲۵۹} «راه ابریشم همکاری چین و ایران را گسترش می‌دهد»، ایرنا.

در شمال غرب چین شد. به این ترتیب گشایش مسیر ترانزیتی ترکیه - گرجستان - جمهوری آذربایجان - قزاقستان - چین، نگرانی‌های متعددی در میان کارشناسان و مقامات جمهوری اسلامی به نسبت روابط ایران و چین بروز پیدا کرد مبنی بر این که «چین ایران را دور زده است».^{۲۶۰}

۳/۲. سرمایه‌گذاری چین در پروژه‌های حمل‌ونقل ایران

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که چین روی هم‌رفته حدود ۲۰ میلیارد دلار در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری در بخش ترابری انجام داده است (نمودار ۲-۵ و جدول ۱-۵ را مشاهده کنید). از لحاظ توزیع این سرمایه‌گذاری‌ها بر اساس بخش‌ها، بیشترین سهم (حدود ۹۰۳ میلیارد دلار) به بخش راه‌آهن اختصاص دارد که کمی بیش از ۵ میلیارد دلار آن مشتمل بر قراردادهای مشکل‌دار است که به دلایل مختلف، عملیات اجرایی آن به تعلیق در آمده یا تماماً فسخ شده و یا شرکت‌های چینی از پروژه‌های نامبرده خارج شده‌اند. در رده‌های بعدی، بخش خطوط مترو (۷۷۷۸ میلیون دلار) و احداث جاده (۲۶ میلیارد دلار) قرار دارند. بخشی از سرمایه‌گذاری‌های متعلق به خطوط مترو به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار شامل قراردادهای مشکل‌دار (تعلیق و یا فسخ‌شده) است.

^{۲۶۰} «چگونه چین ایران را دور زد؟ / راه جدید ابریشم بدون ایران»، اعتماد آنلاین؛ «هدف از معرفی کریدور ترکیه - چین کم‌رنگ کردن خط‌آهن خواف - هرات بود»، پرتال حمل‌ونقل.



نمودار ۲-۵. توزیع میزان سرمایه‌گذاری‌های چینی در شبکه‌های حمل‌ونقل ایران بر اساس بخش‌ها.
منبع: محاسبات نویسنده بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده که در بخش زیر ارائه شده‌اند.

جدول ۱- ۵. میزان سرمایه‌گذاری‌های چین در بخش‌های راه‌آهن، جاده و بزرگراه و متروی ایران طی دوره‌ی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰.

خطوط راه‌آهن

شماره	تاریخ انعقاد قرارداد	پروژه	پیمانکار(ها)	طرف ایران	ارزش (به میلیون دلار آمریکا)	سرنوشت قرارداد
۱	بهمن ۱۳۹۱	رشت - آستارا	-	-	۶۳۹ *	متوقف و قرارداد آن با جمهوری آذربایجان منعقد شد
۲	۱۳۹۳	تهران - اصفهان	مهندسی راه‌آهن چین	قرارگاه خاتم الانبیا	۱۹۴۰	-
۳	بهمن ۱۳۹۴	خط مشهد - گلپهار	نورینکو	شرکت سپاسد	۲۰۵	-
۴	۱۳۹۴	زاهدان - بیرجند	-	-	x	-
۵	مرداد ۱۳۹۶	تهران - مشهد	اِگزیم بانک چین	بانک صنعت و معدن ایران	۱۵۰۰	خروج چین از پروژه در بهمن ۹۹
۶	دی ۱۳۹۶	کرمانشاه - خسروی	CCECC	-	۵۴۰	-
۷	اسفند ۱۳۹۶	تهران - همدان - سنندج	سینوماچ	-	۸۳۷	-
۸	اسفند ۱۳۹۶	شیراز - بوشهر	سیناکاست	وزارت نفت ایران	۷۰۰	-
۹	فروردین ۱۳۹۷	گرگان - بجنورد - مشهد	سایناهی‌درو	شرکت مسکن و عمران قدس رضوی	۲۰۲۳	سهم شرکت چینی از مجموع ۲۳۸۰ میلیون دلار ۸۵٪ و شرکت ایرانی ۱۵٪ است
۱۰	اردیبهشت ۹۸	چابهار - مشهد	سایناهی‌درو	شرکت ساخت و توسعه زیر بناهای حمل‌ونقل	۹۲۰	-
					۹۳۰۴	مجموع کل

جاده و بزرگراه

شماره	تاریخ انعقاد قرارداد	پروژه	پیمانکار(ها)	طرف ایران	ارزش (به میلیون دلار آمریکا)	سرنوشت قرارداد
۱	اردیبهشت ۱۳۸۸	آزادراه تهران - شمال (قطعه‌ی ۱ و ۲)	کنسرسیوم STA	وزارت راه و ترابری و بنیاد مستضعفان	۴۰۰	
۲	بهمن ۱۳۹۶	آزادراه تهران - شمال (قطعه‌ی ۳)	چینگ دا	بنیاد مستضعفان	۲۲۰۰	
					۲۶۰۰	مجموع کل

خطوط مترو

شماره	تاریخ انعقاد قرارداد	پروژه	پیمانکار(ها)	طرف ایران	ارزش** (به میلیون دلار آمریکا)	سرنوشت قرارداد
۱	خرداد ۱۳۷۴	مترو و قطار برقی تهران	سه شرکت چینی	شرکت راه آهن شهری تهران و حومه	۵۷۳	
۲	آذر ۱۳۸۱	خط ۱ متروی تهران	سیتیک	شرکت راه آهن شهری تهران و حومه	۱۸۰۰	
۳	اردیبهشت ۱۳۸۳	خط ۴ متروی تهران	نورینکو	شرکت راه آهن شهری تهران و حومه	۶۸۰	
۴	آذر ۱۳۸۷	۳۱۵ واگن برای تبریز، اصفهان و شیراز	x	-	۳۰۰	
۵	۱۳۹۵	۱۰۰۸ واگن برای متروی تهران	CRRC	-	۱۳۹۰	
۶	اسفند ۱۳۹۵	۷۰ واگن برای متروی تهران	نورینکو	-	۱۰۰	
۷	فروردین ۱۳۹۶	خط ۶ متروی تهران	نورینکو	-	۱۲۰۰	
۸	اردیبهشت ۱۳۹۶	۱۰۰ واگن برای خط ۲ مشهد	CRRC	-	۹۸	
۹	اسفند ۱۳۹۶	۴۵۰ واگن برای متروی اهواز، شیراز و تبریز	پوژن	-	۵۰۰	
۱۰	اسفند ۱۳۹۶	۶۳۰ واگن متر برای متروی تهران	سی.آی.سی	واگن‌سازی تهران	۷۰۰	سال ۱۳۹۹، ساخت این واگن‌ها متوقف ماند
۱۱	اردیبهشت ۹۷	۵۰ واگن لocomotivo باری دیزل الکتریک	دالبان	واگن پارس و البرز	۷۰	
۱۲	دی ۱۳۹۷	۳۶۷ واگن برای متروی تهران	RTTE	واگن پارس	۳۶۷	
۱۳	تیر ۱۳۹۸	۸۰ پله برقی		-	۰	
مجموع کل					۷۷۷۸	

* اسامی پروژه‌ها و ارزش قراردادهایی که به رنگ قرمز آمده‌اند، قراردادهای مشکل‌دار (تعلیق‌شده و یا فسخ‌شده) هستند.

** من ارزش اولیه‌ی قراردادهای سرمایه‌گذاری به ارزشهای دیگر (ریال، تومان و یورو) را به دلار تبدیل کرده‌ام. این تغییر با استفاده از این [وبسایت](#) و بر اساس نرخ ارز در تاریخی که قرارداد

انعقاد شده، صورت گرفته است.

خطوط راه‌آهن

به گفته‌ی کاردار سفارت جمهوری اسلامی در چین، «از زمان راه‌اندازی جاده‌ی ابریشم نوین و خطوط ریلی میان دو کشور، دولت ایران هم به این برنامه به‌عنوان بخشی از طرح‌های توسعه‌ی ریلی تا سال ۲۰۲۵ میلادی اهمیت می‌دهد و امیدوار است سهم حمل‌ونقل ریلی مسافربری و باربری را به ترتیب ۳۰ و ۲۰ درصد افزایش دهد.»^{۲۶۱} این طرح در «قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی ششم توسعه» تدوین و تصویب شده است.^{۲۶۲} به‌مثابه‌ی بازتاب اهدافی که پروژه‌ی ابتکار جاده و کمر بند دنبال می‌کند، علاقه‌ی چین به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های حمل‌ونقل ایران به‌خصوص در نوسازی و گسترش



شکل ۵.۱. نقشه‌ی خطوط راه‌آهن ایران

²⁶¹ Li Tianyang, "Belt & Road Initiative expands China-Iran cooperation," China Daily, January 255, 2019.

²⁶² «قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

خطوط راه‌آهن شتاب می‌گیرد. به این ترتیب، چین میلیاردها دلار برای پروژه‌های عمرانی به‌ویژه در شبکه‌های زیربنایی حمل‌ونقل سرمایه‌گذاری کرده است.

مهمترین پروژه‌ی ریلی که چین در چارچوب جاده‌ی ابریشم نوین در آن سرمایه‌گذاری کرده، ساخت راه‌آهن سریع‌السیر تهران - قم - اصفهان است. ایران قرارداد تأمین مالی ۱.۸ میلیارد یورویی را در سال ۱۳۹۳ با شرکت مهندسی راه‌آهن چین (CREC) که توسط بانک صادرات و واردات چین تأمین مالی شده بود، برای ساخت اولین خط سریع‌السیر ایران در پروژه راه‌آهن تهران - قم - اصفهان امضا کرد. این پروژه شامل دو قطعه تهران - قم به طول ۱۶۵ کیلومتر و قم - اصفهان به طول ۲۴۵ کیلومتر است. نهایتاً شرکت چینی با دادن وام در تیرماه ۹۴ موافقت کرد.^{۲۶۳} این قطار سریع‌السیر با ۲۵۰ کیلومتر در ساعت با تخمین حمل‌ونقل ۱۶ میلیون مسافر در سال زمان سفر را به ۲ ساعت کاهش می‌دهد. در اواخر سال ۱۳۹۸، پکن خط اعتباری ۱.۹۴ میلیارد دلاری را برای تأمین مالی این پروژه بازگشایی کرد.^{۲۶۴} با وجود این، با خروج آمریکا از برجام، این پروژه و چندین فقره پروژه‌ی دیگر در بخش ساخت‌وساز راه‌آهن ایران با مشکل مواجه شد. چندی پیش در اردیبهشت ۱۴۰۰ خطیبی، معاون شرکت ساخت و توسعه‌ی زیربنای حمل‌ونقل کشور (CDTIC)، این پروژه را یکی از پروژه‌های مهم برای چینی‌ها دانست و گفت «قرار است این پروژه هم به طرح «یک کمربند - یک راه» و هم به تفاهم‌نامه‌ی ۲۵ ساله‌ی ایران و چین منتقل شود. نیز تأکید کرد که «با وجود گذشت ۱۵ سال از امضای قرارداد تنها ۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.» خطیبی تأکید کرد: مطابق پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی برای تعدیل قیمت احداث این پروژه به سازمان برنامه و بودجه، «برآورد ۵۷ میلیارد یوآن که قبلاً قراردادی با این رقم به امضا رسیده بود مورد بازبینی قرار گرفت و

²⁶³ "China Finances Tehran-Isfahan High-Speed Railroad," Financial Tribune, July 21, 2017.

²⁶⁴ "China Reopens \$1.9b L/C for Tehran-Qom-Isfahan Railroad Project," Financial Tribune, December 18, 2019.

با احتساب هزینه‌های کارفرمایی به ۴۲.۵ میلیارد یوان کاهش داد. «افزون بر این، وی اظهار داشت که «از مبلغ ۴ میلیارد یوان فاینانس فعال شده و قابل وصول ۲.۲ میلیارد یوان دریافتی داشته‌ایم. دنبال اخذ مجوزها برای فعال کردن ال سی ۱۳.۶ میلیون یوان هستیم تا به پروژه تزریق شود.»^{۲۶۵}

دومین پروژه‌ی کلیدی مرتبط با جاده‌ی ابریشم نوین تأمین مالی راه‌آهن سریع‌السیر تهران - مشهد است. این خط ریلی ادامه‌ی کریدور چین - آسیای میانه - آسیای غربی است که چین را از طریق آسیای مرکزی به بازارهای عمده و منابع انرژی مناطق نفت خیز خاورمیانه و دریای خزر و قلب آسیای غربی و اروپا متصل می‌کند. در مردادماه ۹۶ قرارداد تأمین مالی ۱.۵ میلیارد دلاری برای برقی کردن راه‌آهن سریع‌السیر (۹۲۶ کیلومتری) تهران - مشهد بین اگزیم بانک چین (بانک صادرات و واردات چین) و بانک صنعت و معدن ایران به امضا رسید. ارزش این قرارداد ۱.۷ میلیارد دلار است که ۱.۵ میلیارد دلار توسط اگزیم بانک چین و ۲۰۰ میلیون دلار توسط ایران تأمین می‌شود. این پروژه زمان سفر را از ۱۲ ساعت به ۶ ساعت یا ۵۰ درصد کاهش می‌دهد. سان پینگ، نایب‌رییس اگزیم بانک چین در حاشیه‌ی این مراسم با بیان این که این بانک تاکنون ۲۶ پروژه را در ایران تأمین مالی کرده است، گفت: «تاکنون ۵۰۰ میلیارد دلار تأمین مالی و هشت و نیم میلیارد دلار وام تجاری به طرف ایران اعطا شده است.»^{۲۶۶} با این حال، معاون وزیر راه در بهمن‌ماه ۹۹ از خروج چین از این پروژه خبر داد و خاطرنشان کرد: «فاینانسور چینی اعلام کرده که نمی‌تواند پروژه‌ی راه‌آهن برقی تهران - مشهد را بسازد.»^{۲۶۷} تحریم‌های اعمال‌شده‌ی آمریکا و فرار چینی‌ها از مشکلاتی که این

^{۲۶۵} «قطار سریع‌السیر تهران-قم-اصفهان ۱۵ ساله شد!»، تابناک

^{۲۶۶} «قرارداد ۱.۷ میلیارد دلاری برقی شدن راه‌آهن تهران-مشهد با چین امضا شد»، خبرگزاری تسنیم.

^{۲۶۷} «چین از پروژه راه‌آهن برقی تهران-مشهد خارج شد»، خبرگزاری ایمننا.

محدودیت‌ها درست می‌کند، قوی‌ترین عاملی است که می‌تواند خروج سرمایه‌گذاران چینی از پروژه‌ی برقی کردن راه‌آهن تهران - مشهد را توضیح دهد.

علاوه بر این کلان‌پروژه‌ها، مشارکت چین در پروژه‌های راه‌آهن ایران به بهمن‌ماه ۹۱ بازمی‌گردد، زمانی که تهران و پکن قراردادی ۶۳۹ میلیون یورویی (معادل ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان) برای ساخت راه‌آهن رشت - آستارا، قطعه‌ای از کریدور ریلی شمال - جنوب ایران، امضا کردند.^{۲۶۸} اما این توافق‌نامه‌ی چین و ایران مدتی بعد متوقف شد و در سال ۱۳۹۶ قرارداد جدیدی بین جمهوری آذربایجان و ایران برای ساخت این پروژه منعقد شد.^{۲۶۹} با وجود آن، بلافاصله پس از سفر شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین به ایران در بهمن‌ماه ۹۴، قرارداد راه‌آهن برقی حومه‌ای مشهد - گلپه‌ار با یک گروه چینی (شرکت نورینکو) و شرکت سپاسد، زیرمجموعه‌ی قرارگاه خاتم‌الانبیاء، منعقد شد. به‌گفته‌ی مدیرعامل شرکت عمران‌شهر جدید گلپه‌ار، مبلغ کل این قرارداد ۲۹۹ میلیون یورو است که ۱۸۶ میلیون یورو (معادل ۲۰۵ میلیون دلار) آن از طریق فاینانس سرمایه‌گذاران چینی تأمین می‌شود.^{۲۷۰} در همان سال معاونت وزیر راه و شهرسازی از امضای تفاهم‌نامه‌ی بین ایران و چین به‌منظور تأمین اعتبارات خط ریلی زاهدان - بیرجند در شرق ایران خبر داد. ساخت این خط راه‌آهن بخشی از کریدور شمال - جنوب کشور است که اتصال ایران به آسیای میانه و افغانستان را تسهیل می‌کند. اما در آذرماه ۹۸ خبرگزاری‌ها اعلام کردند که خط ریلی زاهدان - بیرجند به طول ۶۰۰ کیلومتر که قرار بود اعتبارات آن از طریق شرکت چینی تأمین شود، اخیراً اعلام شد که هیأت دولت ۷۰۰ میلیون یورو تسهیلات ارزی برای آن مصوب کرده است که از محل تسهیلات روسیه تأمین خواهد

^{۲۶۸} «قرارداد ساخت راه‌آهن رشت - بندر انزلی - تالش - آستارا با چینی‌ها بسته شد»، ایسنا.

²⁶⁹ See "Construction of Rasht-Astara Railway to start next year," AZERTAC, November 16, 2017.

^{۲۷۰} «قرارداد قطار برقی مشهد - گلپه‌ار امضا شد»، صبح‌توس؛ «فاینانس طرح قطار مشهد - گلپه‌ار تمدید شد»، قدس آنلاین.

شد.^{۲۷۱} به‌رغم این تلاش‌ها، وزیر راه و شهرسازی در بهمن‌ماه ۹۹ اعلام کرد که «پس از خروج آمریکا از برجام و تهدید کشورهای طرف قرارداد از سوی آمریکا، این کشورها ناچار به لغو همکاری با ایران شدند و حدود ۱۰ پروژه‌ی مهم وزارت راه و شهرسازی به همین مشکل دچار شد.»^{۲۷۲}

در ادامه‌ی گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل ایران، شرکت ساختمانی مهندسی عمران چین (CCECC)، یکی از شرکت‌های تابعه‌ی شرکت ساخت‌وساز راه‌آهن چین (CRCC)، در دی‌ماه ۹۶ قراردادی به ارزش ۳.۵۳ میلیارد یوان (معادل ۵۴۰ میلیون دلار) برای ساخت یک خط ریلی ۲۶۳ کیلومتری بین کرمانشاه و خسروی در غرب ایران منعقد کرد.^{۲۷۳} با احداث این طرح امکان برقراری ارتباط ترانزیتی بین کشورهای آسیای میانه و شرق آسیا و دریای مدیترانه از طریق خاک کشور ایران (کریدور شرق به غرب ایران) فراهم می‌شود. این خط به‌عنوان یکی از خطوط اتصال به عراق، کریدور ریلی ایران و اروپا را تکمیل خواهد کرد.^{۲۷۴} سه ماه بعد، قرارداد ۲ میلیارد و ۳۸۰ میلیون دلاری میان شرکت مسکن و عمران قدس رضوی، شرکت تابعه‌ی آستان قدس رضوی، با شرکت دولتی سینوهیدرویی چین برای تأمین مالی ساخت راه‌آهن گرگان - بجنورد - مشهد نهایی شد. این پروژه‌ی ۵۵۰ کیلومتری شهرهای شمال شرق ایران را به یکدیگر متصل می‌کند و با مسیری جدید گرگان را در مسیر شهرهای شیروان و قوچان به مشهد و سپس به شبکه‌ی ریلی اصلی ایران وصل می‌کند.^{۲۷۵} طبق قرارداد، شرکت چینی بنا بود ۸۵ درصد فاینانس (معادل ۱۰.۸ میلیارد یوان) و طرف ایرانی یعنی

^{۲۷۱} «راه‌آهن زاهدان - بیرجند، محصول مشترک چین و روسیه»، ایسنا.

^{۲۷۲} «تأمین مالی پروژه اتصال بیرجند به شبکه ریلی به زودی آغاز می‌شود»، ایسنا.

^{۲۷۳} "CCECC Wins the Bidding of a Railway Project in Western Iran", China Railway Construction Corporation Limited, January 4, 2018.

^{۲۷۴} «راه‌آهن کرمانشاه-خسروی حلقه اتصال به اروپا»، قدس آنلاین

^{۲۷۵} «نهایی شدن قرارداد راه‌آهن گرگان - بجنورد - مشهد»، ایسنا؛

"\$2.3b Chinese Deal Finalized for Iranian Rail Project," Financial Tribune, May 25, 2018.

آستان قدس رضوی نیز سهم ۱۵ درصدی این پروژه را متقبل شوند. اما مدیرعامل شرکت مسکن و عمران قدس رضوی در دی ماه ۹۸ اعلام کرد که «به دلیل تحریم‌های اعمال شده از سوی آمریکا، طرف‌های چینی قرارداد این پروژه به‌طور کامل از کشور خارج شده‌اند و عملاً هیچ‌گونه عملیات اجرایی در خصوص این راه‌آهن انجام نشده است.»^{۲۷۶}

پروژه‌ی بسیار مهم دیگر در حوزه‌ی احداث خطوط راه‌آهن، پروژه ساخت راه‌آهن تهران - همدان - سنندج است که توسط شرکت‌های چینی تأمین مالی شده است. شرکت ملی ساخت ماشین‌آلات ساختمانی چین (سینوماچ) در اسفندماه ۹۶ به توافق‌نامه‌ای ۵.۳۵ میلیارد یوانی (برابر با ۸۳۶.۸۷ میلیون دلار) برای طرح و ساخت توسعه راه‌آهن تهران - همدان - سنندج دست یافتند. این پروژه به طول ۴۷۰ کیلومتر و یک‌خطه با سرعت ۱۶۰ کیلومتر در ساعت برای مسافری و ۱۲۰ کیلومتر برای باربری طراحی شده است و نیز تهران را به شهرهای غربی ایران - به همدان و سنندج - پیوند می‌دهد.^{۲۷۷} این طرح ریلی دنباله‌ی کریدور چین - آسیای میانه - آسیای غربی (CCAWE) است و بیانگر حجم عظیم سرمایه‌گذاری چین در ایران، به‌ویژه مشارکت در پروژه‌های حمل‌ونقل است. و همچنین بازتاب‌دهنده‌ی تعقیب مقاصد اعلام‌شده‌ی ابتکار کمربند و جاده است که هدف آن بهبود و تسهیل حمل‌ونقل جهانی و هم‌پیوستگی تجارت بین‌منطقه‌ای و بیناقله‌ای است.^{۲۷۸} هم‌زمان، در اسفندماه ۹۶، شرکت سرمایه‌گذار سیناکاست چین قراردادی به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار با وزارت نفت ایران برای ساخت راه‌آهن شیراز - بوشهر به طول ۴۵۰ کیلومتر منعقد کرد. معاون وزیر نفت ایران در این باره اظهار داشت که این طرح ریلی یکی از اصلی‌ترین پروژه‌ها برای تکمیل کریدور شمال به

^{۲۷۶} «مشهد-گرگان هم از ریل خارج شد»، روزنامه‌ی خراسان، ۲۶ دی ۱۳۹۸.

^{۲۷۷} «قرارداد تأمین مالی و تکمیل عملیات اجرایی راه‌آهن تهران-همدان-سنندج به زودی امضا می‌شود»، پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی؛

“Sinomach signs \$836m railway project with Iran”, 23 March 2018.

^{۲۷۸} “China's Sinomach to build \$845 million railway in western Iran”, March 21, 2018.

جنوب ایران است که بندر کلیدی بوشهر در جنوب را از طریق شیراز به شبکه‌ی ریلی کشور متصل می‌کند. و پیش‌بینی می‌شود سالانه یک میلیون مسافر و ۱۲ میلیون تن بار در این محور جابه‌جا شود.^{۲۷۹} این پروژه «کریدور راه‌آهن شمال - جنوب» را تکمیل می‌کند که اساساً در راستای هدف ایران برای تبدیل شدن به قطب ترانزیتی حمل‌ونقل کالا و تجارت بین خلیج فارس، شبه‌قاره‌ی هند، روسیه و آسیای مرکزی اجرایی می‌شود.^{۲۸۰}

سرانجام احداث راه‌آهن چابهار - مشهد یکی دیگر از پروژه‌های مهم است که چین در آن فعالیت داشته است. مدیر پروژه‌ی راه‌آهن چابهار - مشهد در اردیبهشت‌ماه ۹۸ اعلام کرد که تفاهم‌نامه‌ی اولیه میان شرکت ساینهیدرو چین با شرکت ساخت و توسعه زیر بناهای حمل‌ونقل کشور برای ساخت راه‌آهن چابهار - مشهد به ارزش ۹۲۰ میلیون یورو منعقد شد. وی در ادامه افزود: بقیه‌ی مسائل در مذاکرت آینده تعیین می‌شود و بعد از توافق بر سر مسائل مالی، قرارداد با این شرکت بسته خواهد شد.^{۲۸۱} این خط بخشی مهمی از کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال - جنوب است که آسیای مرکزی را از طریق بندر چابهار به خلیج فارس وصل می‌کند.

خطوط مترو

مشارکت چینی‌ها در ساخت پروژه‌های زیربنایی ترابری ایران سابقه‌ی نسبتاً طولانی دارد و به پروژه‌های راه‌آهن ختم نمی‌شود. یک کارشناس حمل‌ونقل شهری با تأکید بر این که سایه‌ی چین هم بر شبکه‌ی مترو و هم بر سامانه‌ی بی.آر.تی. تهران سنگینی می‌کند، به خبرنگار ایمنای می‌گوید: بخش قابل توجهی از ناوگان ریلی و ناوگان اتوبوسرانی تهران، تولید یا مونتاژ چین است.^{۲۸۲} همچنین به

^{۲۷۹} «امضای قرارداد سرمایه‌گذاری ۷۰۰ میلیون دلاری چین در راه‌آهن بوشهر»، ایسنا.

^{۲۸۰} “Iran signs deal with China to connect key port to rail network”, Singapore Press Holdings digital news, March 7, 2018.

^{۲۸۱} «ورود چینی‌ها به ساخت راه‌آهن چابهار-مشهد»، ایسنا.

^{۲۸۲} «حمل و نقل عمومی تهران رنگ و بوی چینی دارد»، خبرگزاری ایمنای.

نقل از روزنامه‌ی پپلز دیلی چین، اکثر واگن‌های متروی ایران در شهر چانگچون چین ساخته می‌شوند.^{۲۸۳}

فعالیت چین در ساخت متروی تهران به دهه‌ی هفتاد شمسی برمی‌گردد. در خردادماه ۷۴ قراردادی به ارزش ۵۷۳ میلیون دلار میان شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (یکی از شرکت‌های تابعه‌ی ایدرو) و سه شرکت چینی (متشکل از شرکت صنایع شمال چین، شرکت ملی واردات و صادرات تکنولوژی چین و شرکت بین‌المللی سپرده و سرمایه‌گذاری چین) برای همکاری در ساخت مترو و قطار برقی تهران امضا شد. گفته می‌شود که این مترو «عظیم‌ترین و طولانی‌ترین متروی خاورمیانه خواهد بود.»^{۲۸۴} و نیز در آذرماه ۸۱ قرارداد توسعه‌ی خط یک متروی تهران از خیابان میرداماد تا میدان قدس (تجریش)، در پکن به امضای مدیران عامل شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (مترو) و شرکت چینی «سیتیک» رسید.^{۲۸۵} به گفته‌ی مدیرعامل شرکت سیتیک، ارزش این قرارداد یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار است و این شرکت یکی از پیمانکاران اصلی خط ۱ و ۲ متروی تهران بوده است.^{۲۸۶}

مشارکت فعال شرکت‌های چینی در متروی تهران ادامه یافت. در اردیبهشت‌ماه ۸۳، شرکت نورینکوی چین قراردادی به ارزش ۶۸۰ میلیون دلار با شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه برای ساخت خط ۴ متروی تهران تنفیذ شد. این خط ۴۰ کیلومتری کاظم‌آباد در شمال شرق تهران را به اسلام‌شهر در جنوب‌غربی متصل می‌کند.^{۲۸۷} به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، شرکت نورینکوی چین

²⁸³ “Chinese-built metro in Tehran”, People's Daily Online, September 30, 2014.

^{۲۸۴} «شرکت‌های چینی برنده قرارداد ساخت مترو و راه‌آهن برقی تهران و حومه شدند»، ایرنا.

^{۲۸۵} «قرارداد توسعه خط یک مترو تهران در پکن به امضا رسید»، ایرنا.

^{۲۸۶} «قرارداد ۱/۸ میلیارد دلاری توسعه خط یک مترو با طرف چینی امضا شد»، روزنامه‌ی سرمایه، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۱۵۹.

²⁸⁷ “Norinco signs Tehran Metro deal,” MEED, June 11, 2004.

همکار قدیمی متروی تهران است و تجهیزات خط متروی تهران - کرج - مهرشهر به وسیله‌ی این شرکت تأمین شده است.^{۲۸۸} همچنین برپایه‌ی گزارش تایمز در فروردین ماه ۹۶، شرکت نورینکو قراردادی ۱.۲ میلیارد دلاری برای ساخت خط ۶ متروی تهران دارد که پیش‌بینی می‌شود در همان سال تکمیل شود.^{۲۸۹}

علاوه بر ساخت شبکه‌های خطوط مترو، ساخت واگن‌های مترو بخش مهمی از فعالیت اقتصادی چین در بخش ترابری ایران است. به پیشنهاد وزارت کشور در شهریورماه ۹۵ شورای اقتصاد ایران طرح تأمین ۲۰۰۰ واگن برای متروی تهران و کلان‌شهرها را تصویب کرد.^{۲۹۰} ساخت این واگن‌ها عمدتاً توسط شرکت‌های چینی انجام شده است. در سال‌های اخیر قراردادهای میلیونی بین ایران و شرکت‌های چینی برای تولید و ساخت این واگن‌ها برای کلان‌شهرهای مختلف ایران منعقد شده است که در زیر ذکر خواهند شد.

(i) قرارداد تأمین ۳۱۵ دستگاه واگن فی‌مابین شرکت مادر تخصصی حمل‌ونقل ریلی کشور (یریکو) و شرکت چینی پوژن (CRRC Nanjing Puzhen)، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های واگن‌سازی جهان، جهت تأمین ناوگان مترویی خطوط اول سازمان‌های قطار شهری تبریز (TURO)، شیراز (SURO) و اصفهان (EURO) در آذرماه ۸۷ منعقد شد. در چارچوب این قرارداد، قراردادی برای ساخت و آزمایش ۲۱۵ دستگاه واگن مترویی با هزینه‌ی تخمینی ۳۰۰ میلیون دلار (بر پایه‌ی هزینه‌ی ۱۰.۷۸.۰۰۰ یورو برای هر واگن) امضا شد.^{۲۹۱} سایر قراردادها عبارتند از (ii) قرارداد ۱.۳۹ میلیارد

^{۲۸۸} «قرارداد ساخت چهار مترو تهران»، بی‌بی‌سی فارسی.

^{۲۸۹} “Chinese firms help to update Tehran subway,” Tehran Times, March 23, 2017.

^{۲۹۰} «۲۰۰۰ واگن برای متروی کلانشهرها تأمین می‌شود»، ایسنا.

^{۲۹۱} «قرارداد ساخت ۲۱۵ دستگاه واگن مترو در داخل کشور برای اصفهان، شیراز و تبریز امضا شد»، دفتر حمل‌ونقل ریلی درون شهری و حومه؛ «قرارداد ساخت ۲۱۵ واگن مترو با چینی‌ها منعقد شد» ایرنا؛ «انقباد قرارداد ساخت ۳۱۵ واگن قطار شهری تبریز، اصفهان و شیراز با مشارکت چینی‌ها»، بنا نیوز.

دلاری در سال ۱۳۹۵ با شرکت «خودروهای ریلی سی.آر.آر.سی چانگ‌چون» چین برای تأمین ۱۰۰۸ دستگاه واگن مترو برای متروی تهران؛^{۲۹۲} (iii) قرارداد ۱۰۰ میلیون دلاری در اسفندماه ۹۵ برای ساخت ۷۰ دستگاه واگن مترو برای متروی تهران؛^{۲۹۳} (iv) قرارداد ۹۸ میلیون یورویی فی‌مابین تی.وی.وی، واگن‌سازی تهران و سی.آر.آر.سی چانگ‌چون برای ساخت و تأمین ۱۰۰ واگن مترو برای خط ۲ قطارشهری ۱۴ کیلومتری در مشهد، دومین شهر بزرگ ایران؛^{۲۹۴} (v) قرارداد ۵۰۰ میلیون یورویی در اسفندماه ۹۶ برای تولید و تأمین ۴۵۰ دستگاه واگن مترو برای سه شهر اهواز، شیراز و تبریز منعقد شد. طبق این قرارداد شرکت پوژن چین متعهد شده اعتبار مالی پروژه را تا سقف ۸۵ درصد تأمین کند و ۱۵ درصد مابقی سرمایه‌ی این طرح از سوی سرمایه‌گذار داخلی تأمین خواهد شد.^{۲۹۵}

همچنین در اسفندماه ۹۶، (vi) کنسرسیوم شرکت سی.آی.سی چین و واگن‌سازی تهران برنده‌ی مناقصه‌ی ساخت ۶۳۰ واگن راه‌آهن برای متروی تهران شدند. فاینانس آن توسط شرکت نورینکوچین تأمین می‌شود. براساس متوسط هزینه‌ی FOB (تحویل در بندر شانگ‌های) بابت هر واگن ۱۰۰۷۸ هزار یورو، هزینه‌ی کل آن ۷۰۰ میلیون دلار برآورد شده است.^{۲۹۶} رسانه‌های ایرانی در اواخر سال ۱۳۹۹ گزارش کردند که «خرید ۶۳۰ واگن مترو تهران پس از ۴ سال طی مراحل تشریفات قانونی به دلیل مزاحمت‌های ترامپ و تحریم‌ها متوقف مانده است».^{۲۹۷} (vii) رجب صلاحی، معاون

²⁹² Zhong Nan, "CRRC to supply Iranian city with 100 subway cars", 2017-02-24, China Daily; Tehran Times, "Chinese firms help to update Tehran subway," March 23, 2017.

²⁹³ Tehran Times, "Chinese firms help to update Tehran subway," March 23, 2017.

²⁹⁴ «ارسال تمامی واگن‌های خط ۲ قطار شهری به»، CRRC, March 10, 2017; مشهد تا مهرماه ۹۶»، خبرگزاری برنا.

²⁹⁵ «واگن‌سازی با فاینانس چینی»، روزنامه‌ی دنیای اقتصاد؛ «قرارداد تولید ۴۵۰ واگن مترو با چین امضا شد»، جهان نیوز.

²⁹⁶ «جزئیات قرارداد ۶۳۰ دستگاه واگن متروی تهران»، ایسنا.

²⁹⁷ «سرانجام ۶۳۰ واگن مترو سرگردان بین دولت و ترامپ»، گام نو؛ «کارت قرمز بانک مرکزی به واگن‌های چینی متروی تهران»، مشرق.

امور شهرداری‌های وزارت کشور در شهریورماه ۹۹ با اعلام این‌که تهران در مجموع به ۱۰۵۰ واگن مترو نیاز دارد، خاطرنشان کرد که «با محقق شدن قرارداد ۶۳۰ دستگاه واگن در تلاش هستیم قرارداد تولید ۴۲۰ دستگاه واگن را عملیاتی کنیم.»^{۲۹۸} فقره‌ی بعدی (viii) امضای قرارداد تأمین و ساخت ۳۶۷ واگن مترو برای خطوط متروی تهران فی‌مابین واگن پارس و شرکت چینی «بیجینگ ریل ترانزیت تکنولوژی» (RTTE) در دی‌ماه ۹۷ با هزینه‌ی تخمینی بالغ بر ۳۶۶.۹ میلیون دلار به امضا رسید.^{۲۹۹}

سرانجام (ix) در اریبیهشت‌ماه ۹۷، قرارداد سه‌جانبه میان دو شرکت ایرانی (واگن پارس و البرز) و شرکت دالیان چین برای ساخت ۵۰ واگن لوکوموتیو باری دیزل الکتریک به ارزش ۷۰ میلیون دلار به امضا رسید. و در تیرماه ۹۸، قراردادی برای ساخت ۸۰ پله برقی مترو با کشور چین منعقد شد.^{۳۰۰}

جاده و بزرگراه

مشارکت فعال چین در شبکه‌های حمل‌ونقل ایران، نخست در ساخت جاده و بزرگراه‌ها آغاز شد که به دهه‌ی ۱۳۸۰ برمی‌گردد. پس از فراز و نشیب‌های فراوان در روند ساخت بزرگراه، قراردادی به ارزش ۲۵۴ میلیون دلار در سال ۱۳۸۲ بین طرف ایرانی (وزارت راه و ترابری و بنیاد مستضعفان) و کنسرسیوم STA چین (بانک‌های سازندگی و شرکت ساینشور) برای ساخت قطعه‌ی اول آزادراه تهران - شمال به امضا رسید. لازم به ذکر است که به‌دلیل بروز مشکل در باز کردن خط اعتبار مالی توسط ایران، نارضایتی از مدیریت شرکت چینی و بسیاری عوامل دیگر، همکاری با شرکت چینی به نتیجه‌ای نرسید و پروژه به‌مدت ۳ سال متوقف ماند.^{۳۰۱} پس از انصراف یک شرکت فرانسوی از ساخت

^{۲۹۸} «تهران به بیش از یک هزار دستگاه واگن مترو نیاز دارد»، ایرنا.

^{۲۹۹} “Chinese Firm Signs Contract for 367 Tehran Subway Cars”, Financial Tribune, January 09, 2019.

^{۳۰۰} «انعقاد قرارداد برای ساخت ۸۰ پله برقی مترو با چین»، سلام نو.

^{۳۰۱} «قطعه قطعه تا شمال»، همشهری.

آزادراه تهران - شمال در آبان ماه ۸۷، چین جایگزین فرانسه شد و مجدداً قراردادی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار در اردیبهشت ماه ۸۸ میان وزارت راه و ترابری و بنیاد مستضعفان با کنسرسیوم STA چین به امضا رسید تا قطعه‌ی اول آزادراه سی‌وشش ماهه افتتاح شود. طول این آزادراه در مجموع ۱۲۱ کیلومتر است و تهران را به شهر تفریحی چالوس در غرب استان مازندران متصل می‌کند.^{۳۰۲} پرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان، در دی ماه ۹۸ اعلام کرد: یک مسیر از قطعه دوم آزادراه تهران - شمال تا سال ۱۴۰۰ زیر بار ترافیکی می‌رود اما کاری با قطعه سوم نداریم و اگر تحریم‌ها برطرف شود چینی‌ها این آزادراه را تکمیل می‌کنند.^{۳۰۳}

در بهمن ماه ۹۶، شرکت چینی «چینگ‌دا» با بنیاد مستضعفان بر سر قراردادی برای طراحی و ساخت قطعه‌ی سوم آزادراه تهران - شمال به توافق رسید. برآورد اولیه‌ی مسئولین ایرانی برای طراحی و ساخت این قطعه ۲۰۲ میلیارد دلار بود که پیش‌بینی می‌شد در مدت ۴ سال تکمیل شود.^{۳۰۴} خادمی، معاون وزیر راه و شهرسازی، در فروردین ۱۴۰۰ اعلام کرد که «با ۵ شرکت چینی وارد مذاکره شدیم که مذاکره با یکی از این شرکت‌ها بسیار جدی است و دور جدیدی از مذاکرات فشرده با این شرکت در حال انجام است.»^{۳۰۵}

^{۳۰۲} «قرارداد آزادراه تهران-شمال متمم خورد»، خبرگزاری مهر.

^{۳۰۳} «قطعه قطعه تا شمال»، همشهری.

^{۳۰۴} «طراحی اولیه قطعه سوم آزادراه تهران-شمال توسط یک شرکت چینی انجام شد»، ایرنا.

^{۳۰۵} «احتمال ورود چینی‌ها به آزادراه تهران - شمال»، ایلنا.

جمع بندی

هدف این فصل کاوش و شناخت نقش سرمایه‌گذاری چین در گسترش خطوط حمل‌ونقل ایران و منافع مرتبط با آن بود. این موضوع در پرتو اهداف و برهم‌کنش‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی جاده‌ی ابریشم نوین مورد بررسی قرار گرفت. راه‌اندازی و اجرای این پروژه‌ی فرامنطقه‌ای و فراقاره‌ای نفوذ چین را دامن‌گستر می‌کند و چین را چند قدم بیشتر به سوی سپهر جهانی سوق می‌دهد. بنابراین، ایران به‌عنوان بخشی از کریدور چین - آسیای میانه - آسیای غربی، به مقصد مهم سرمایه‌گذاری چین در توسعه‌ی پروژه‌های زیربنایی حمل‌ونقل تبدیل شده است که به حوزه‌ی نفوذ و فعالیت اقتصادی چین، هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی کمک می‌کند.

در این فصل نشان دادیم که بخش قابل‌توجهی از زیرساخت‌های حمل‌ونقل ایران توسط شرکت‌های چینی ساخته شده‌اند. در واقع، نزدیک به یک‌سوم از کل سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران به ساخت خطوط راه‌آهن، شبکه‌ی متروی کلان‌شهرها، و جاده و آزادراه‌ها اختصاص داده شده است. علاوه بر این، نکته‌ی درنگ‌انگیز این است که چین همواره با موانع و تنگناهای بین‌المللی دست‌وپنجه نرم کرده است. تحریم‌های آمریکا علیه ایران در بسیاری از مقاطع تاریخی قضیه‌ای است که چین در اجرای برخی پروژه‌ها به‌طور مستمر با آن مواجه بوده و عملاً نتوانسته فشارهای آمریکا را نادیده بگیرد، به‌طوری که تعدادی از پروژه‌ها یا اصلاً به مرحله‌ی اجرا در نیامده‌اند و یا به‌ناگزیر رها شده و نهایتاً منجر به فسخ قراردادها شده‌اند.

همچنین در ارتباط با منافع که چین تعقیب می‌کند، ایران به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی که دارد به‌عنوان یک مرکز حمل‌ونقل و ترانزیتی کلیدی برای اتصال چین به خاورمیانه و اروپا تلقی می‌شود. از حیث ژئواکونومیک، به‌منظور افزایش هم‌پیوستگی میان کشورهای واقع‌شده در مسیر «ابتکار کمربند و جاده»، پکن به‌مدد مشارکت فعال در ساخت‌وساز خطوط حمل‌ونقل در ایران، هم‌زمان دسترسی بیشتر چین به مناطق غنی از انرژی - خاورمیانه و منطقه‌ی خزر - و نیز تقویت امنیت

عرضه‌ی انرژی را دنبال می‌کند. و همچنین ایران را به قطب ترانزیتی بزرگ اوراسیا برای تسهیل جریان کالاها و خدمات چینی به بازار کشورهای مشارکت‌کننده در جاده‌ی ابریشم نوین مبدل کرده است. از لحاظ ژئوپلیتیکی، مشارکت در احداث شبکه‌های حمل‌ونقل ایران، به پویایی قدرت چین در درون روابط قدرت در نظم جهانی سمت‌وسو می‌بخشد. تقویت هم‌پیوندی متقابل میان چین و اقتصاد جهانی، موقعیت انحصاری چین و شرکت‌های آن را در دسترسی به منابع اولیه و بازارهای جدید فراهم می‌آورد و آنها را در نظم جهانی سرمایه‌داری در رقابت مداوم میان قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری و شرکت‌های فراملیتی در موقعیت فرادست‌تر قرار می‌دهد. بدین ترتیب، قدرت هژمون چین از طریق درهم‌تنیدگی منطق ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی تقویت، بازتولید و حفظ می‌شود.

نتیجه‌گیری پایانی

این پژوهش به بررسی پیامدهای اقتصادی و سیاسی جریان سرمایه‌گذاری چین در اقتصاد ایران پرداخت. در مواجهه‌ی نقادانه با رویکرد دولت‌محوری جریان اصلی، این موضوع را در پیوند با سازوکارها و تضادهای درونی، گسترش‌محوری و گرایش انباشت‌محور سرمایه به‌مثابه‌ی درونی‌ترین نیروی محرکه‌ی نظام سرمایه‌داری موشکافی و تحلیل کردیم. از این‌رو، تحقیق درخصوص واردشدن و نفوذ فزاینده‌ی این قدرت نوظهور در ایران را نه صرفاً در سطح و مقیاس روابط بینادولتی و تجاری در کل، که بر زمینه‌ی فراگیرتر تحولات شگرف سرمایه‌داری در چین، هم‌پیوستگی فزاینده‌ی اقتصاد داخلی آن در اقتصاد جهانی و ضرورت‌های توسعه‌ی اقتصادی داخلی آن قرار دادیم. این مهم در درجه‌ی اول در پرتو این واقعیت است که سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران را نمی‌توان صرفاً روابط تجاری میان دو دولت‌ملت ارزیابی کرد؛ بدون این‌که نیروهای محرکه‌ی بنیادین در پس رانش و گسیل سرمایه در سراسر مرزهای ملی و پسامدهای بالفعل و بالقوه‌ی آن ملحوظ نظر قرار نگیرد. بنابراین این پژوهش بنا داشت به تبیین و تحلیل این مسئله بپردازد که چگونه این فرایند به‌طور هم‌زمان با دو پی‌آمد دیالکتیکی ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی، دو فرایند متمایز ولی درهم‌تنیده، همراه خواهد بود. از این نظرگاه، پرسش اصلی این پژوهش بدین شرح بود: پی‌آمدهای اقتصادی و سیاسی سرمایه‌گذاری چین در ایران کدام‌ها هستند؟

با به‌کارستن مفهوم مرکزی «منطق اقتصاد ژئوپلیتیکی امپراتوری سرمایه»، فرضیه‌های صورت‌بندی‌شده برای پاسخ به پرسش پژوهش ما بر دو محور اصلی متکی بودند. نخست، فرض بر

این بود که افزایش سرمایه‌گذاری چین در اقتصاد ایران و ساخت شبکه‌های زیربنایی حمل‌ونقل همراه خواهد بود با: (۱) تشدید روند ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد چین به میانجی پروژه‌های فرامنطقه‌ای و فرافراه‌های اش در راستای (۲) تأمین اساسی‌ترین ملزومات توسعه‌ی اقتصادی چین و در تحلیل نهایی (۳) تقویت و تحکیم فرایند انباشت سرمایه در داخل چین. پیش‌انگاره‌ی ما این بود که **تغییرات کمی** در هم‌پیوندی اقتصادی - هم‌چون روابط تجاری، سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت هم‌پیوستگی به‌مدد احداث شبکه‌های زیرساختی - منجر به **تغییرات کیفی** خواهد شد. این روند پسامدهای سیاسی بر روابط قدرت میان دو کشور به همراه خواهد آورد. بر این اساس، فرضیه‌ی دوم این مطلب را مطرح کرد که اساسی‌ترین پی‌آمدهای سیاسی این فرایند عبارتند از (۱) حفظ و استمرار پیکره‌بندی توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری ایران (۲) به‌واسطه‌ی تبدیل کردن آن به یک اقتصاد تابع در راستای برآوردن متقاضیات رشد و توسعه‌ی اقتصادی در چین. متعاقباً جملگی این تحولات (۳) تقویت و تثبیت هژمونی، توان‌مندسازی موازنه‌ی قدرت به نفع چین و تفوق برتری‌اش بر ایران را در پی خواهد داشت.

یافته‌های این پژوهش، فرضیه‌های ما را از دو زاویه مورد پشتیبانی و تأیید قرار دادند که در ادامه آن‌ها را برمی‌شمایم تا در نهایت به پالایش نظری بهتر دست یابیم. از یک‌سو درمورد یکپارچگی و هم‌پیوستگی اقتصادی، شواهد و فاکت‌هایی که ارائه کردیم مؤید این واقعیت است که طی دو دهه‌ی گذشته، ایران بیش از هر زمان دیگری به اقتصاد چین متکی بوده است. یکم، چین در قرن بیست‌ویکم به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شده است؛ هم به‌عنوان برترین کشور مقصد صادرات و هم به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور مبدأ واردات ایران. افزون بر این ایران در این بازه‌ی زمانی به مقام سومین مقصد بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی چین در خاورمیانه صعود کرده است. اگرچه نسبت سهم ایران به کل سرمایه‌گذاری خارجی چین در جهان بی‌نهایت ناچیز است، ولی طی دوره‌ی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹ سرمایه‌گذاری‌های چین روی هم‌رفته تقریباً دوسوم کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران را

تشکیل می‌دهند. این میزان سرمایه‌گذاری بسیار چشمگیر و تعیین‌کننده است و در واقع در کمتر کشوری چنین پدیده‌ای به چشم می‌خورد. ایضاً، سرمایه‌گذاری چین در ساخت شبکه‌ی راه‌سازی ایران، روند درهم‌فشرده‌گی اقتصادی این کشور را از طریق «ابتکار کمربند و جاده» تشدید کرده است.

لذا از آن جایی که جریان سریع و آزادانه‌ی کالا و سرمایه در سراسر مرزهای ملی از ویژگی‌های بارز فرآیند جهانی شدن و به‌هم‌پیوستگی اقتصاد جهانی است، احداث شبکه‌های زیربنایی برای تسهیل و تضمین تأمین مواد اولیه و نیز گردش و جریان سرمایه و کالاهای چینی به بازارهای ممتد با جاده‌ی ابریشم نوین از اهمیت حیاتی برخوردار است. با بهبود و تقویت ارتباطات میان کشورهای مشارکت‌کننده در این ابتکار، ایران به‌مثابه‌ی یک مرکز کلیدی ترانزیتی و تجاری برای دستیابی به ذخایر عظیم انرژی در خاورمیانه و منطقه‌ی خزر و تضمین دسترسی سهل‌تر و مطمئن‌تر به آن نگرسته می‌شود. این شواهد و حقایق باهم فرضیه‌ی نخست را تأیید می‌کنند و به صراحت روند تاریخی‌ای را بازتاب می‌دهند که طی آن سرآغاز قرن بیست‌ویکم لحظه‌ای کلیدی و تعیین‌کننده برای پیوستگی و وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد چین بوده است.

از دیگر سو، ماهیت این تغییر و دگرسانی‌ها نه تنها در تقویت روابط اقتصادی از لحاظ کمی متجلی می‌شود بسا که پسامدهای کیفی روابط قدرت میان طرفین نیز قابل رؤیت و سنجش است. یکم این‌که، در سطح معینی از تحلیل، محور و معضل روابط تجاری دوجانبه‌ی چین و ایران فروش نفت خام، مواد معدنی، محصولات شیمیایی و فلزات اساسی ایران در ازای (عمدتاً) کالاهای سرمایه‌ای و تولیدی و (تا حدی) کالاهای مصرفی بوده است. اگرچه در چند سال اخیر در نتیجه‌ی تحریم‌های آمریکا، سهم ایران از کل واردات نفت چین به‌شدت کاهش یافته، اما در عوض، مجموع کل صادرات کالاهای سرمایه‌ای چین به ایران از حدود ۸۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۹۵ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. برخلاف ارزیابی و خوانش نادرستی که گویا این گونه مبادله‌ها «به‌شدت برای هر

دو طرف سودمند است»^{۳۰۶}، اما در اصل، پی‌آمدهای بلاواسطه و بنیادین آن تقویت و حفظ توسعه‌ی ناموزون سرمایه‌داری است. این شکل از روابط و مبادلات اقتصادی نه برای طرفین سود و منفعتی هم‌سان و هم‌ارز دارد و نه مبتنی بر «همکاری بردبردار» است. و حتی نمی‌توان از روابط قدرت هم‌تراز و هم‌گن میان دو کشور صحبت کرد. در این سطح از تحلیل، ایران در چارچوب سرشت و ساخت این سطح از روابط قدرت، نه تنها قادر نیست مسیر صنعتی شدن و رشد و توسعه‌ی اقتصادی را تجربه کند، بلکه در عوض عملاً به تأمین‌کننده‌ی مواد اولیه برای توسعه‌ی اقتصاد چین و متقابلاً به بازار عمده‌ای برای سرمایه و کالاهای تولیدی چین تبدیل شده است.

افزون بر این چنان‌که در بالا ارائه کردیم، مقصد اصلی سرمایه‌گذاری‌های چین، نه بخش‌های تولیدی و صنعتی، که اساساً انرژی‌محور بوده‌اند. در واقع جهت‌گیری و علایق سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران، پروژه‌های صنعتی، تولیدی یا فناوری و نوآوری (که در اقتصادهای پیشرفته مشاهده می‌شود) نبوده است. در عوض، سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً به بخش‌های انرژی، حمل‌ونقل، فلزات و مواد شیمیایی سرازیر شده‌اند. به طور ژرف‌نگرانه‌تر هدف از سرمایه‌گذاری‌ها در درجه‌ی اول بهره‌برداری از منابع طبیعی و اولیه برای تأمین مایحتاج رشد و توسعه‌ی اقتصادی و تقویت فرآیند صنعتی‌شدن و مدرن‌سازی چین بود. پی‌آمدهای اقتصادی و سیاسی آن این است که اقتصاد تک‌محصولی ایران (استخراج و تولید انرژی‌های فسیلی) هم‌چنان پابرجا مانده و همواره بر محور تأمین‌کننده‌ی پیش‌نیازهای توسعه‌ی ناهم‌سان اقتصادی در کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری چرخیده است.

با درنگ بر تناقضات درونی جهانی‌شدن، تمامی موارد ذکر شده در فرازهای بالا ما را به این استنتاج می‌رساند که فرایند جهانی‌شدن به هیچ وجه به یکنواختی و همگونی اقتصادهای ملی و یا سودمندی متقابل و هم‌سان طرفین نمی‌انجامد. در مقابل، ما با هم‌زمانی دو روند تضادآمیز اما

³⁰⁶ Garver, *China and Iran*, 246.

درهم‌فشرده و دیالکتیکی مواجهه‌ایم. هم‌گام با تشدید هم‌پیوستگی اقتصاد جهانی، فرایند جهانی‌شدن با چندپارگی قلمرو ارضی اقتصاد سرمایه‌داری جهانی در قالب تخصصی‌شدن و متمایزسازی اقتصادهای ملی و دولت‌ملت‌ها توأم خواهد بود. این روند از سوی دولت‌های ملی برای استحکام و استمرار «رقابت‌پذیری بین‌المللی اقتصاد ملی‌شان، حفظ یا بازگرداندن سودآوری به سرمایه‌ی داخلی، و برای ارتقای تحرک آزاد سرمایه» اتخاذ و عملیاتی می‌شود.^{۳۰۷} به طور انضمامی‌تر، در نتیجه‌ی درهم‌آمیختگی اقتصاد ایران در اقتصاد چین و به‌رغم این درجه از روابط و همکاری‌های اقتصادی در بسیاری از عرصه‌ها، اولی هم‌چنان منبع استخراج و تولید انرژی و مواد خام باقی مانده است و دومی فرایند پرشتاب صنعتی‌سازی و «پیشرفت» را از سر می‌گذراند.

نکته‌ی بحث‌برانگیز در این پژوهش، چالش‌هایی بود که چین در فرایند روابط خود با جمهوری اسلامی ایران با محدودیت و تنگناهای ناشی از تحریم‌های غرب علیه ایران مواجه بوده است. چین به‌رغم گسترش حوزه‌ی نفوذ خود در ایران، همواره زیر تیغ دولبه‌ی آمریکا قرار داشته و این نیز به افت شدید واردات نفت از ایران و کنارگذاشتن یک‌سری از پروژه‌های در دست‌اجرا منجر شده است. توضیح و استنباط از این پیش‌آمدها این است که دست‌به‌عصا بودن چین در رابطه با ایران و گردن‌نهادن به فشارهای آمریکا تا حد زیادی برخاسته از گره‌خوردن اقتصاد چین و منافع کلان آن در اقتصاد جهانی است. میزان و ماهیت کشمکش چین با دیگر قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری تابعی از ساختار کلان اقتصاد جهانی سرمایه‌داری است. به دلیل ساختار بغرنج، به‌شدت جهانی‌شده و به‌هم‌پیوسته‌ی بازار جهانی، چین عمیقاً در محمضه‌ی تجارت و جریان سرمایه‌ی متقابل با کشورهای متروپل غربی گیر افتاده است. به همین دلیل است که پکن دورنما و منافع درازمدت و جهانی خود را فدای روابط

³⁰⁷ Wood, "Global," 26.

کوتاهمدت خود با تهران نمی‌کند، به‌ویژه این‌که ایران به‌طور فزاینده‌ای به اقتصاد چین وابسته است، اما چین مدام در حال جبران کاهش فعالیت‌هایش در ایران در کشورهای جایگزین انرژی خیز است.

در تحلیل نهایی روابط اقتصادی و سیاسی چین و ایران در خدمت بازتولید مناسبات اجتماعی تولید سرمایه‌داری، بازتولید مناسبات طبقاتی و بازتولید ساخت قدرت در هر دو کشور است. صادرات سرمایه‌ی چین و گرایش جهان‌گستر آن صرفاً به خلاصی از شر سرمایه‌ی مازاد و «اضافه‌انباشت بیش‌ازحد» و یا داشتن روابط صرفاً اقتصادی قابل فروکاستن نیست. همان‌گونه که بالاتر بحث شد هر دو استراتژی «رفتن به جهان» و «ابتکار کمربند و جاده» را باید به‌سان یک پروژه‌ی کلان توسعه‌ی طبقاتی‌محور، درهم‌تنیدن و به‌هم متصل کردن اقتصادهای مختلف در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی برای مشارکت‌دادن بورژوازی چین، روشنفکران و نخبگان، طبقات بالایی و حاکم در کشورهای شرکت‌کننده در راه ابریشم نوین چین ملحوظ داشت. برآیند این روند حفظ و تقویت و استمرار مناسبات طبقاتی سرمایه‌داری در چین و ایران جهت تداوم سلطه‌ی طبقه‌ی سرمایه‌دار و ذی‌نفعان در حاکمیت سیاسی بر اکثریت توده‌های کارگر و فرودست جامعه است. به‌همین ترتیب، شایان ذکر است که معضل و تنگناهایی که ایران نیز با آن مواجه است مسئله‌ی اقتصاد نفتی نیست. یا حتی نمی‌توان با ساده‌سازی و پاک کردن صورت مسئله، آن را با مقوله‌ی «دولت رانتی» توضیح داد. در واقع این ساختارهای مسلط اقتصاد سیاسی در ایران هستند که هم‌سو با اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، ملزومات بازتولید اقتصاد سرمایه‌داری و توسعه‌ی ناموزون در ایران را فراهم و بازتولید می‌کنند.^{۳۰۸} انگشت اتهام نباید صرفاً و به‌صورت یک‌سویه متوجه‌ی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری و امپریالیستی - به‌طور مشخص قدرت نوظهور چین - شود. بلکه سازوکارها و مناسبات قدرت سیاسی

^{۳۰۸} این موضوع در دو نوشتار دیگر به‌طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: حامد سعیدی. اقتصاد سیاسی حضور سپاه پاسداران در صنعت نفت و گاز ایران: یک تحلیل انتقادی. (۲۰۲۰)؛ و سرشت‌نشان‌های نولیبرالیسم در ایران - نقش دولت و سه دهه خصوصی‌سازی (۲۰۲۱). در سایت نقد اقتصاد سیاسی.

و اقتصادی حاکم بر ایران به نوبه‌ی خود سهم اساسی در حفظ و استمرار بحران و انسدادهای ژرف و گسترده‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارند. یا به عبارتی بهتر، بورژوازی ایران و ذی‌نفعان در قدرت سیاسی حاکم منافع‌شان را در هم‌سویی با نظام جهانی سرمایه‌داری دنبال می‌کنند و استمرار وضع موجود را به هر قیمتی - به‌ویژه به‌مدد سرکوب و استبداد در پهنای جامعه‌ی ایران - تعقیب می‌کنند. برای فراروی از وضع موجود - نظام سرمایه‌داری حاکم - لازم است از پایین و با اتکا به نیروها و جنبش‌های سازمان‌یافته‌ی طبقاتی و رادیکال اجتماعی قدرت سیاسی حاکم را به‌چالش کشید، درهم شکست و از رهگذر انقلاب اجتماعی از نو نظامی نوین و سوسیالیستی برپا ساخت.

از حیث روش‌شناختی، وجه قوی این تحقیق «روایی درونی و بیرونی»^{۳۰۹} آن است. از یک سو «فرایند انتزاع» به‌عنوان یک بُعد کلیدی روش دیالکتیکی، امکان بررسی و سنجش دقیق‌تر فرایندها و رابطه‌های دخیل در مناسبات چین و ایران را در اختیار ما قرار می‌دهد. به همین ترتیب توانستیم به مدد کاربست «انتزاع امتداد» نقش چین در اقتصاد ایران در طول یک فرایند تاریخی تقریباً بیست‌ساله (و گاه چهل‌ساله) را ردیابی و واریسی کنیم. این امر به ما کمک کرد تا رصدکردن این تحولات در توالی زمانی و انسجام در میان مؤلفه‌ها و عناصر متعدد و متمایز فعالیت‌های چین در ایران، در فاصله‌ی نزدیک‌تری با فرایندها و رابطه‌ها سروکار داشته باشیم و آن‌ها را مورد سنجش قرار دهیم. به‌علاوه، این روش با به‌کارگیری انتزاع سطح تعمیم، قادر به شناسایی گرایش‌ها و نیروهای محرکه‌ی اصلی شیوه‌ی تولید و روابط قدرت در نظام سرمایه‌داری جهان است به‌طوری که می‌توانیم آن را بر موارد متعدد دیگری نیز تعمیم دهیم. بنابراین علی‌رغم ویژه‌بودن هر کشور و پیچیدگی‌های درونی آن، یافته‌ها و نتایجی که از روابط ایران و چین به دست آوردیم را می‌توان در جهان‌شمول‌ترین روندها برای روابط قدرت میان کشورهای مرکز و پیرامونی (یا شمال و جنوب جهانی) تعمیم داد.

³⁰⁹ Internal and External Validity

در خاتمه، ذکر این نکته خالی از ارزش نیست که مدتهاست بحث‌های مناقشه‌برانگیزی در میان صاحب‌نظران مارکسیست در مورد موقعیت چین در نظام سرمایه‌داری جهانی در جریان است. جدل اساسی بر سر این است که، مطابق تعریف و دسته‌بندی‌های «نظریه‌ی نظام‌های جهانی»،^{۳۱۰} چین را در کدام دسته از مقولات «مرکز، نیمه‌پیرامونی و پیرامونی» قرار دهیم و چگونه باید به توصیف موقعیت و ویژگی‌های آن برآییم. با آن که چین از حیث تاریخی در «جنوب جهانی» قرار داشته و جزو کشورهای درحال‌رشد بوده است، اما این رساله چین را به‌عنوان یک کشور «مرکز» سرمایه‌داری نوپدید تبیین و توصیف می‌کند. در حالی که سایر نظریه‌پردازان مارکسیست، در عوض، چین را یک کشور «نیمه‌پیرامونی» وصف می‌کنند و استدلال‌شان این است که «چین هم‌چنان به انتقال مقدار بیشتری از ارزش اضافی به کشورهای مرکز در نظام جهانی سرمایه‌داری، نسبت به آن‌چه که از پیرامون دریافت می‌کند، ادامه می‌دهد.»^{۳۱۱} در هر صورت بحث بر سر این موضوع همواره باز است و استمرار دارد. لذا نکته‌ی بایسته‌ای که باید موشکافی و بازنمایی شود این است که چین چه میزان ارزش اضافی (به‌شکل سود) از سرمایه‌گذاری‌هایش در ایران به دست آورده و آن را به چین منتقل کرده است. این مسئله را می‌توان با تمرکز بر این که سرمایه‌گذاری‌های چینی در ایران چقدر سودآور بوده و چقدر ارزش اضافی استخراج‌شده از نیروی کار ایران توسط شرکت‌های چینی به جیب زده شده است، مورد غور و بررسی قرار داد. این مطلب می‌تواند موضوع پژوهش جداگانه‌ای باشد.

³¹⁰ World-systems theory

³¹¹ Minqi Li, "China: Imperialism or Semi-Periphery?" Monthly Review, Jul 01, 2021.

کتاب‌شناسی

متن اصلی این رساله به زبان انگلیسی در پیوند زیر قابل دسترس است:

Hamed Saidi, "The Geopolitical Economy of Chinese Influence in Iran: Empire of Capital and Uneven Development", MA Thesis: University of Leiden, 2021.
<http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.20903.06565>

کتاب‌ها

- لنین، ولادیمیر ا.ا. (۱۹۱۷). *امپریالیسم به مثابه‌ی بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری*. ترجمه‌ی محمد پورهرمزگان. پیوند.
- مارکس، کارل (۱۳۷۷ [1857]). *گروندریسه: مبانی نقد اقتصاد سیاسی*. ترجمه‌ی باقر پرهام و احمد تدین. تهران: نشر آگاه.
- مارکس، کارل. (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی*. مترجم: مهندس صادق انصاری (ا. برزگر). نشر اخگر. پیوند.
- مارکس، کارل. (۱۳۹۵). *سرمایه: نقد اقتصاد سیاسی (مجلد سوم)*. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: نشر لاهیتا.
- میک‌سینزود، الن. (۱۳۸۸). *امپراتوری سرمایه*. ترجمه‌ی حسن مرتضوی. تهران: نشر نیکا.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۳). *معمای سرمایه و بحران‌های سرمایه‌داری*. ترجمه‌ی مجید امینی. نشر کلاغ، تهران.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۷). *امپریالیسم جدید*. ترجمه‌ی حسین رحمتی، انتشارات اختران، تهران.

Agnew, John, and Stuart Corbridge. "The new geopolitics: The dynamics of geopolitical disorder," in *A World in Crisis?: Geographical Perspectives*, second edition, eds. R J. Johnston and P. J. Taylor (Oxford: Blackwell, 1989), 266–288.

Arrighi, Giovanni. *The Long Twentieth Century Money, Power, and the Origins of Our times*. New Updated Ed.]. ed. London: Verso, 2010.

- Byman, Daniel L, and Roger Cliff. *China's Arms Sales*. Santa Monica: RAND Corporation, 2000.
- Desai, Radhika. *Geopolitical Economy: After US Hegemony, Globalization and Empire*. Routledge: Pluto Press, 2014.
- Essex, Jamey. *Development, Security, and Aid: Geopolitics and Geoeconomics at the U. S. Agency for International Development*. Athens: University of Georgia Press, 2013.
- Fan, Joseph P. H., and Randall Morck. *Capitalizing China*. Chicago: University of Chicago Press, 2013.
- Garver, John W. *China and Iran*. Seattle: University of Washington Press, 2011.
- Glassman, Jim. *Bounding the Mekong: The Asian Development Bank, China, and Thailand*. Honolulu: University of Hawai'i Press, 2010.
- Gramsci, Antonio. *Selections from the prison notebooks of Antonio Gramsci*, trans. Quintin Hoare and Geoffrey Nowell-Smith. London: Lawrence and Wishart, 1999.
- Gramsci, Antonio. *Further Selections from Prison Notebooks*, ed. and trans. D. Boothman. London: Lawrence and Wishart, 1995.
- Hanieh, Adam. *Lineages of Revolt*. Chicago: Haymarket Books, 2013.
- Harvey, David. *The New Imperialism*. Oxford & New York: Oxford University Press, 2003.
- Harvey, David. *The Ways of the World*. New York: Oxford University Press, 2016.
- Harvey, David. *The Enigma of Capital: and the Crises of Capitalism*. London: Profile, 2011.

- Huwaitin, B. Mohamed. *China's Relations with Arabia and the Gulf*. Routledge-Curzon, 2002.
- Jessop, Bob. *State Power*. Cambridge and Malden MA: Polity Press, 2008.
- Lenin, Vladimir. *Imperialism the highest stage of capitalism*. 2nd ed. London, REPR 1940.
- Lessenich, Stephan. *Neben uns die Sintflut*. München: Die Externalisierungsgesellschaft und ihr Preis, 2016.
- Li, Minqi. *The rise of China and the triumph of neoliberalism*. Sidmouth: Pluto Press, 2008.
- Li, Xing, "Understanding the Multiple Facets of China's "One Belt One Road" Initiative," in *Mapping China's 'One Belt One Road' initiative*, ed. Xing Li (London: Palgrave Macmillan, 2019), 1-27.
- Maloney, Suzanne. *Iran's Political Economy Since the Revolution*. New York, NY: Cambridge University Press, 2015.
- Marx, Karl. *Capital: A Critique of Political Economy*, Vol. 3, trans. David Fernbach. London: Penguin, 1993[1959].
- Marx, Karl. *Grundrisse: Foundations of the critique of political economy*. London: Penguin Books Ltd, (1993 [1857]).
- Mészáros, Istvan. *Beyond Capital: Towards a Theory of Transition*. London: The Merlin Press, 1995.
- Ollman, Bertell. "The Eight Steps in Marx's Dialectical Method", in *The Oxford Handbook of Karl Marx* eds., Matt Vidal, Tony Smith, Tomás Rotta, and Paul Prew (Oxford: Oxford University Press, 2019), 97-110.
- Ollman, Bertell. *Dance of the Dialectic: Steps in Marx's Method*. Urbana and Chicago: University of Illinois Press, 2003.

- Paolucci, Paul. *Marx's Scientific Dialectics a Methodological Treatise for a New Century* Leiden, The Netherlands: Brill, 2007.
- Ruper, Mark, "Marxism", in *International Relations Theories: Discipline and Diversity*, fourth ed. edited by Dunne, Timothy, Milja Kurki, and Steve Smith, (Oxford: Oxford University Press, 2013), 153-280.
- Smith, Tony. "Towards a Systematic Dialectic of Globalization," in: *Dialectics for the New Century*, edited by Bertell Ollman, Tony Smith, 179-198. Palgrave Macmillan, London, 2008.
- Steinberg, David I, and Hongwei Fan. *Modern China-Myanmar Relations*. NIAS Monographs. Copenhagen: NIAS Press, 2012.
- Ten Brink, Tobias, and Carla Welch. *China's Capitalism*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2019.
- Wood, Ellen Meiksins. "Global capital, national state", in *Historical Materialism and Globalization*, edited by Rupert, Mark., and Hazel Smith (Abingdon, Oxon: Routledge, 2016), 17-39.
- Wood, Ellen Meiksins. *Empire of capital*. London & New York: Verso, 2003.
- Wood, Ellen Meiksins. *The Origin of Capitalism: A Longer View*. Rev. and expanded ed. London: Verso, 2002.

مقالات علمی - پژوهشی

- اختیاری امیری، رضا و صالحی خنار، محبوبه. پیامدهای سیاسی - اقتصادی توسعه روابط ایران و چین در چارچوب سیاست نگاه به شرق (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴). *فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی*، سال دهم، شماره ۴۰ (تابستان ۱۳۹۷)، صص. ۶۳-۱۰۲.
- آدمی و کشاورز مقدم. نقش ژئواکونومی انرژی؛ افشین متقی. بازشناسی ابعاد روی آوری چین به خلیج فارس و سناریوهای امنیتی فراروی ایران. *فصلنامه‌ی آفاق امنیت*، دوره ۶، شماره ۲۱ (پاییز ۱۳۹۲)، صص. ۱۵۱-۱۲۹.
- آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام. نقش ژئواکونومی انرژی در پیوند ایران و چین. *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*. شماره ۱۴ (بهار ۱۳۹۲)، صص. ۷۵-۱۰۴.
- پیرسلامی، فریبرز. چین و ایران؛ راهبردهای سیاست خارجی و چالش همکاری های فراگیر. *روابط خارجی*، سال هفتم، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۴)، صص. ۶۳-۹۲.
- سازمند، بهاره و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. ایران، چین و چالش های فراروی همکاری های فراگیر. *فصلنامه‌ی سیاست*، دوره ۴۳، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۲)، صص. ۸۳-۱۰۴.
- سعیدی، حامد. اقتصاد سیاسی حضور سپاه پاسداران در صنعت نفت و گاز ایران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آمستردام: هلند (۲۰۲۰). *در نقد اقتصاد سیاسی*
- سعیدی، حامد. سرشت‌نشان‌های نولیبرالیسم در ایران - نقش دولت و سه دهه خصوصی‌سازی (۲۰۲۱). *در نقد اقتصاد سیاسی*
- صادقی، سید شمس‌الدین. امنیت انرژی چین و ژئواکونومیک انرژی ایران. *فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*. دوره ۷، شماره ۲۲ - شماره پیاپی ۲۲ (بهار ۱۳۹۴)، صص. ۸۵-۱۲۳.

فلاحی، احسان و امید، علی. تحلیل مقایسه‌ای ژئوپلیتیک انرژی چین در آسیای مرکزی و خلیج فارس با نگاهی به جایگاه ایران. فصل‌نامه مطالعات اقتصادی انرژی، سال پانزدهم، شماره ۶۱ (تابستان ۱۳۹۸)، صص. ۶۶-۲۹.

وجیهه سادات پورنجفی و شهروز شریعتی. ظرفیت استراتژیک ایران در دکترین خیزش صلح‌آمیز چین. ژئوپلیتیک، سال یازدهم شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۴)، صص. ۱۶۹-۱۳۹.

- Amineh, Mehdi.P, and Yang Guang. "China's Geopolitical Economy of Energy Security: A Theoretical and Conceptual Exploration." *African and Asian Studies* 17, no. 1-2 (2018): 9-39.
- Collinge, Chris. "Self-Organisation of Society by Scale: A Spatial Reworking of Regulation Theory." *Environment and Planning. D, Society & Space* 17, no. 5 (1999): 557-74.
- Cowen, Deborah, and Neil Smith. "After Geopolitics from the Geopolitical Social to Geoeconomics." *Antipode* 41, no. 1 (2009): 22-48.
- Ehteshami, Anoushiravan, and Niv Horesh, and Ruike Xu, "Chinese-Iranian Mutual Strategic Perceptions." *The China Journal (Canberra, A.C.T.)* 79, no. 1 (2018): 1-20.
- Glassman, Jim. "Geopolitical Economies of Development and Democratization in East Asia: Themes, Concepts, and Geographies." *Environment and Planning. A* 50, no. 2 (2018): 407-15.
- Holslag, Jonathan. "China's New Mercantilism in Central Africa." *African and Asian Studies* 5, no. 2 (2006): 133-69.
- Jessop, Bob. "Gramsci as a Spatial Theorist." *Critical Review of International Social and Political Philosophy* 8, no. 4 (2005): 421-37.

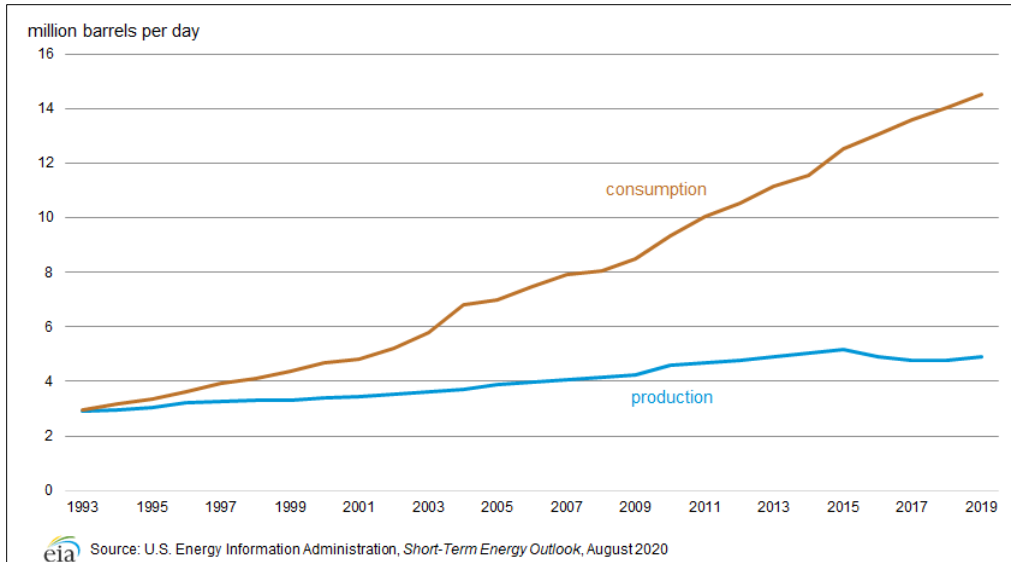
- Kamel, S. Maha "China's Belt and Road Initiative: Implications for the Middle East." *Cambridge review of international affairs* 31, no. 1 (2018): 76–95.
- Khan, Zahid & Changgang GUO. "China's Energy Driven Initiatives with Iran: Implications for the United States, *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* 11, no. 4 (2017): 15-31.
- Kuhn, M, and M. Jannatifar. "Foreign Direct Investment Mechanisms and Review of Iran's Buy-Back Contracts: How Far Has Iran Gone and How Far May It Go?" *Journal of World Energy Law & Business* 5, no. 3 (2012): 207–34.
- Lee, Seung-Ook, Joel Wainwright, and Jim Glassman. "Geopolitical Economy and the Production of Territory: The Case of US–China Geopolitical-economic Competition in Asia." *Environment and Planning. A* 50, no. 2 (2018): 416-36, p. 427-428,
- Li, Zhaoxi. "China's Go Global Policy." in. *Chinese Multinationals*, Larcon, Jean-Paul (Hackensack, NJ: World Scientific, 2009), pp. 31–48.
- Ollman, Bertell. "Why Dialectics? Why Now?" *Science & society (New York. 1936)* 62, no. 3 (1998): 338–357.
- Sazmand, Bahareh, and Arghavani Pirsalami Fariborz. "Iran and China: The Challenges of Comprehensive Cooperation," *Politic Quartely* 43, no. 3 (2013): 83-104.
- Scott Harold, and Alireza Nader. *China and Iran: Economic, Political, and Military Relations*. RAND Corporation, 2012.
- Shamsadi Sadeghi, and Kameran Lotfi. "Analysis of the nature of cooperation in the relations between the Islamic Republic of Iran and China (1368-1394)", *Foreign Relations* 7, no. 2 (2015): 37-70.

- Shariatinia, Mohsen, and Hamidreza Azizi. "Iran–China Cooperation in the Silk Road Economic Belt: From Strategic Understanding to Operational Understanding", *China & World Economy* 25, no. 5 (2017): 46-61.
- Sparke, Matthew. "From Geopolitics to Geoeconomics: Transnational State Effects in the Borderlands." *Geopolitics* 3, no. 2 (1998): 62-98.
- Sparke, Matthew. "Geopolitical Fears, Geoeconomic Hopes, and the Responsibilities of Geography." *Annals of the Association of American Geographers* 97, no. 2 (2007): 338-49.
- Taylor, Peter J. "A Materialist Framework for Political Geography." *Transactions - Institute of British Geographers (1965)* 7, no. 1 (1982): 15-34.
- Wood, Ellen Meiksins. "Logics of Power: A Conversation with David Harvey." *Historical materialism: research in critical Marxist theory* 14, no. 4 (2006): 9–34.
- Wu, Friedrich, and Koh De Wei. "From Financial Assets to Financial Statecraft: The Case of China and Emerging Economies of Africa and Latin America." *The Journal of Contemporary China* 23, no. 89 (2014): 781-803.
- Ziegler, E. Charles. "The Energy Factor in China's Foreign Policy," *Journal of Chinese Political Science* 11, no. 1 (Spring 2006): 1-23.

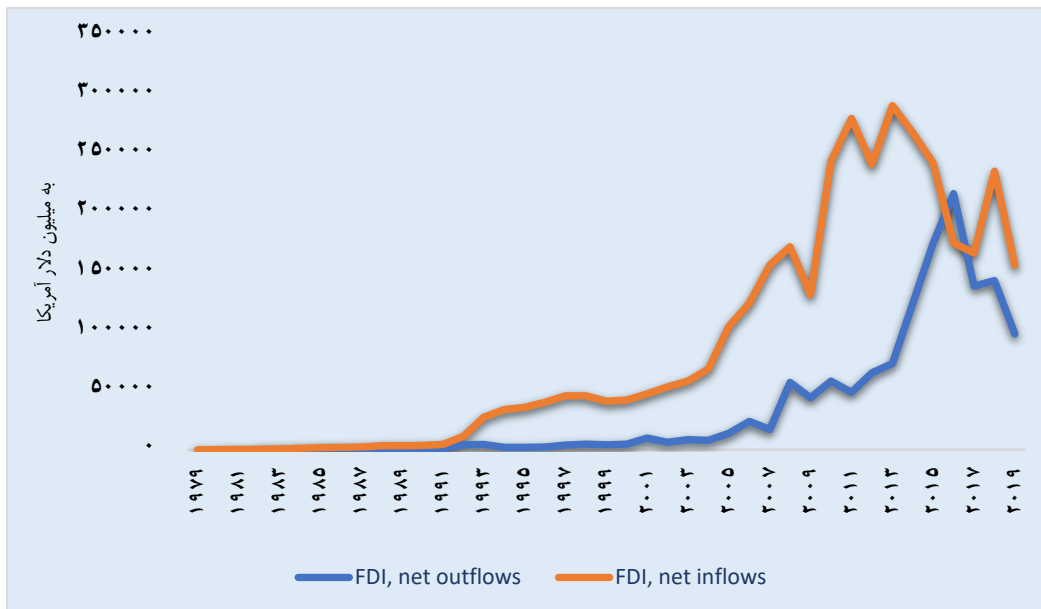
- Colvin, Geof, "Study: China Will Overtake the U.S. as World's Largest Economy Before 2030," *Fortune*, February 9, 2017, <https://fortune.com/2017/02/09/study-china-will-overtake-the-u-s-as-worlds-largest-economy-before-2030>
- Lam, Willy Wo-Lap. "China's global power projection hit with "Strategic Overdraft", *China Brief Volume: 17 Issue: 7*, <https://jamestown.org/program/chinas-global-power-projection-hit-strategic-overdraft/>
- Li, Minqi. "China: Imperialism or Semi-Periphery?" *Monthly Review*, Jul 01, 2021, <https://monthlyreview.org/2021/07/01/china-imperialism-or-semi-periphery/>
- Lo, Dic, "Perspectives on China's Systematic Impact on Late Industrialization: A Critical Appraisal," *IDCEA Working Paper*, July 01, 2018, <https://www.soas.ac.uk/idcea/publications/working-papers/file139039.pdf>
- Mackenzie, Peter. *A Closer Look at China-Iran Relations*. Roundtable Report. Revision 1, 2010. <https://apps.dtic.mil/sti/pdfs/ADA530731.pdf>
- Paul Nash, "China's "Going Out" Strategy", *Diplomatic Courier*, May 10, 2012, <https://www.diplomaticcourier.com/posts/china-s-going-out-strategy>

پیوست‌ها

پیوست I. میزان تولید و مصرف نفت خام و سایر میعانات در چین طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۹.

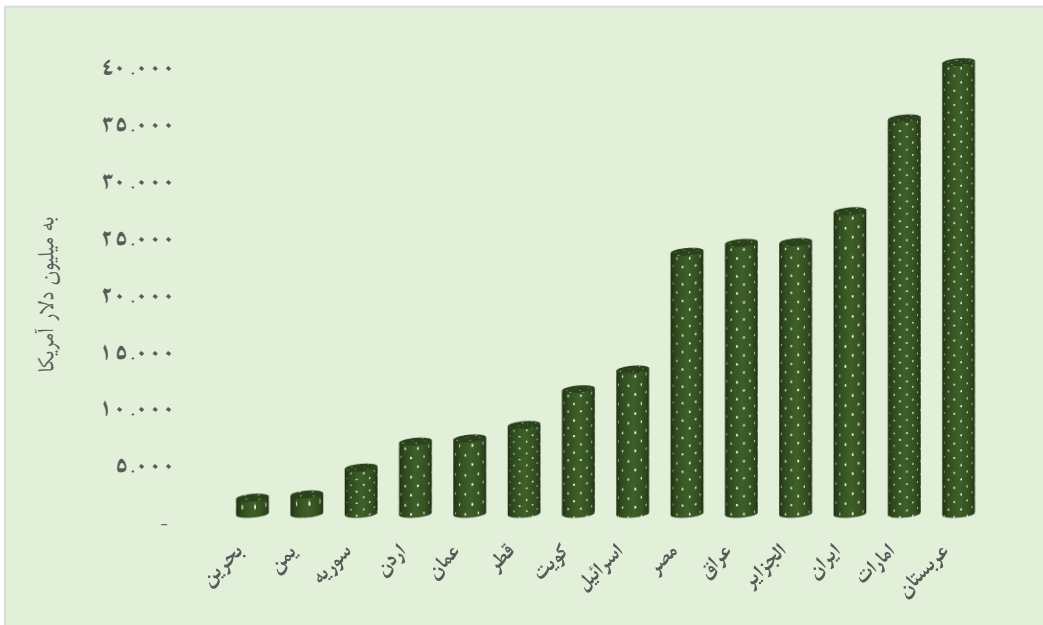


پیوست II. خالص ورود و خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین، طی دوره‌ی ۱۹۷۹-۲۰۱۹.



منبع: UNDATA

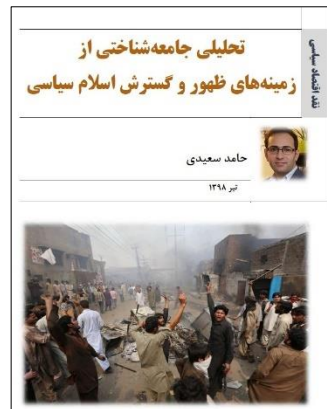
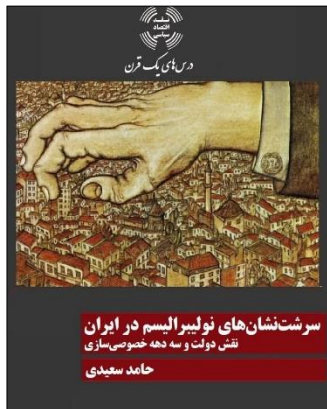
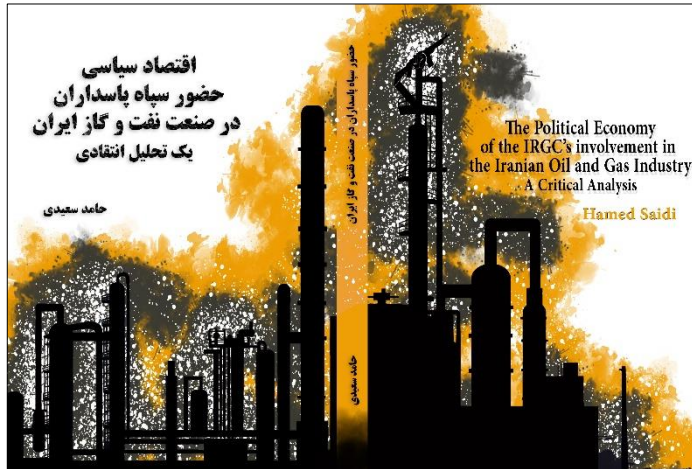
پیویست III. جریان خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین به کشورهای منتخب خاورمیانه، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰.



منبع: محاسبات نویسنده بر اساس آمارهای AEI (ردیاب سرمایه‌گذاری جهانی چین).

دیگر آثار نویسنده

(برای مطالعه‌ی هر کدام از این نوشتارها در سایت «نقد اقتصاد سیاسی» روی تصویر آن کلیک کنید)





**Universiteit
Leiden**
The Netherlands

*The Geopolitical Economy of Chinese Influence in Iran:
Empire of Capital and Uneven Development*

Master of Arts in International Relations

MA Thesis: Global Order in Historical Perspective

Leiden University, Faculty of Humanities

20th July 2021

Author: Hamed Saidi

h.saidi.2@umail.leidenuniv.nl

| **Supervisor:** Dr. R. (Rogier) Creemers

| **2nd reader:** Dr. A. (Alp) Yenen



The Geopolitical
Economy of Chinese
Influence in Iran